

## سوژه های سخن ۸ (رمضان المبارک)

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه: مرکز فرهنگی - تبلیغی زندگی به رنگ خدا - یادگار ماندگار

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

شمارگان: ۰۰۰۰۱ نسخه

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی مجتمع فرهنگی

آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹

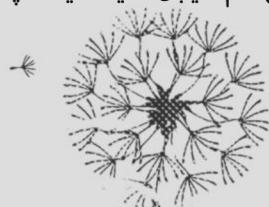
مرکز پخش: موسسه فرهنگی مطاف عشق: قم، خیابان سمیه، سمیه ۳۳ پلاک ۱۳

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۹۳۷۳

۰۹۱۲۷۵۰۶۴۱۱

[www.mataf.ir](http://www.mataf.ir)

غیر قابل فروش



## فهرست

۹-----	مقدمه مولف:
۱۲-----	مقدمه ناشر:
۱۵-----	طليعه
۱۷-----	چند نکته ضروری برای فهم بهتر بحث:
۲۵-----	خلاصه مقدمه:
۲۸-----	درب اول بهشت:
۲۸-----	ولايت رمز مشترك درب هاي بهشت:
۳۱-----	چاره زندگي عاقلانه در دنيا:
۳۵-----	خلاصه درب اول بهشت:
۳۷-----	درب دوم بهشت:
۴۱-----	چند نکته قبل از ورود به بحث:
۵۲-----	خلاصه درب دوم بهشت:
۵۵-----	درب سوم بهشت:
۵۸-----	زندگي سالم در دنيا چهار پایه دارد:

٦٥-----	خلاصه درب سوم بهشت:
٦٧-----	درب چهارم بهشت:
٧٠-----	مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ:
٧٢-----	شروط عمل به دستورات چهارگانه:
٧٨-----	خلاصه درب چهارم بهشت:
٧٩-----	درب پنجم بهشت:
٨١-----	قانون پژواک (عمل و عکس العمل)
٨٨-----	خلاصه درب پنجم بهشت
٨٩-----	درب ششم بهشت:
١٠٠-----	خلاصه درب ششم بهشت:
١٠٣-----	درب هفتم بهشت:
١٠٤-----	عوامل روشنایی قلب:
١٠٦-----	۱. عیادت مریض
١٠٦-----	۲. تشییع جنازه:
١٠٩-----	۳. خریدن کفن:

۱۰۹-----	رد قرض: ۴
۱۱۰-----	خلاصه درب هفتم بهشت: -----
۱۱۱-----	درب هشتم بهشت: -----
۱۱۴-----	سخاوت: -----
۱۱۶-----	حسنالخلق: -----
۱۱۷-----	صدقه: -----
۱۱۹-----	خلاصه درب هشتم بهشت: -----
۱۲۱-----	درب اول جهنم: -----
۱۲۲-----	اساس طاعت انسان: -----
۱۲۵-----	خوف و رجاء: -----
۱۳۰-----	خلاصه درب اول جهنم: -----
۱۳۳-----	درب دوم جهنم: -----
۱۳۴-----	مقدمه: -----
۱۳۵-----	چند فرمول برای در امان ماندن از عذاب روز محسوس: -----
۱۴۳-----	درب سوم جهنم: -----

- درب سوم جهنم در سه نگاه: ۱۴۴
- خلاصه درب سوم جهنم: ۱۵۸
- درب چهارم جهنم: ۱۶۱
- سه عامل زندگی ذلت بار: ۱۶۲
- خلاصه درب چهارم جهنم: ۱۶۷
- درب پنجم جهنم: ۱۶۸
- پذیرش فرماندهی ایمان الهی یا هوای نفس: ۱۶۹
- ابتلای تکلیفی راهی برای کسب ظرفیت الهی: ۱۷۲
- خلاصه درب پنجم جهنم: ۱۷۴
- درب ششم جهنم: ۱۷۷
- اصل اول؛ تلاش حداکثری: ۱۷۸
- اصل دوم؛ رابطه با خلق خدا: ۱۸۲
- اصل سوم؛ رابطه با خدا: ۱۸۲
- خلاصه درب ششم جهنم: ۱۸۳
- درب هفتم جهنم: ۱۸۵

۱ - حساب و کتاب جدی است.	۱۸۶
۲ - حساب و کتاب همگانی است.	۱۸۶
۳ - حساب و کتاب در قیامت ذره‌ای سنت.	۱۸۷
۴ - حساب و کتاب در همه ابعاد شخصیت انسان است.	۱۸۷
خلاصه درب هفتم جهنم:	۱۹۰
انقلاب اسلامی	۱۹۳
"تعاونوا" می‌گوید: «همه ببایند»	۱۹۴
"تعاونوا" می‌گوید: «در کنار امت امام لازم داریم.»	۱۹۶
با وحدت و همدلی همراه باشد.	۱۹۶
هدف گیری در تعاونوا باید "بر" باشد.	۱۹۷
تقوی را رعایت نمایند;	۱۹۸
خلاصه‌ی بحث انقلاب اسلامی:	۱۹۹
فتنه در قرآن	۲۰۲
فتنه چیست؟	۲۰۲
حق سه پشتوانه دارد:	۲۰۴

دو مدل عقل داریم: ۲۰۶-----

چگونگی فتنه و سه شگرد مهم دشمن در ایجاد فتنه: ۲۰۷-----

چطور باید با فتنه مبارزه کنیم؟ ۲۰۸-----

خلاصه بحث فتنه در قرآن: ۲۱۰-----

## مقدمه مؤلف:

بسم الله تعالى

سفره برکت، رحمت و مغفرت ذات باری تعالی در ماه مبارک رمضان برای همه بندگان گسترده است و مسئولیت خطیر و مقدس مبلغین فاضل و فرصت شناس اقضا می کند تا عوامل و موافع بهره برداری از این فرصت بی بدیل را برای تشنگان معارف دین با استفاده از جایگاه منبر و بیان هنرمندانه و مخلصانه بازگو کنند. چند نکته که همیشه باید در راه ترویج قرآن و عترت به خاطر داشته باشیم را به خودم و شما عزیزان یادآوری می کنم:

کلم الناس على قدر عقولهم

حتما باید بیان معارف در حد فهم مخاطبان باشد و مبلغین عزیز می دانند مخاطبان منابر با گسترش شبکه های ارتباطی حقیقی و مجازی، منحصر به افراد پای منبر نیستند و امکان استفاده جمع کثیری از مردم با ظرفیت های مختلف در فهم ایجاد شده است. لذا باید محتوای منبر با ظرافت و دقت انتخاب شود، و سطح فهم عموم مخاطبین حاضر و غائب مد نظر قرار بگیرد. بزرگی می فرمود: «منبر خوب منبری است که عوام بفهمند و خواص بپسندند».

از عوامل معنوی تأثیر کلام در مخاطب، نباید غافل شد. اخلاص در گفتار، تطابق گفتار و عمل، زهد و عدم وابستگی به دنیا از جمله عواملی است که باعث می شود، کلام از دل برخیزد و بر دل مخاطب بنشینند.

سال ۱۳۹۴ از طرف ولی امر مسلمین حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای مدخله‌العلی به عنوان سال همدلی و همبانی بین دولت و ملت نامگذاری شده است. بیان مبانی

دینی و راهکارهای دینی تحقق این شعار که از بطن اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله استخراج شده است، به عهده مبلغان دین است.  
مبانی قرآنی این شعار عبارتند از:

وَاعْصِمُوا بِحَلْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفْرُقُوا تَعَاوُنُوا عَلَى الْبَرِّ وَالتَّقْوِيٍّ<sup>۱</sup>

وَلَا تَتَازَّمُوا فَتَفْشِلُوا وَلَا تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ<sup>۲</sup>

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ<sup>۳</sup>

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْرَوْةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ<sup>۴</sup>

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ<sup>۵</sup>

يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ<sup>۶</sup>

و آیات بسیاری که در این زمینه و با مراجعه به تفاسیر قابل استفاده هستند.  
راهکار تحقق این شعار:  
داشتن نگاه و باور مشترک به وظایف از طرف حکومت

۱-آل عمران: ۱۰۳

۲-انفال: ۴۶

۳-انفال: ۶۰

۴-حجرات: ۱۰

۵-فتح: ۲۹

۶-فتح: ۱۰

اعتلای اسلام و نظام اسلامی

اعتلای ایران اسلامی

صدور انقلاب اسلامی

نصیحت متقابل حکومت و مردم

خیر خواهی متقابل حکومت و مردم

امر به معروف و نهی از منکر متقابل

در پایان ضمن تشكر از همکاری صمیمانه اداره اوقاف و امور خیریه در چاپ و نشر این اثر و همه عزیزانی که در تدوین و تهیه این مجموعه ما را یاری کردند، حجاج اسلام جوادی، بخشی، شهرجردی، تواضع و مهدوی و آقای علوی، از همه مبلغین عزیز تقاضای کمک در بهیه سازی روند سوژه های سخن را داریم و از خدای منان پیروزی عزتمدانه دوستان اهل بیت علیهم السلام و نابودی و خاری دشمنانشان را مسالت داریم و از همه مبلغان نور به ویژه در لیالی قدر التماس دعا داریم.

محمد مهدی ماندگاری

۱۳۹۴/۰۳/۱۰

## مقدمه ناشر:

بسم الله الرحمن الرحيم

الَّذِينَ يَلْعَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْسُونَ أَحَدًا إِلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا<sup>۱</sup>

تبلیغ، کلمه‌ای است که در قرآن مجید زیاد مشاهده می‌شود. رسالت تبلیغ مانند امریه- معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. به همین دلیل هر مسلمان باید خود را حامل پیام اسلام عزیز و ترویج‌دهنده معارف زلال و بدیع آن بداند. از جمله آموزه‌های کلیدی دین دعوت به حق و شناساندن دقیق و هنرمندانه باید و نبایدهای بندگی به مخاطبان تشنه این زمانه است.

در روزگار ما که انبوه اطلاعات از سراسر جهان و از درون فرهنگ‌های متنوع به راحتی و به سرعت در اختیار همگان قرار می‌گیرد توجه به مسئله تبلیغ سبک زندگی اسلامی و ارائه رویکردی آسیب‌شناسانه و ناظر به مشکلات و مضلات جامعه به منظور شناخت تهدیدهای فرهنگی، و ارائه راهکارهای عملی توسط مبلغین با رجوع به منابع اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

در نوشتار حاضر تلاش شده است تا در حد توان و با الگوگیری از آموزه‌های قرآنی و کلمات اهل بیت علیهم السلام و با محوریت شرح تبلیغی حدیث قدسی معراج، که شامل هشت درب بهشت و هفت درب جهنم است به موضوعات خرد و کلان امروز پرداخته شود تا این طریق، گامی در راستای الگویخواهی به منظور عملی ساختن زندگی اسلامی برداشته شده باشد. امیدواریم مبلغان محترم، فرستی را که در ماه

مبارک رمضان ایجاد می‌شود، مغتنم شمرده و با پرداختن به این موضوعات و تشریح آنها، در تحقق سبک زندگی اسلامی سهیم باشند.  
در پایان، از زحمات مؤلف ارجمند حجت الإسلام و المسلمين ماندگاری و موسسه زندگی به رنگ خدا کمال قدردانی را نموده و آرزوی توفیق روزافزون برای ایشان را مسئلت داریم.

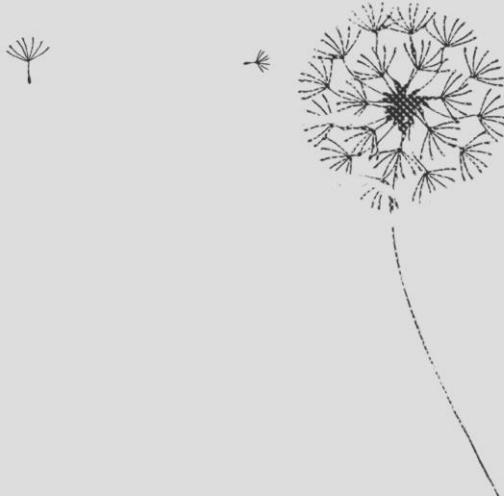
معاونت فرهنگی و اجتماعی  
سازمان اوقاف و امور خیریه

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# طليعه



## طلیعه

عبدالله بن مسعود از صحابه رسول خدا صل الله عليه وآله وسلم نقل می‌کند:

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَمْرَتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ أَنْ تُعْرَضَ عَلَيْكَ قَالَ فَرَأَيْتُ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا مِنَ الْعَيْنِ وَ رَأَيْتُ النَّارَ وَ مَا فِيهَا مِنَ الْعَذَابِ وَ الْجَنَّةُ فِيهَا ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ كُلُّ كَلِمَةٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِمَنْ يَعْلَمُ وَ يَعْمَلُ بِهَا وَ لِلنَّارِ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا تَلَاقُ كَلِمَاتٍ كُلُّ كَلِمَةٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِمَنْ يَعْلَمُ وَ يَعْمَلُ بِهَا فَقَالَ لِي جَبْرِيلُ عَافِرًا يَا مُحَمَّدًا مَا عَلَى الْأَبْوَابِ فَقَرَأَتْ ذَلِكَ أَمَا أَبْوَابُ الْجَنَّةِ ۖ

بهشت و جهنم بر حضرت عرضه شد، بهشت هشت درب دارد و بر هر در بهشت چهار جمله نوشته شده که ۳۲ جمله می‌شود. جهنم هم هفت درب دارد و بر هر درب جهنم سه جمله نوشته شده که ۲۱ جمله می‌شود. که پیامبر صل الله عليه وآله وسلم می‌فرمایند:

كُلُّ كَلِمَةٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِمَنْ يَعْلَمُ وَ يَعْمَلُ بِهَا<sup>۱</sup>  
هر جمله اش بهتر از دنیا و آنچه در دنیاست، به شرطی که کسی بفهمد و عمل کند.<sup>۲</sup>

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۵۳، ح ۶۷

۲- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۵۳، ح ۶۷

## چند نکته ضروری برای فهم بهتر بحث:

### ۱- ایمان به غیب

با کمک آیات قرآن می‌فهمیم؛ کلید هدایت پذیری انسان از قرآن و عترت ایمان به غیب<sup>۳</sup> است؛

*ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدٌىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ۚ*

حکم عقل به جلب منفعت و دفع ضرر محتمل را در نظر بگیرید. مخصوصاً وقتی محتملش بزرگ باشد، منفعتی مانند بهشت و ضرری به بزرگی جهنم، به همین خاطر آن‌هایی که بهشت و جهنم را رعایت نکردند خیلی ضرر کردند. اگر بهشت و جهنمی نباشد، آن‌هایی که با حساب و کتاب بهشت و جهنمی کار کردند زیاد ضرر نکردند.  
۵۰ سال حرام تxorundند یا ۵۰ سال گناه نکردند.

- 
- ۱- برای مطالعه بیشتر و تحقیق رک: سراؤالاسراء، فی شرح حدیث المراج(دو جلدی)، علی سعادت پرور (پهلوانی تهرانی)، انتشارات مکتبه التشیع؛ راهیان کوی دوست (شرح حدیث مراج)، محمد تقی مصباح بزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(رحمه الله)؛ پیامبر صل الله علیه وآلہ وسلم و مراج، میانق امیر فجر، انتشارات دفتر فرهنگ نشر اسلامی؛ محمد راز آفریش، سید جواد هاشمی لاھیجی، تحت عنوان: سفرنامه الهی رسول اکرم ص؛ سیدالمرسلین، ج۱، جفر سبحانی، انتشارات اسلامی، تحت عنوان: المراج؛ درس هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج۱، سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تحت عنوان: داستان مراج رسول خدا؛ تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، علی دواني، تحت عنوان: مراج پیامبر صل الله علیه وآلہ وسلم و مراج از دید علمی؛ جیاه المحرر الاعظم الرسول الکرم محمدص، باقر شریف قرشی، انتشارات مهر امیر المؤمنین، تحت عنوان: الإسراء و المراج؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج۱، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، انتشارات دارالكتب العلمیه، تحت عنوان: جماع ابواب مراج
  - ۲- ر.ک: تفسیر نور، ج۱، ص۴۴ و تفاسیر دیگر ذیل آیه الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ بقره/۷.
  - ۳- بقره/۷ و۳.

در این حدیث، پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم به ما لطف کرده و آن چه ما نمی‌بینیم را در خاطرات سفر آسمانی برای ما بیان می‌کند و حقایقی را تبیین می‌فرمایند که عمل به آن موجب سعادت دنیا و آخرت می‌باشد.

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا<sup>۱</sup>

در حالی که ما نه بهشت را می‌بینیم و نه جهنم را.<sup>۲</sup>  
امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت زیبایی می‌فرمایند:

كُلُّ شَيْءٍ مِّنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عَيْنَاهِ<sup>۳</sup>

اگر بخواهم ترجمه آزاد بکنم، می‌گوییم: همه امور دنیا تبلیغاتش خیلی بزرگتر از خودش است.

كُلُّ شَيْءٍ مِّنَ الْآخِرَةِ عَيْنَاهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ<sup>۴</sup>

خداؤند تبلیغات آخرت را کرده ولی اگر برویم از نزدیک بهشت یا جهنم را ببینیم می‌گوییم: فکرش را نمی‌کردیم این طور باشد.

## ۲- عینی کردن قیامت

پیامبر صل الله علیه و آله و سلم مشکل ما را به عنوان طبیب<sup>۱</sup> به خوبی می‌داند و آن مشکل، غفلت از آخرت است.<sup>۲</sup> لذا آمده تا دارویش - یاد بهشت و جهنم - را به ما بدهد.<sup>۳</sup>

-۱- معارج/۶۷.

-۲- ر.ک: ارشاد القلوب إلى الصواب (اللديلمي)، ج ۱، ص ۱۸، باب ۲.

-۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.

-۴- همان.

بنابراین اولین نتیجه‌ای که از این مقدمه روایت می‌گیریم این است که کلید فهم معارف ایمان به غیب است.  
مصادیق سه گانه غیب در قرآن:

الف. خدا<sup>۴</sup> هم در دنیا و هم در آخرت غیب می‌باشد، هیچ کس خدا را نمی‌بیند.

ب. قیامت؛ در دنیا غیب محسوب می‌شود، ولی انسان بعد از مرگ شهود پیدا می‌کند.

*إِذَا مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ يَرَى مَا لَهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍ<sup>۵</sup>*

وقتی که ما می‌میریم قیامت به پا می‌شود و همه چیز را می‌بینیم.

*فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ<sup>۶</sup>*

ج. مکر و فتنه‌های شیطان<sup>۷</sup>:

۱- طَيْبُ تَوَأْ بَطْلَهُ . نهج البلاغه، خطبه، ۱۰۸.

۲- ر.ک: اعراف/۱۳۶ و ۱۴۶ و ۱۷۹ و ۱۷۹ و ۲۰۵؛ یونس/۷ و ۹۲؛ تحلیل/۱۰۸؛ میریم/۳۹؛ انبیاء/۱ و ۹۷؛ نور/۲۳؛ روم/۷؛ یس/۶؛ ق/۲۲؛

...وَ كَثِيرَةٌ شَهَوَاتٍ وَ غَلَّابٍ در دعای کمیل. صحیفه سجادیه، دعای ۱۳. یا دعای روز اول ماه رمضان.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲

۴- ر.ک: تفاسیر ذیل آیه الذینَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ بقره/۳.

۵- إِرشاد القلوب إلى الصواب (الديلمي)، ج ۱، ص ۱۸۸، باب ۲.

۶- ق/۲۲.

۷- آنُّوْ فِتْنَةُ اَنْفَالٍ ۲۵.

«إِتَّقُوا»<sup>۱</sup> یعنی مراقب باشید. معمولاً چیزی را می‌گویند مراقب باشید که به حسب ظاهر دیده نمی‌شود. اتفاق رادیولوژی که می‌خواهید بروید، می‌گویند: مراقب اشعه ایکس باشید. چون دیده نمی‌شود.

«إِتَّقُوا»‌های قرآن: یا «إِتَّقُوا اللَّهَ»<sup>۲</sup> یا «إِتَّقُوا يَوْمًا»<sup>۳</sup> یا «إِتَّقُوا فِتْنَةً»<sup>۴</sup> می‌باشد که حدود ۹۵ مورد در قرآن آمده است که می‌فرماید، مراقب باشید.

### ۳- حدیث معراج سرلوحه زندگی

اگر باور به کلام خدا و نقل مشاهدات پیامبر ﷺ داشته باشیم، باید این حدیث سرلوحه زندگی مان باشد. چون این حدیث ۱۵ فرمول فوق العاده مهم سبک زندگی را بیان می‌کند.

### ۴- عالم عین و عالم غیب

همه امور عالم و مسائل زندگی یک لایه عینی و یک لایه غیبی دارند.<sup>۵</sup> لذا پیامبر ﷺ نفرمود اگر می‌خواهی زندگی خوبی داشته باشی باید تلاش کنی. چون تلاش را عقل آدم خوب می‌فهمد و حواس آدم با علم و تجربه به دست می‌آورد.

۱- به عنوان نمونه: إِتَّقُوا اللَّهَ بِقَرْهٗ /۱۸۹ و إِتَّقُوا يَوْمًا بِقَرْهٗ /۴۸ و إِتَّقُوا فِتْنَةً بِقَرْهٗ /۲۵

۲- بقره/۱۸۹

۳- بقره/۴۸

۴- انتقال/۲۵

۵- ر.ک: تفسیر نور، ج، ۱، ص، ۴۴ و تفاسیر دیگر ذیل آیه الذین يُؤْمِنُونَ بالغَيْبِ بقره/۳.

الكافی (ط - دارالحدیث)، ج، ۳، ص، ۵. کتاب العقل و الجهل، باب الاخلاق، ح .۱۲

صل‌الله‌علیه‌وآل‌وسلم اینجا چیزی را فرموده که با علم و تجربه نمی‌شود به دست آورد.  
خداآوند متعال می‌فرمایند:

وَ عَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمْ<sup>۱</sup>

ای پیغمبر صل‌الله‌علیه‌وآل‌وسلم ما به وسیله وحی یک چیزهایی به تو یاد دادیم که همه مخلوقات عالم، عقل‌شان را روی هم بگذارند به آن دسترسی پیدا نمی‌کنند.<sup>۲</sup>  
به عنوان مثال همه دوست دارید سخنران خوبی شوید، سخنرانی و سخنوری یک فن و هنر و علم است. در کلاس‌ها فنون و علوم و هنرهایش را می‌گویند و انسان فول می‌شود. اینها لایه عینی است اما سخنور خوب شدن لایه غیبی هم دارد و آن فرمول‌های قرآن و عترت است.

دو فرمول از قرآن و عترت در سخنوری:

الف: نماز شب

خداآوند در دو جا به نماز شب تأکید نمودند:

۱. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَعْثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً<sup>۳</sup>

هر کسی می‌خواهد به مقام محمود تبلیغ برسد نماز شب بخواند.

۲. قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ اثْقَصَهُ مِنْهُ قَلِيلًا<sup>۴</sup>

ب: انس با قرآن

۱- نساء/۱۱۳

۲- چون عینده مفاسخ الغائب لا یتلهمها إلآ هو انعام/۵۹

۳- اسراء/۷۹

۴- مزمول/۳

وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْقِيَّلًا إِنَّا سَنُنْقِي عَيْنَكَ قَوْلًا تَقَيَّلًا

ما می‌خواهیم بار سنگین تبلیغ را بر دوش شما بگذاریم. تو باید با دو عامل خود را تقویت کنی: یکی شب زنده‌داری و دیگری انس با قرآن.

اگر ما این دو عامل غیبی سخنرانی را از خدا و پیامبر ﷺ باور کردیم، می-توانیم عوامل سعادت زندگی بشر را از قرآن و عترت به مردم بفهمانیم. لذا "پا متبری" ای را دیدم که می‌گفت: اگر بدانم این شخص اهل نماز شب نیست، پای منبرش نمی‌نشینم. گفتم: برای چی؟ گفت: خودش حکم خدا و پیامبر ﷺ را باور ندارد، چطور می‌خواهد این حرف را رو به ما بزند؟

کسی باید فرمول‌های غیبی را به مردم بگویید که خودش فرمول‌های غیبی پیامبر ﷺ را راجع به خودش قبول کند.

فرمول‌های غیبی ما را از فرمول عینی مستغنی نمی‌کند و فرمول عینی هم ما را از فرمول غیبی مستغنی نمی‌کند. به عنوان مثال برای امتحان باید هم درس خواند و هم دعا کرد. ولی کسی درس نخواند و تا صبح بنشیند و ده بار زیارت عاشورا بخواند. بعد بگویید چرا زیارت عاشورا جواب من را نداد. از طرفی دیگر تا صبح درس بخواند و بگویید من خواندم دیگر نیازی به توسل و دعا ندارم، این هم غلط است. چون همان خدایی که اینها را معرفی کرده سبب ساز و سبب سوز است.

یکی دیگر از فرمول‌های غیبی موفقیت در تبلیغ توصلات هشتگانه است:

- قرآن<sup>۳</sup>

- عترت<sup>۱</sup>

۱- مزمل/۵-۶.

۲- احزاب : ۲۱

۳- مزمل/۴؛ تفسیر فرات الكوفی، ص: ۲۶، ح: ۳۵۵؛ الكافی (ط - الإسلامية)، ج: ۲، ص: ۷۴؛ كتاب الإيمان و الكفر، باب الطاغة و الشوی، ۳.

- نماز<sup>۲</sup>
- روزه<sup>۳</sup>
- صدقه<sup>۴</sup>
- دعا<sup>۵</sup>
- استغفار<sup>۶</sup>
- ذکر<sup>۷</sup>

شروط لازم جهت استفاده از فرمول‌های غیبی:

### شرط اول: لَمَنْ يَعْلَمُ<sup>۸</sup>

باید به راستی و صحت کلام پیامبر ﷺ ایمان بیاورم، چه حرف پیامبر ﷺ و سلم را بفهمم یا نفهمم یا خلافش را احتمال بدhem. به عنوان مثال اینکه پیامبر ﷺ فرمودند: هفت سال سوم بچه‌های شما وزیرند.<sup>۹</sup> یعنی بهترین سن مسئولیت‌پذیری.

۱- مائدہ/۳۵؛ اسراء/۵۷؛ التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص. ۲۲۵.

۲- بقره/۴۵ و ۱۵۳.

۳- همان.

۴- توبه/۱۰۳.

۵- الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۶۶ به بعد؛ كتاب الدعا.

۶- نساء/۵۴؛ نساء/۱۰۶؛ غافر/۵۵ و محمد/۱۹؛ نصر/۳.

۷- آل عمران/۴؛ انفال/۵؛ شعر/۲۲۷؛ أحزاب/۲۲۷؛ غافر/۵۵؛ نصر/۳؛ نهج البلاغة/خطبه ۲۲۲.

۸- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۸، ح ۵۷.

۹- وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۳۷۶ کتاب النکاح، أبواب أحكام الأولاد، باب ۸۳، ح ۷ (ج ۳۷۶۲۷).

ولی گاهی اوقات ما عرضه نداریم در این سن بچه‌مان را در جایگاه وزارت بگذاریم و مانند کودک با آنها برخورد می‌کنیم.

پسری ۲۲ ساله برای مشاوره آمد و گفت: هر چه به پدرم می‌گوییم من را داماد کن، می‌گوید: تو هنوز نمی‌فهمی. گفتم: پدرت چند سالگی داماد شد؟ گفت: ۱۹ سالگی. گفتم: از این ترفند استفاده کن و برای پدرت در کاغذی بنویس بابا بزرگ چطور تو را ۱۹ سالگی مرد تحويل جامعه داد، ولی تو هنوز نتوانستی من ۲۲ ساله را تبدیل به مرد کنی؟!

جوانی آمد به پیامبر ﷺ فرمود فقیرم. پیامبر ﷺ فرمودند: برو ازدواج کن.<sup>۱</sup> دفعه دوم آمد، پیامبر ﷺ فرمودند: برو ازدواج کن. دفعه سوم هم پیامبر ﷺ فرمودند: برو ازدواج کن. رفت و به حرف پیامبر ﷺ گوش کرد و زندگی اش آباد شد.

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٌ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ<sup>۲</sup>  
شرط دوم: وَ يَعْمَلُ بِهَا<sup>۳</sup>

اگر مردم این دو تصمیم را بگیرند که ایمان و عمل صالح نسبت به کلمات نورانی پیامبر ﷺ - که وَمَا يُطِيقُ عَنِ الْهَوْى<sup>۴</sup> - داشته باشند، اتفاق قشنگی می‌افتد.

۱- الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۳۳۰، كِتابُ النِّكَاحِ، بَابُ أَنَّ التَّرْوِيجَ يُرِيدُ فِي الرُّؤْقِ، ح ۲.

۲- نور/۲

۳- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۶۷

۴- نجم/۴

## خلاصه مقدمه:

تعداد جملات بر درهای بهشت و جهنم:

- هشت درب بهشت، هر دربی چهار جمله = ۳۲ جمله

- هفت درب جهنم، هر دربی ۳ جمله = ۲۱ جمله

چند مقدمه برای فهم بهتر این روایت:

۱- ایمان به غیب به عنوان کلید هدایت پذیری انسان از قرآن و عترت

ایمان به غیب به عنوان کلید فهم معارف دین

بیان آن چه دیدنی نیست در این روایت

سه مصدق غیب(برگرفته از «إِنْقُوا»های قرآن):

الف. خدا؛

ب. قیامت؛

ج. مکر و فتنه های شیطان؛

۲- عینی کردن قیامت

۳- حدیث معراج سرلوحه زندگی

۴- عالم عین و عالم غیب

به عنوان مثال لایه عینی فن سخنوری: آموختن فنون و علوم و هنرهایش لایه غیبی

سخنوری تحت عنوان توصلات هشتگانه: قرآن، عترت، نماز شب، روزه، صدقه، دعا،

استغفار، ذکر.

دو شرط برای محقق شدن فرمول های پیامبر صل الله عليه وآله وسلم :

شرط اول: لَمَنْ يَعْلَمُ

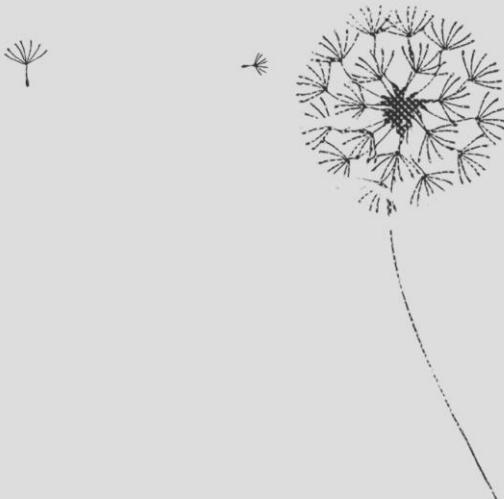
شرط دوم: وَ يَعْمَلُ بِهَا

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب اول پهش



## درب اول بهشت:

### ولایت رمز مشترک درب های بهشت:

از کلماتی که خداوند متعال بر درب اول بهشت نوشته سه جمله مشترک بین درب‌ها بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَيْهِ الْأَوْلَى<sup>۱</sup>

وجه مشترک این سه جمله ولایت است یعنی ای مردم کلید ورود به بهشت ولایت است. چون لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یعنی ولایت خدا، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ یعنی ولایت پیغمبر، إنما وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ<sup>۲</sup> ۳ عَلَيْهِ وَلَيْهِ الْأَوْلَى یعنی ولایت ائمه معصومین علیهم السلام. ولایت اهل بیت علیهم السلام در طول ولایت خداست. یعنی خداوند متعال فرمودند: این آقا سرپرست باشد.<sup>۴</sup> وقتی شما حرف اهل بیت علیهم السلام را گوش می‌کنی، در واقع داری حرف خدا را گوش می‌کنی.

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

۲- مائدہ/۵۵، ر، ک: احزاب/۴۶، نساء/۵۹، حشر/۷۷

۳- سوره احزاب، آیه عر

۴- سوره مائدہ، آیه ۵۵؛ ر، ک: نساء/۵۹

ولايت على ابن ابيطالب عليه السلام همان ولايت خداست، اين را حضرت امام (حـمـهـ)<sup>الله عليه</sup> در كتاب ولايت فقيه آورده‌اند که ولايت فقيه همان ولايت على ابن ابيطالب عليه السلام و همان ولايت رسول الله صـلـالـهـعـلـيـهـوـأـلـوـسـلـمـ و همان ولايت خداست.<sup>۱</sup>

حتى ولايت پدر هم در خانه همان ولايت خداست و ولايت شوهر بر زن هم همان ولايت خداست.<sup>۲</sup> البته اين هايي که غير معمصوم هستند به شرطي ولايت دارند که غير از حرف خدا حرفی نزنند. اگر حرفی غير از بزند، ديگر ولايت ندارد. لذا پدر اگر بگويد: نماز نخوان. اصلا ولايت نداره؛ فَلَا تُطِهِّمُمَا<sup>۳</sup>

### مسير بندگی:

انسان تا پا در مسیر بندگی نگذارد و نيت ادامه مسیر بندگی را نداشته باشد، اهل بهشت نیست.

وَمَنْ يطِعَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

برای این ورود باید اهل اطاعت و بندگی باشیم. اما شرط خلود در بهشت، نيت بندگی است، من نيت می کنم اگر خدا عمر ابدی هم به من بدهد، باز هم در مسیر بندگی باشم.

۱- ولايت فقيه، حکومت اسلامی، ص ۵۰: سخنرانی امام خمینی ره در جمع مردم و عشایر (پاسخ به اتهامات- فلسفه قیام عاشورا) [۳۰]

مهر ۱۳۵۸]

۲- ر.ک: جامع أحاديث الشيعة (البروجردی)، ج ۲۵، ص ۴۸۰ به بعد، كتاب النکاح، أبواب مباشرة النساء ومعاشرهن و... باب ۲۹.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۸

سوره لقمان، آیه ۱۵

۴- سوره نساء، آیه ۶۹

کسی که ۲۰ سال عمرش را معصیت می‌کند، قصدش این است که اگر ۲۰۰۰ سال هم به او عمر بدهند، باز هم معصیت کند ولی آن کسی که این ۲۰ سال عمرش را طاعت انجام می‌دهد، قصدش این است که اگر ۲۰۰۰ سال هم به او عمر بدهند باز اطاعت کند. لذا شما این داستان حضرت عیسیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را شنیدید که حضرت عیسیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بعد از اینکه مادرشان حضرت مریم سلام اللہ علیها را زنده کردند، فرمودند: دوست دارید به دنیا برگردید؟ گفت: اگر برگردم قصدم این است که روزهای بلند تابستان را روزه بگیرم و شباهای بلند زمستان را نماز بخوانم یعنی بازگشتم به خاطر ادامه دادن مسیر بندگی‌ام است.<sup>۱</sup>

آن کسی هم که شب‌ها به تعبیر صاف و صادقانه اش - الواطی می‌کند، قصد دارد اگر عمر نوح هم به او بدهند باز هم الواطی بکند و هیچکس بهتر از خدا از نیت‌ها باخبر نیست.

### خلود در بهشت یا جهنم:

بنابراین طاعت ما قیمتش بهشت نیست، چون ثمن و مثمن خیلی با هم سازگار نیست؛ من ۵۰ سال عبادت کردم، خدا باید ۵۰ سال یا ۱۰۰ سال یا نهایت ۵۰۰ سال به من پاداش بدهد، ولی چرا خلود مطرح است؟ چون نیت بر این بود که هر چه بمانی طاعت بکنی. پس بهانه دیگر خدا نیت است.<sup>۲</sup>

۱- مستدرک الوسائل و مستبط المسائل، ج ۷، ص ۶، ۵، أبواب الصوم الممنوع، باب ۲ باب استيختاب الصوم في الآخر و اخْتِلَال الظَّمِّ فيه،

ج ۸۷۵۹

۲- ر.ک: المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۱، كتاب العلل، ج ۹۵، مصباح الشرعية، ص ۵۴ و ۵۳، الباب الثالث والشرون في النية.

کُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ<sup>۱</sup> بِهِ اندازه‌ای که نیت در شکل‌گیری شاکله ما دخیل است، عمل در شکل‌گیری شاکله ما دخیل نیست.<sup>۲</sup> لذا کسی که توبه می‌کند، نیتش عوض شد و می‌خواهد تمام عمرش را جبران کند. حر بن یزید ریاحی فرصت جبران را پیدا نکرد، ولی شاکله‌اش عوض شد، لذا مقابل قبر حر می‌ایستیم و می‌گوییم السلام علیکم یا انصار ابی عبدالله<sup>۳</sup> حر تا دیروز انصار یزید بود ولی با نیت شاکله‌اش عوض شد.

## چاره زندگی عاقلانه در دنیا:

روی درب اول بهشت نوشته شده: لَكُلُّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الْعَيْشِ أَرْبُعُ خِصَالٍ<sup>۴</sup> برای هر کاری چاره‌ای هست، چاره زندگی عاقلانه و زندگی معقول در دنیا چهار رکن دارد: **الْفَنَاعَةُ وَ بَدْلُ الْحَقِّ وَ تَرْكُ الْحِقْدِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرِ**<sup>۵</sup>

## رکن اول: قناعت

هر کسی می‌خواهد زندگی راحتی داشته باشد، اول باید توquesh را پایین بیاورد و حتی توقع از خدا هم باید کم شود یعنی به روزی کم خدا قانع باشیم.

۱- سوره اسراء، آیه ۸۴

۲- رک: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۶، کتاب الإيمان و الكفر، باب الإخلاص، ح ۴.

۳- رک: الفقة المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۷۸، باب ۱۰۵

۴- زیارت شهدای کربلا که امام صادق علیہ السلام به صفوان جمال تعییم فرمودند

۵- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۵۷

همان.

نقشه مقابل قناعت، حرص، طمع و زیاده خواهی است. در روایات داریم که بالاترین سرمایه زندگی قناعت است.<sup>۱</sup>

گفت چشم تنگ دنیا دوست را یقانعت پر کند یا خاک گور<sup>۲</sup>  
 حدیث معروفی است که هارون گفت: چه کسی است که از پیامبر ﷺ و سلم روایتی یادش باشد؟ پیرمردی را در زنبیل آوردند، آن پیرمرد به نقل از پیامبر ﷺ گفت:

يَشِيبُ أَبْنَاءَ اَدَمَ وَ يَشِيبُ فِيهِ خَصْلَتَانِ: الْحِرْصُ وَ طَولُ الْأَمْلِ.<sup>۳</sup>

هارون هدیه‌ای داد و پیرمرد در حالی که طمعش گل کرده بود گفت: ای خلیفه اگر باز هم روایتی از رسول خدا برایت نقل کنم باز هم هدیه خواهی داد؟ هارون خنده ای کرد و گفت: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ.

رکن اول زندگی، کم بودن توقع حتی از خدا می‌باشد. خلق خدا که توان ندارند مشکل ما را حل کنند و توقعات ما را برآورده کنند، خدا که ما را دوست دارد چرا نمی‌دهد؟ به خاطر اینکه اولین رکن زندگی معقول این است که به نان خالی راضی باشیم.

## رکن دوم: بَذْلُ الْحَقِّ؛ رعایت حقوق دیگران

امیر المؤمنین علی عليه السلام که به اعتقاد ما حق بندگی خدا را ادا کرد، از سفره مادی خدا نان جو خورده است.<sup>۴</sup> تمام وجود خود را بدھکار خدا می‌داند، لذا یکی از روایات به

۱- الخصال، ج ۱، ص ۱۹۸، باب الاربعه، ح ۷؛ مکاتيب الأنتمة عليهم السلام، ج ۴، ص ۳۷.

۲- گلستان سعدی.

۳- در کتاب «أربعين» جامی طبع آستان قدس رضوی، ص ۳۲؛ إرشاد القلوب إلى الصواب (الدبیلمی)، ج ۱، ص ۳۹، الباب السابع.

۴- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۵۳، ح ۶۷.

نام ابی نیز<sup>۲</sup> می‌گوید با امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول کندن چاهی بودیم، سطل-ها را از بالا می‌گرفتم. نزدیک ظهر شد، گفتم: آقاجان بیا، بعد ادامه کار را می-دهیم. فرود: تا چاه به آب نرسد کارم را رها نمی‌کنم، تا قبل از ظهر به آب رسیدیم، وقتی از بدنه چاه بالا می‌آمدند، فرمودند: قلم و کاغذ را برایم بیاور. گفتم: یا علی می-خواهی چه کار کنی؟ بیا بشین غذا بخوریم، بعد وقش می‌کنی. فرمود: می‌ترسم شیطان مزاهم شود، بگذار چیزی که خدا داده را در راه خدا تقدیم کنم، وقف نامه-اش را نوشت و قنات را در راه خدا وقف کرد. بعد از آن غذا برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آماده کردم، غذا چه بود؟ کدوی خشک را با روغن کهنه دنبه گوسفند و دو سه تا تیکه نون خشک هم در آن ریخت. سفره را که پهن کردم امیرالمؤمنین علیه السلام به من گفت: مگر من چقدر بندگی خدا را کردم که این سفره رنگین را انداختی؟<sup>۳</sup> اگر قرار باشد حضرت علی علیه السلام روز قیامت خط کش باشد، اوضاع ما خراب است.

اَفْرَأَ كَيْبَكَ كَفِيْ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبَاً<sup>۴</sup>

نامه عمل را به دست خودم می‌دهند و می‌گویند: به شهدا نگاه کن و به خودت نمره بده.

رکن اول: زندگی معقول از خالق و مخلوق توقعت پایین باشد.

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۱، ص ۱۰۳ و ۱۰۲، أبواب كرام خصاله و...، باب ۱۰۷، ح ۱.

۲- جوانی بنام ابی نیز از فرزندان نجاشی پادشاه یمن در کودکی به مدینه آمد در محضر رسول خدا (ص) به اسلام مشرف گردید، او در خدمت آن حضرت زندگی می‌کرد، پس از رحلت رسول الله (ص) در خدمت فاطمه و فرزندان او (علیہم السلام) بود.

۳- الکنی والالقاب کلمه مبرد، سیرالانمه ج ۱، ص ۳۲۱.

۴- سوره اسراء، آیه ۱۴.

رکن دوم: اینکه اگر کم خواستی، خودت کم نگذار. -کم بخواه و کم نگذار- یعنی حق تلاوت، حق عبادت، حق تقوا، حق زنت را انجام بد. پیغمبر صل الله عليه وآله وسلم کاسه آبگوشت را سر سفره می‌گذاشت، یکی از همسرانش لگد می‌زد و می‌انداخت، حضرت نوارشش می‌کرد.<sup>۱</sup> او اگر بد می‌کند، تو بد نکن.

**رکن سوم: تَرْكُ الْحِقْدِ<sup>۲</sup>**؛ یعنی از کم گذاشتن آنها در دلت چیزی نگه ندار.

اینکه می‌گویند پیامبر صل الله عليه وآله وسلم نمره اش از همه بالاتر است چون امت پیامبران دیگر وقتی کم می‌گذاشتند، پیامبران شان آنها را نفرین می‌کرد<sup>۳</sup>، اما صل الله عليه وآله وسلم دعا می‌کرد؛ اذفَعْ بِالْتَّى هِيَ أَحْسَنٌ<sup>۴</sup>. یعنی از این ها کم بخواه، کم نگذار و از کم گذاشتن شان هم دلگیر نشو.

اگر ما در جامعه بدی دیدیم، کم نگذاریم و از کم گذاشتن دیگران به دل نگیریم، آمار طلاق بالا نمی‌رود.

۱- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۹۶.

۲- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۷۷.

۳- چند نمونه قرآنی آن: سوره هود، آیه ۴۴ و ۸۹؛ سوره مؤمنون ۴۱ و ۴۴.

۴- سوره مؤمنون، آیه ۹۶؛ سوره فصلت، آیه ۳۴.

## رکن چهارم: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرٍ<sup>۱</sup>

برای اینکه کم و کاستی هایت را جبران کنی، دنبال همنگ‌های خودت برو، برای همین دین سفارش می‌کند اگر کم آوردید به مسجد، هیئت و روضه بروید، آرام می‌شوید.

توقع سلام از مردم نداشته باشید، اگر هم فحش دادند، با آن‌ها خوب برخورد کنید. به اهل بیت علیهم السلام که فحش می‌دادند، پاسخ می‌شنیدند: اگر راست می‌گویی خدا ما را اصلاح کند و اگه دروغ می‌گویی خدا شما را اصلاح کند.<sup>۲</sup> حقش را ادا می‌کرد و چیزی به دل نمی‌گرفت، و مهم‌تر از آن دعایش هم می‌کرد.

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرٍ<sup>۳</sup> برای این است که کم نیاوری. زمان جنگ کم نمی‌آوردن. از ججهه دو هفته مخصوصی می‌گرفتند، بعد از یک هفته ججهه بر می‌گشتند، چون آنجا مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرٍ بود. همشکل‌های خودشان را می‌دیدند لذت می‌بردند، اما الان مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرٍ کم است. اگر دیدی که داری کم می‌آوری، برو سراغ آنهای که ایمان به غیب دارند تا انرژی ایمان به غیبت زیاد شود.

## خلاصه درب اول بهشت:

اصل ورود به بهشت حرکت در مسیر بندگی است.

کلید ورود به جهنم = معصیت

۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

۲- به عنوان نمونه برخورد شخصی با امام باقر علیه السلام: بحار الانوار، ج ۴۶ ص ۲۹۰، أبواب تاريخ أبي جعفر محمد بن علي...، باب عز .۱۲

۳- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

کلید ورود به بهشت = طاعت

کلید خلوت در بهشت یا جهنم = نیت و قصد  
انواع اسباب در عالم:

اسباب مادی و اسباب معنوی

اسباب ظاهری و اسباب باطنی.

وجه مشترک سه جمله مشترک بین درب‌های بهشت، به عنوان کلید بهشت:  
«ولايت»

- مغز توحید = پذیرش کبریائی

- مغز نبوت = تنظیم اعمال با خبرگزاری غیبی

- مغز اعتقاد به ولايت = باور به نورانیت در همراهی با ولايت  
چهار خصلت برای چاره زندگی عاقلانه و زندگی معقول در دنیا:  
۱- کم بخواه.

قناعت = کم کردن توقع از خدا و خلق خدا.

اقسام قناعت: قناعت پسندیده و قناعت ناپسند.

۲- کم نگذار.

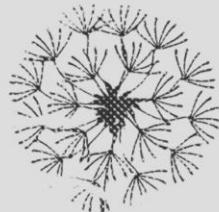
۳- دلگیر نشدن از کم گذاشتن دیگران.

۴- مجالست با اهل خیر.

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب در در بیهشت



## درب دوم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ الثَّانِي مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ

إِلَكُلٌ شَيْءٌ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ السُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعٌ

مَسْحُ رُءُوسِ الْيَتَامَى

وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَاملِ

وَ السَّعْىُ فِي حَوَائِجِ الْمُسْلِمِينَ

وَ تَقْدُدُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ

سه جمله: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ<sup>۱</sup> مشترک در همه درب‌های بهشت است. تا بیان کند، ولایت کلید اصلی ورود به بهشت می‌باشد.<sup>۲</sup> چه ولایت

۱- همان

۲- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷، ص ۳۳۹، أبواب المعاد و ما يتعلمه و يتعلق به، باب ۱۷، ح ۳۰: «عَنْ أَبِيهِ عَنْ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْيَتَامَةِ يُؤْتَى بِكَلَمَةٍ يَأْتِيُّ عَلَيْهِ نَاقَةٌ مِنْ نُورٍ وَ عَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ لَهُ أَرْبَعَةُ أَركَانٍ عَلَى كُلِّ رُكْنٍ تَلَانَهُ أَسْطُرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ مَفْتَاحِ الْجَنَّةِ لَهُ يُوْضَعُ لَكَ كُرْسِيٌّ يُبَرَّفُ بِكُرْسِيِّ الْكَرَامَةِ فَتَقْدُدُ عَلَيْهِ يُجْمَعُ لَكَ الْأَوْلَوْنَ وَ الْآخِرُونَ فِي ضَيْدٍ وَاحِدٍ فَتَأْمُرُ بِيَتَبَيَّنِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يَأْغَدِيكَ إِلَى الظَّارِ فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ قَسِيمُ الظَّارِ لَقَدْ فَازَ مَنْ تَوَلَّ إِلَيْكَ وَ خَابَ وَ خَبَرَ مِنْ عَادَاتِكَ فَأَنْتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَمِينُ اللَّهِ وَ حَجَّهُ الْوَاضِحُهُ».

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۴، ص ۵۶، كتاب الإمامة، أبواب الآيات النازلة فيهم، باب ۲۹، ح ۵۰: ... وَ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وَلَا يَتَكَبَّرُ

فَقَدْ خَطِّ عَمَلَهُ وَ عَذَا سُخْنَاهُ لَهُ وَ مَا أَفْوَلُ إِلَّا قَوْلٌ رَبِّيٌّ تَبَارِكَ وَ تَعَالَى وَ إِنَّ الَّذِي أَفْوَلَ لَمِنْ اللَّهِ أَنْزَلَهُ فِيهِ.

حضرت حق که اللہ ولیُّ الذین آمَنُوا...<sup>۱</sup> و چه ولایت وجود نازنین پیامبر ﷺ که إنما ولیکُمُ اللہُ وَ رَسُولُهُ<sup>۲</sup> و چه ولایت وجود نازنین امیرالمؤمنین و اولاد معصومینش که وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ<sup>۳</sup> پیامش قطعاً این است که توحید<sup>۴</sup>، نبوت<sup>۵</sup>، و امامت<sup>۶</sup> که سه اصل از اصول دین است، رمز ورود به بهشت می‌باشد.

جمله اصلی این درب: لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ السُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعُ خَصَالٍ<sup>۷</sup> است.

۱- بقره ۲۵۷، ر، ک: نساء/۵۹؛ مائدہ/۵۵؛ فصلت/۳۱.

۲- مائدہ/۵۵، ر، ک: احزاب/۶؛ نساء/۵۹ و ۶۵ حشر/۷.

۳- مائدہ/۵۵، ر، ک: نساء/۵۹.

۴- ر، ک: وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۲۱۳، أبواب الذکر، باب ۴، ح ۱۴: قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَشَدَّ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - كلامه عظيمٌ كريمةٌ على الله عز وجل منْ قَالُوهَا مُخْلِصًا أَسْوَجَةُ الْجَنَّةِ وَ مَنْ قَالَهَا كاذِبًا عَصَمَتْ مَالَهُ وَ دَمَهُ وَ كَانَ مَصِيرَهُ إِلَى النَّارِ.

۵- بحار الانوار (ط - بيروت)، ج ۳، ص ۱۳، كتاب التوحيد، باب ۱، ح ۳۰: عَنْ مُتَّسِّبٍ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْهُ عَنْ أَيْدِيهِ عَ قَالَ: جَاءَ أَغْرَبِي إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ بِالْجَنَّةِ مِنْ تَمَنِّي قَالَ تَمَنَّمِي قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُ لَهَا الْعَبْدُ مُخْلِصًا بِهَا قَالَ وَ مَا إِخْلَاصُهَا قَالَ الْعُلُمُ بِمَا يَعْبَثُ بِهِ فِي خَفْيَهُ وَ خَبْرُ أَهْلِ بَيْتِنِي قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ إِنْ خَبْرُ أَهْلِ بَيْتِ لَمِنْ خَفْهَا قَالَ إِنْ خَبْرُهُمْ لَأَعْظَمُ خَفْهَهُ.

۶- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۷: عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُثْرِيِّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فِيهِمْ عَلَيْهِ نُنْ أَبِي طَالِبٍ عِذْنَ أَبِي طَالِبٍ إِذْ قَالَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَتَخَنَّنَ تَخَنُّنٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا تَخَنَّنُ شَهَادَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ هَذَا وَ مِنْ شَيْعَتِهِ الَّذِينَ أَخْدَرُنَا مِنَّا قَهْمَمَ فَقَالَ الرَّجُلُ مَنْ تَخَنَّنَ تَخَنُّنٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ عَمْرُو قَالَ عَلَمَهُ دِيكَتَ أَنْ لَا تَخَلَّ عَقْدَهُ وَ لَا تَجْلِسَا مَجْلِسَهُ وَ لَا تُكَدِّنَا حَدِيثَهُ.

۷- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۳، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۷، ح ۶۷.

ممکن است پرسیده شود، آیا می‌شود سرور دنیا و اختر را با هم جمع کرد؟ با استناد به قرآن رو روایات کسانی که اهل سرور در آخرت هستند، سرور دنیايشان هم از همان جنس است.<sup>۱</sup>

من تعییری تحت عنوان تلنگرها در بعضی از دانشگاه‌ها دارم؛ می‌گوییم می‌خواهیم خوب باشیم یا خوش باشیم. این‌ها دو عالم، دو فضا و دو فرهنگ است. انسان‌هایی که خوب هستند، آنها خوش هم هستند. اما خوشی انسان‌هایی که دنبال خوشی هستند، با آنهایی که دنبال خوبی هستند فرق دارد. یکی از اینکه لقمه‌ای را از دهانی بیرون بکشد لذت می‌برد و دیگری از اینکه لقمه خودش را به دهان دیگران بگذارد لذت می‌برد

وَ يُطْعِمُونَ الْعَلَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَنِيمًا وَ أَسِيرًا<sup>۲</sup>

بنابراین سرور در این دنیا، برای کسی که اهل سرور در آخرت هستند از جنس است و کسانی که اهل خوشگذرانی در دنیا هستند، قطعاً منطقشان فرق می‌کند.

#### چهار خصلت برای سرور در آخرت:

۱. «مسْحُ رُؤوسِ الْيَتَامَى» دست کشیدن به سر ایتام.
۲. «وَ التَّعْفُفُ عَلَى الْأَرَاملِ» عطاوت و مهربانی با بی سرپرست‌ها.
۳. «وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ» تلاش برای رفع حوايج مومنین.

۱ - ذاریات/۱۶ ، یونس ، ۵۸

۲- انسان/۸-۹ ، ر.ک: حشر/۹

۴. «وَ التَّفَقُّدُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ»<sup>۱</sup> رسیدگی و مهربانی کردن، گره گشائی از فقرا و مساکین.

### چند نکته قبل از ورود به بحث:

- زیربنای اعتماد به خدا، معرفت و اعتقاد راسخ به پاداش های اخروی است.

تا به رزاق بودن خدا معرفت و اعتقاد نداشته باشیم، به او اعتماد نمی کنیم. به عنوان مثال اگر سازمان یا وزارت خانه ای اعلام کند، به ازای تولد هر فرزند ۱۰ میلیون تومان می دهیم، آنگاه اوضاع فرق می کند. یعنی به اندازه ای که به غیر خدا اعتماد داریم، به خدا اعتماد نداریم. حال اینکه خداوند می فرماید :...نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ...<sup>۲</sup>

وعده های الهی در قرآن و روایات فراوان بیان شده است.<sup>۳</sup>  
سرور در آخرت به چیست؟ به حَسْنٍ أُولَئِكَ رَفِيقًا، این سرور در آخرت است. این از آیه ۶۹ سوره نساء فهمیده می شود:

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۳، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷  
۲- انعام/۱۴۱؛ اسراء/۳۱...نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاهُمْ...

۳- مَكَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَلَ خَيْرَهُ أَنْبَتَ سَبَعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبْطَةٍ مِائَةً خَيْرٌ وَاللَّهُ يُصَاغِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ  
غَلِيمٌ بقره ۲۶۱؛ آنَا وَ كَافِلُ الْبَيْتِمِ فِي الْجَنَّةِ مُشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غَرِّ الْأَخْبَارِ، ص ۱۶۸، الفصل السادس عشر فی ذکر الایتام.  
۴- نساء/۶۹

وَمَنْ يطِعُ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ وَالصَّدِيقِينَ  
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنُ أُولَئِكَ رَفِيقًا  
همسایگی با پیامبر ﷺ و آل پیامبر ﷺ عجب سروری دارد.

### - پاداش‌های سرور آفرین گره‌گشایی<sup>۱</sup>:

پاداش اول: پاک‌کننده است.

وقتی آدم پاک می‌شود، مسروور می‌شود. می‌بینید وقتی که انسان از حمام بیرون می‌آید بشاش است. می‌فرماید:

۲۰ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُظَهِّرُهُمْ وَ تُرْكِيهِمْ

تا اهل گره‌گشایی نباشد پاک نمی‌شوید. تا صدقه وجودی، مالی و آبرویی تان را برای گره‌گشایی نگذارید، پاک نمی‌شوید.  
پاداش دوم: بالابرند است.

۱- ر.ک: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۸۸، كتاب الإيمان و الكفر، باب إدخال السرور على المؤمنين.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۱، ص ۲۸۳، أبواب حقوق المؤمنين...، باب ۲۰ قضاء حاجة المؤمنين و السعي فيها...

۲- توبه ۱۰۲/۱. ر.ک: الإحتجاج على أهل اللجاج (الطبرسي)، ج ۱، ص ۹۹، احتجاج فاطمة الزهراء ع على القوم... (خطبه فدکیه) و الزکاة ترکیکه لنفس.

درس اخلاق حضرت آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۵/۰۶/۸۹ با عنوان: جلسه بیست و پنجم؛ زکات پاک کننده جان و مال.

یکی دیگر از اسباب سرور این است که آدم بالا می‌رود. هرچه انسان بالاتر می‌رود، مسروتر می‌شود. رشد علمی سرور دارد. امتحان می‌دهی ارتقاء رتبه یا سطح سه یا فوق لیسانس یا سرهنگی را می‌گیری این‌ها سرور دارد.<sup>۱</sup>  
پاداش سوم: همنشینی با اولیاء خدا.

إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ<sup>۲</sup>

سرور به خاطر این است که انسان به رحمت الهی نزد می‌شود و درجه‌اش بالا می‌رود.  
پاداش چهارم: این است که آدم گره‌اش باز می‌شود.<sup>۳</sup>

۱- ر.ک: کهف/۲؛ الكافی (ط - الإسلامیہ)، ج. ۲، ۱۶۵، کتاب الإيمان و الكفر، باب السعی فی حاجة المؤمن، ح؛ عن أبي عبد الله ع قال: مَقْسُى الرَّجُلِ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَكْتُبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْنَحُ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَيُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ ذَرَجَاتٍ قَالَ وَلَا أَلْعَمْهُ.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج. ۱۲، ص. ۴۲۹، آنوب افضل المعرفه، باب ۳۴، ح. ۱۵۲۴؛ عن رسول الله صل الله عليه وآله وسلم قال: خدمة المؤمن لأخيه المؤمن ذرجة لا يدرك فضلها إلا يمليها.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص. ۴۹، ثواب الحج و العمره: ... فَلَا أَخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا قُلْتَ بِّكَ مَنْ فَضَّلَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حاجَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ بَلْغَ عَشْرًا

همان، ص. ۱۴۸، ثواب من أغاث أخاه المسلم: قال رسول الله صل الله عليه وآله وسلم من أغاث أخاه المسلم حتى يُخرجه من هم و كُرْبَةَ و وَهَلْهَلَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَرَفِعَ لَهُ عَشْرُ ذَرَجَاتٍ وَأَعْلَمَهُ ثَوَابَ عِتْقَ عَشْرَ سَمَّاَتٍ وَدَفَعَ عَنْهُ عَشْرَ نَقَمَاتٍ وَأَعْدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ.

۲- اعراف/۶۵

۳- دو داستن مرتبطة الف، مرحوم مرشد چلوی معروف، خدمت شیخ رسیده و از کسدی بازارش گله کرد و گفت: «این چه وضعی است، روزی بود که سه چهار دیگ چلو می‌فروختیم و مشتریها فراوان بودند؛ ولی اکنون روزی دیگ هم مصرف نمی‌شود» شیخ تأملی کرد و گفت: «تقصیر خود است که مشتریها را رد می‌کنی!» مرشد گفت: «من کسی را رد نکرم؛ حتی از بچه ها هم پذیرایی می‌کنم و

وقتی گرهاش باز شد، سرور پیدا می‌کند. امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس گره مؤمنی را در دنیا باز کند، خدا گره او را روز قیامت باز می‌کند.<sup>۱</sup>

پاداش پنجم: شفاعت می‌باشد.  
به من إذن شفاعت می‌دهند.<sup>۲</sup>

چهار خصلتی که بر درب دوم بهشت نوشته شده است.<sup>۳</sup> وسیله‌ای است برای رسیدن به پاداش‌های سرور آفرین.

نصف کباب به آنها می‌دهم،» شیخ گفت: «آن سید چه کسی بود که سه روز غذای نسیه خورده بود بار آخر او را هل دادی و از در مغازه بیرون کردی؟!»

مرشد سراسیمه در بی آن سید می‌رود و از او عذرخواهی می‌کند و بعد از آن، تابلویی به این صورت نصب می‌کند: «نسیه داده می‌شود؛ حتی به شما، وجه دستی به اندازه و سعمان پرداخت می‌شود» و آن گاه وضعش به حالت اول بر می‌گردد.

ب. مهندسی صد دستگاه ساختمان ساخته بود و به دلیل بدھکاری زیاد، فراری شده بود و ساختمانها هم فروش نمی‌رفت. از شیخ رجیلی راهنمایی خواست. او گفت که باید خواهرت را راضی کنی او نیز خواهرش را با دادن سهیم ارشش راضی کرد. همچنین با سفارش شیخ، از خانه‌های ساخته شده را به خواهرش واگذار کرد و او را از اجره نشینی نجات داد. فردای همان روز، سه تا از خانه‌ها رفوش رفت و گرفتاری او برطرف شد. کیمیای محبت، محمدی ری شهری، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۱- نزهه الناظر و تبیه الخاطر، ص ۴۰. ر.ک: نزهه الناظر و تبیه الخاطر، ص ۸۲، لمع من کلام الإمام [الشهید سید شیاب اهل

الجنة أبي عبد الله] الحسین بن علی علیهمما السلام، ج ۶

۲- ثواب الأفعال و عقاب الأفعال، ص ۱۴۸، ثواب من أغاث أخاه المسلم: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَغَاثَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ... وَ أَعْذَّهُ بِوَمْ لِقَاءَهُ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ.

۳- دست کشیدن به سر ایتمام، عطوفت و مهربانی با بی سرپرست‌ها، تلاش برای رفع جوانج مومنین، رسیدگی و مهربانی کردن فقرا و مساکین.

قدم‌های رسیدن به پاداش‌های سرور آفرین:

۱. اطلاع از این تجارت که تجارت با خدا است.

**...هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُتْجِيَّكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ<sup>۱</sup>**

انسان تا اطلاع از این تجارت پیدا نکند در این وادی وارد نمی‌شود. شما می‌بینید همین قرآنی که می‌فرماید... **هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ هُمِينَ قُرْآنٌ مَفْرُمَى**:

**قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا<sup>۲</sup>**

من اسمش را تجارت واقعی و تجارت بادکنکی گذاشت. تجارتی که مثل بادکنک باد-

شده ولی چیزی در آن نیست. سوزن بزنیم چیزی ندارد.

سه آیه "یحسیون" در قرآن داریم که نمایان گر برتری های خیالی‌اند:

یک: **يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ.<sup>۳</sup>** فکر بادکنکی.

دو: **يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا.<sup>۴</sup>** تجارت بادکنکی.

سه: **يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ شَخْصِيَّتٍ بادکنکی.**

.۱- صف/۱۰.

.۲- همان.

.۳- کهف/۱۰۳-۱۰۴.

.۴- اعراف/۳۰؛ زخرف/۳۷.

.۵- کهف/۱۰۴.

.۶- مجادله/۱۸.

## ۲و۳. اعتقاد و اعتماد است.

من وقتی اطلاع پیدا بکنم، در قدم دوم اعتقاد پیدا می‌کنم. وقتی اعتقاد پیدا کردم، اعتماد پیدا می‌کنم و پایش می‌ایstem، سرمایه‌گذاری هم می‌کنم. می‌شود:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ أَسْتَقَامُوا...<sup>۱</sup>

بعضی از ما کار خیر می‌کنیم، به نتیجه خوبی نمی‌رسیم. مثلاً قرض الحسنه دادیم برنگشت. می‌گوییم پشت دستم را داغ می‌کنم که به دیگری قرض بدهم. این نشان می‌دهد، اطلاعش، ناقص است. خداوند متعال که در قرآن به طور صریح فرموده مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ تَوْبَةً بَعْدَ مَا عَمِلَ لَهُ كَرْدَيْ. با مردم که معامله نمی‌کنی. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا<sup>۲</sup> ما برای مردم کاری نکردیم.

۴. عمل می‌کنیم.

۵. استقامت می‌کنیم.

۶. ترویج می‌کنیم.

۷. لازم باشد برای دفاع از این ارزش، جان می‌دهیم.

يعنی هر قدر این اعتقاد در وجود ما راسخ‌تر باشد این مراحل جدی‌تر جلو می‌رود. ما هنوز در مرحله اطلاع، نقصان داریم. نمی‌دانیم خدا چه معامله‌ای می‌کند. نه تنها نسبت به این مَسْحُ رُءُوسِ الْيَتَامَى وَ التَّعْطُفُ عَلَى الْأَرَاملِ<sup>۳</sup> بلکه راجع به همه و عده‌هایی که خدا داده است اطلاع ما ضعیف است. به عنوان مثال شما بزرگواران روی

۱- فصلت/ .۳۰

۲- بقره/ .۱۱؛ حديد/ .۲۲۵

۳- انسان/ آیه/ .۹

۴- بخار الانوار، ج/ .۸، ص/ .۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب/ .۲۳، ح/ .۵۷

منبر خیلی بیان کردید که پیامبر اکرم صل الله علیه وآلہ وسلم فرمودند: اگر مردم می دانستند در صف اول جماعت چه خبر است. اگر مردم می دانستند در اذان گفتن چه خبر است. اگر مردم می دانستند در غسل جمعه چه خبر است. اگر مردم می دانستند در زیارت امام حسین علیه السلام چه خبر است. اگر مردم می دانستند در زیارت امام رضا علیه السلام چه خبر است.<sup>۱</sup> این همه دلالت بر چه چیزی دارد؟ ما هنوز نسبت به وعده های خدا اطلاع نداریم. سرور در آخرت قدم اولش اطلاع است.

سروران عزیز روحانی بیاید برای مردم اطلاع رسانی کنید، ما فقط گفتیم ثواب دارد. روزی در حرم امام رضا علیه السلام بعد از نماز صبح بالای منبر گفتم: مردم! اگر آقای مکبر اعلام می کرد ما یک صندوق این جلو می گذاریم و اگر یک هزار تومانی بیندازید، ده هزار تومانی تحويل می گیرید. شما چه می کردید؟ گفتنده همه مان صف می ایستادیم. گفتم؛ چرا؟ مگر چه اتفاقی افتاده؟ توضیح دادم و گفتم: ای کاش می دانستید این دو رکعت نماز نافله صبح خیلی بیشتر از این ده هزار تومانی ارزش دارد بیاییم نافله صبح را بخوانیم.

مسح رُءُوسِ الْيَتَامَى وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَاملِ<sup>۲</sup> اطلاع رسانی می خواهد، ثواب این ها چیست؟ سرور در آخرت چیست؟ سفر مشهد که می خواهید بروید هتل ۵ ستاره برایتان بگیرند. سفر مشهد ۵ روزه، ۱۰ روزه، فوقش یک ماهه می باشد ولی سرور در آخرت زمان ندارد. تا ما اطلاع نسبت به سرور در آخرت را به مردم ندهیم، اطلاع وجود نمی آید. همه مان معتقدیم صداوسیما نسبت به این معنا گاهی وقتها تبلیغات

۱- ر.ک: روایاتی که با «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ» شروع شده است به عنوان مثال: بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۸۱، ص ۱۵۷، أبواب مکان المصلى و ما يتبعه، باب ۱۳۲، ح ۴: عَنِ الْبَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْأَذَانِ وَ الصَّفَّ الْأُولَى ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لَفَلَوْ!

۲- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۴۳، ح ۶۷

دروغین می‌دهد و اطلاع‌رسانی دروغ می‌کند، ولی مردم اعتقاد پیدا می‌کنند. همه شماها این لطیفه را شنیدید: که یکی شایده‌ای پخش کرد: فلان جا آش می‌دهند، بعد دید همه مردم ظرف برداشتند و می‌برند که آش بگیرند. به زنش گفت: یه قابلمه بده ببینم. گفت: برای چی؟ گفت: فکر کنم آش میدن. زنش گفت: مرد حسابی خودت شایده‌اش رو درست کردی. گفت: این قدر مردم با اعتقاد می‌روند که خودمم باورم شده.

جاروبرقی را که می‌خواهند تبلیغات کنند دیدید، سقف طبقه پایین کف خونه طبقه بالا است، وقتی دارد جاروبرقی را اینجا می‌کشد آدمی که طبقه پایین نشسته به سقف می‌چسبد. خب این دروغ است ولی مردم با همین دروغ، اعتماد پیدا می‌کنند و آن مارک را می‌خرند. بچه‌ها را با همین دروغ سمت پfk و چپس... کشیدند. این که تو پfk می‌خوری و پرواز می‌کنی. با اطلاع‌رسانی دروغ دارند اعتقاد درست می‌کنند. اما ما با اطلاع‌رسانی درست نتوانستیم اعتقاد پیدا کنیم. لذا مردم از آخرت غافل هستند و نمی‌خواهند سرور در آخرت را بخشنند.  
خدا گذاشته است که:

لَكُلُّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ السُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعُ حَصَالٍ<sup>۱</sup>

بله بزرگ‌کردن یک بچه یتیم دنده‌های آدم را خرد می‌کند ولی به سرور آخرتش می‌ارزد. مسئولیت خانواده بی‌سرپرست، پدر آدم را در می‌آورد ولی به سرور در آخرتش می‌ارزد. پس اطلاع‌رسانی کنیم، آن هم اطلاع ریز و دقیق بدھیم نه مبهم. در منبرمان حَسْنَّاً أَوْتَنِكَ رَقِيقًا<sup>۲</sup> را توضیح بدھیم و سرور در آخرت را توضیح بدھیم، تا

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۶۷

۲- نساء/۶۹

مردم اطلاع پیدا کنند، بعد که اطلاع پیدا کردند، اعتماد می‌کنند، بعد اقدام می‌کنند، بعد استقامت می‌کنند، بعد تبلیغ می‌کنند—مردم خودشان بهترین مبلغ هستند—و بعد از این ارزش دفاع می‌کنند.

ریشه همه ایها کلمه می‌باشد، بارها من گفته‌ام و این ترجیع‌بند صحبت‌های حقیر در اکثر منبرها می‌باشد—الذینَ يُؤْمِنُونَ بِالْأَيْنَ<sup>۱</sup> تا ایمان به غیب در مردم تقویت نشود، پا در این معاملات نمی‌گذارند. به قول حضرت استاد جوادی آملی تا آخرت را نسبیه بدانند اقدام نمی‌کنند. باید آخرت را برایشان نقد کنیم.

حال اینکه چه طور باید رسیدگی به ایتم کرد؟<sup>۲</sup> روش مسْحُ رُءُوسِ الْبَيَامِ وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ التَّقْدُدُ لِلْفُقَارَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ<sup>۳</sup> چگونه است؟ من فقط سه روش کلی را می‌گوییم.

## روش‌های عمدۀ گره‌گشایی:

### روش اول: مباشرتا

خدامان گره را باز کنیم. اگر کسی توان مالی، جسمی، آبرویی دارد؛ خودش گره را باز کند. خیلی ارزشش بالاست.

### روش دوم: تسبیبا

۱- بقره/۲۰۳.

۲- خداوند در آیه‌ی شریقه‌ی فوق (فجر/۱۷: كَلَأْ بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتَيم) در مورد یتیمان، از اطعام سخن نمی‌گوید، بلکه از «کرام» سخن می‌گوید. زیرا برای یتیم، تنها مساله‌ی گرسنگی مطرح نیست، بلکه از آن مهم‌تر، جبران کمودهای عاطفی اوست. از این رو، در روایات اسلامی به مسأله‌ی محبت و نوازش یتیمان اهمیت خاصی داده شده است: نمونه، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷.

من توان ندارم که می‌باشتاتا کار کنم، ولی می‌توانم آدرس جایی را بدهم و راهنمایی کنم، از این مضایقه نکنم. به عنوان مثال گره علمی را، این آقا باز می‌کند یا گره اقتصادی را این موسسه باز می‌کند یا گره ازدواج را این مجموعه باز می‌کند.

### روش سوم: دعا کردن

این روش را هبیج کس نمی‌تواند بگوید نمی‌توانم. حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> فرمودند: برای گره گشایی مردم کاری که از دست همه بر می‌آید دعا است.<sup>۱</sup>

یکی از دعاهایی که اصلاً به روای عادی اجابت نمی‌شود، دعایی است که در ماه رمضان به ما یاد دادند. اللَّهُمَّ أَذْخِلْ عَلَىٰ أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ<sup>۲</sup> این در حالت عادی اجابت نمی‌شود. یعنی در حالت عادی همه قبور در سور نمی‌شوند. اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ<sup>۳</sup> به روای طبیعی همچین چیزی اتفاق نمی‌افتد. اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ<sup>۴</sup>.

اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ به روای عادی محقق نمی‌شود، پس چرا به ما توصیه کردند که مخصوصاً این دعا رو بخوانید؟ به خاطر اینکه ما حس همنوع دوستی داشته باشیم.

۱- در سفارش خود به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند: پسر جان هرگاه سختی ای به تو روی اورد با بعضی از دوستان مومن و مورد اطمینان درباره اش مذکوره کن و آن مشکل را با ایشان در میان بگذران زیرا ای این چهار تیجه را دارد: ۱- یا به عهده می‌گیرند و کمکت می‌کنند ۲- یا از ذیکران برای مشکل تو طلب یاری می‌کنند ۳- یا در مشورت راهنمایی ات می‌کنند ۴- یا برایت دعا می‌کنند و مستجاب می‌شود . نصایح صفحه ۱۸۵.

رک: ثواب الأفعال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۲، ثواب الدعاء للمؤمنين و المؤمنات: ...قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْرَةٍ لِدُعَاءٍ... للْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِلَّا زَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ...<sup>۵</sup>

وسائل الشیعیة، ج ۷، ص ۱۱۰، أیوب الدُّعَاء، باب ۴۱، ح ۱۴؛ ...مَنْ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا هُنْ مَوْدُنَّا زَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ...

۲- مفاتیح الجنان، اعمال مشترکه ماه رمضان، دعای بعد از هر نماز واجب.

۳- همان.

۴- همان.

دوست داشته باشم گره مردم باز بشود و لو می‌دانم همه گره ها، مریض ها و ... مشکلشان رفع نمی‌شود. اگر این دعاها این گره را اگر باز نکند، گره دیگر را باز می‌کند. گره خود دعا کننده را باز می‌کند.

بر درب دوم پهشت نوشه شده: اگر می‌خواهید سرور در آخرت داشته باشید باید در دنیا سرور درست کنید. اگر دست روی سر یتیم بکشید، به تعداد موهایی که زیر دست شما رد می‌شود ثواب می‌نویسند.<sup>۱</sup> خانواده یتیمی بودند، احوالپرسی شد و دستی به سر آقا پسر کشیده شد، دیدم دست این آقا را همین طور روی سر نگه داشت. گفتم: چرا این طوری می‌کنی؟ گفت: خیلی سال ها منتظر دستی بودم، دستت را روی سرم نگه دار، باور کنید اشک همه را در آورد.

پدری بچه‌هاش را می‌خواست تفریح ببرد. معمولاً تفریحاتی که می‌رویم مقداری هزینه دارد. وسط مسیر تفریح به بچه‌هایش گفت: موافقید به جای پارک، خونه عده‌ای از بچه‌های یتیم ببریم و سری بزنیم؟ بچه ها با نق زدن گفتند: ای بابا نمی‌خواهی ما را پارک ببرید. ولی در نهایت راضی شدند. خانه‌ای که رفتند، بوی نفت می‌داد. سه چهار تا بچه یتیم و مادر بودند. وقتی وارد این خانه شدند، مادر از اینکه مهمان آمد خیلی خوشحال شد، ولی از اینکه هیچ پذیرایی نداشت، ناراحت شد. وقتی که نشستند سر غصه‌های مادر باز شد: آن قدر از این مغازه‌ها قرض گرفتم و نسیبه گرفتم که دیگر

۱- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۷۲: مَنْ مَسَّحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحَّمَ لَهُ كَبَّ اللَّهُ أَلَّهُ يَكُلُّ شَعْرَةً مَرَّتْ عَلَيْهِ يَدَهُ حَسَنَةً.

ر.ک: کنز العمال، ج ۳، ص ۱۷۷، ح ۴۰۶۰ ما مِنْ مَايَدَهُ أَعْظَمُ بِرَكَةً مِنْ مَايَدَهُ حَلْسَ عَلَيْهَا يَتِيمٌ مشکا الأنوار في غير الأخبار، ص ۱۶۷، الفصل السادس عشر في ذكر الأيتام: أَنْ رَجُلًا شَكَّ إِلَى الْتَّيْمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَسَّاً وَرَأَيَهُ فَقَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَلِينَ قَلْبَكَ فَأَطْلِمِ الْمُسْكِنِينَ وَ امْسِحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ.

میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۷۰۸، وعنه صل الله عليه وسلم: إِنْ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يَقَالُ لَهَا: دَارُ الْفَرَحِ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَحَ بِتَامِي الْمُؤْمِنِينَ.

خجالت می‌کشم. گفتند: چقدر به این مغازه‌ها بدهکاری؟ آن زمان گفت: ۱۴ هزار تومان. این ۱۴ هزار تومانی که قرار بود برای تفریح خرج بشود آنجا گذاشتند. مادر گل از گلش شکفته شد و رفت چایی دم کرد. اوضاع و احوال خانه به کلی عوض شد. غروب از آن خانه بیرون آمدند. پدر به بچه‌ها گفت: امروز چطور بود؟ بچه‌ها گفتند: درسته اولش موافق نبودیم، ولی آنقدر ما رو خوشحال کرد که یقین داریم بخور بخور و تفریح اینقدر ما رو خوشحال نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

## خلاصه درب دوم بهشت

چهار خصلت برای سرور در آخرت:

۱. «سَجِّحْ رُؤُسِ الْيَتَامَى» دست کشیدن به سر ایتم.
۲. «وَتَعَطَّفُ عَلَى الْأَرَاملِ» عطفت و مهریانی با بی سرپرست‌ها.
۳. «وَالسَّعْىُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ» تلاش برای رفع حوائج مونین.
۴. «وَالتَّفَقُّدُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ» رسیدگی و مهریانی کردن، گره گشائی از فقرا و مساکین.

پاداش‌های سرور آفرین گره گشایی:

- پاداش اول: پاک‌کننده است
- پاداش دوم: انسان را بالا می‌برد.
- پاداش سوم: همنشینی با اولیاء
- پاداش چهارم: گره خود انسان باز می‌شود
- پاداش پنجم: به انسان إذن شفاعت می‌دهند

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۸۳، ح ۵۷

قدمهای رسیدن به پاداش‌های سرور آفرین:

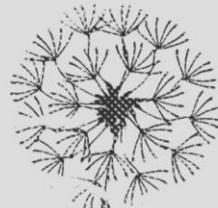
۱. اطلاع از این تجارت که تجارت با خدا است
  ۲. اعتقاد به خدا.
  ۳. اعتماد به خدا.
  ۴. عمل به فرمول‌های سرور آفرین.
  ۵. استقامت در مسیر.
- ع ترویج دستورات سرور آفرین
۶. دفاع از این دستورات با همه وجود.

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب سوم پهش



## درب سوم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ الثَّالِثِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِهِ اللَّهُ  
لِكُلِّ شَيْءٍ جِلَّهُ وَ حِيلَةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ  
فَلَأَنَّ الْكَلَامَ  
وَ فَلَأَنَّ الْمَنَامَ  
وَ فَلَأَنَّ الْمَشْيَ  
وَ فَلَأَنَّ الطَّعَامَ<sup>۱</sup>

بحث ولايت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ پذيرش ولايت خدا، إنما وليکمُ الله<sup>۲</sup>  
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ پذيرش ولايت رسول الله، که همان ولايت خداست.<sup>۳</sup>  
علیٰ ولیُّ اللَّهِ پذيرش ولايت ولی خدا، که همان ولايت رسول الله و ولايت الهی است.<sup>۴</sup>

در این زمینه جمله‌ای از امام رحمة الله عليه راحل نقل شده‌است که فرمودند: ولايت فقيه همان ولايت ولی الله و رسول الله و ولايت الله است.<sup>۵</sup> یعنی ولايت از آن خداست،

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۳، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

۲- مائده: ۵۵، ر.ک: بقره: ۲۵۷؛ نساء: ۵۹؛ فصلت: ۳۱، شورى: ۱۰، اعراف: ۱۹۶.

۳- ر.ک: مائده: ۵۵؛ احزاب: ۵۶؛ نساء: ۵۹ و ۵۵؛ حشر: ۷۶.

۴- ر.ک: به تفاسیر ذیل آیات ۵۵ سوره مبارکه مائده و ۵۹ سوره مبارکه نساء مراجعه شود.

۵- ولايت فقيه، حکومت اسلامی، ص ۵۰

ولایت رسول الله هم همان ولایت خداست و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد مخصوصیش هم همان ولایت خداست. حتی ولایت موردنی پدر بر فرزند و ولایت شوهر بر همسر نیز با رعایت شرایطش همان ولایت خداست. لذا اگر فرزندی به حرف پدرش - در چهارچوب ولایت خدا - ولو حرف پدر را نمی‌فهمد، اما بگوید: خدایا چون تو گفتی به حرف پدر گوش می‌کنم، خداوند برکت عظیمی را در این اطاعت و تسلیم قرار می‌دهد.

اگر زنی به حرف شوهرش گوش کند - نه به عنوان اینکه شوهرش خوب پول می‌دهد یا دست بزن ندارد یا به او آزادی داده است یا او را دوست دارد - فقط به خاطر اینکه خدا فرموده است، خداوند به او پاداش خیر عطا می‌کند.<sup>۱</sup>

من در جایی ولایت شوهر بر زن را عرض کردم، یکی از عزیزان اشکال کردند و گفتند: آنچه می‌گویید از جمله حقوق شوهر است، ولایت نیست. برای تثبیت کلام خودم محضیر یکی از مراجع بزرگوار تقیلید رسیدم و عرض کردم: من در بحث گفتم: ولایت مرد بر زن. این بزرگوار فرمودند: حق این است که مرد بر زن ولایت دارد و از آیه الرّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ<sup>۲</sup> استفاده می‌شود. شما درست و دقیق گفتید، شک هم نکنید.

سخنرانی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در جمع مردم و عشایر (پاسخ به اتهامات - فلسفه قیام عاشورا) [۳۰ مهر ۱۳۵۸]: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یکی چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست.»

۱- ر.ک: جامع أحاديث الشيعة (البروجردی)، ج ۲۵، ص ۴۸۰ به بعد، کتاب النکاح، أبواب معاشرة النساء و معابرتهن و... باب ۲۹. نمونه تاریخی آن در الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۵۱۳، کتاب النکاح، باب ما يحب من طاعة الزوج على المرأة، ح؛ جامع أحاديث الشيعة (البروجردی)، ج ۲۵، ص ۴۸۶، ح ۳۷۱۲۳. ۲- نساء، ۳۴/۲۲.

## زندگی سالم در دنیا چهار پایه دارد:

### ۱- «قلهُ الْكَلَامِ»<sup>۱</sup>.

کم گوی و گزیده گوی چون دُر.

برخی از مشکلات ما در ارتباط با مردم، بد حرفی و پر حرفی است. گاهی اوقات حرف می زنیم ولی بد حرف می زنیم، کلام ما کلام غلط، لهو یا خدای نکرده گناه است. در ارتباط با مردم سعی کنیم ارتباط کلامی را کنترل کنیم.  
 فرق بین عاقل و نادان این است که عاقل اول فکر می کند و بعد حرف می زند. ولی نادان اول حرف می زند و بعد فکر می کند.<sup>۲</sup>  
 تا حرف نزدی حرف اسیر تو است، همین که حرف زدی تو اسیر حرفت هستی.<sup>۳</sup>

۱- همان. ر.ک: غررالحكم، ح۴۰۵۱: أَخْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَأَنْجَحَهُ الْأَذَانُ وَ لَا يُنْبَيِّبُ فَهْمَهُ الْأَقْهَامُ (الأَذَهَانُ).

همان، ح۴۲۵۲: إِنَّ أَجْبَثَتِ سَلَامَةً نَفْسِكَ وَ سُرَّ مَغَبِّيَكَ فَأَقْلَلَ كَلَامَكَ وَ أَكْثَرَ صَمْكَتِ يَنْوَفَرُ فِكْرُكَ وَ يَسْتَبِّرُ قَلْبَكَ وَ يَسْلِمُ النَّاسُ مِنْ يَدِكَ.

همان، ح۷۷۹۳: عَوْنَادُ إِسَانَكَ حُسْنُ الْكَلَامِ تَأْمُنُ الْمَلَامِ.

\* بیندیشد، آن گه بگوید سخن

سخنداز بپورده، پیر کهنه

نکو گو و گر دیرگویی چه غم؟

مزن بی تأمل به گفتار دم

و زان پیش بس کن که گویند بس

بیندیش و آن گه برآور نفَس

دواب از تو بیه، گر نگویی صواب

به نطق، آدمی بهتر است از دواب

۲- نهنج البلاوه، حکمت ۴۰: إِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ إِسَانِهِ.

ر.ک: نهنج البلاوه، حکمت عِإِدَأَمَ الْفَقْلُ نَفْصُ الْكَلَامِ.

۳- ر.ک: نهنج البلاوه، حکمت ۴۰۷: ...كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسْبَرَ تَحْتَ [عِنْدَ] هَوَى أَمِيرِ...

بنابراین یک رکن از زندگی سالم، زبان است. ارتباط کلامی مان را با دیگران درست کنیم، نگفتند حرف نزنید. در دین ما روزه سکوت ممنوع است.<sup>۱</sup> خیلی از جاهای هم حرف نزدن گناه است. شهید مطهری یک بحث مفصلی دارد که بعد از رحلت وجود پیامبر ﷺ بعضی‌ها حرف نزندند و سکوت کردند. اول انقلاب شعار قشنگی می‌دادند: «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن» این شعار در طول تاریخ اسلام بوده است. آنجایی که باید از ولایت دفاع کنیم، اگر ساکت باشیم خیانت کرده‌ایم. در مهمانی‌ها هم لازم نیست آدم ساکتی باشیم بلکه باید درست حرف بزنیم و درست ارتباط برقرار کنیم.

ارتباط غلط کلامی، فضولی‌ها، سخن‌چینی‌ها و... گناهان کبیره زبان می‌باشد. بزرگان سی و شش گناه کبیره را شمردند<sup>۲</sup>، که بیست و چهار عدد از آنان -یعنی حدود هفتاد درصد گناهان کبیره- از زبان است.

در مورد کلام در قرآن آیات متعددی داریم که مراجعته و مطالعه آن برای مبلغین بسیار سودمند است، از قبیل: قول میسور<sup>۳</sup>، قول لین<sup>۴</sup>، قول حسن<sup>۵</sup>، قول عدل<sup>۶</sup>، قول حق<sup>۷</sup>، قول مختلف<sup>۸</sup>، قول سدید<sup>۹</sup>، قول کریم<sup>۱۰</sup>، قول معروف<sup>۱۱</sup>، قول بلیغ<sup>۱۲</sup>، قول عظیم<sup>۱۳</sup> و قول ثقیل<sup>۱۴</sup> اینها ویژگی‌های سخن از دیدگاه خدا می‌باشد.

۱- تحریر الوسیله؛ ج ۴، ص ۳۰۴: القول فی أقسام الصوم:...و أما المحظوظ:...و صوم السکوت بمعنى كونه كذلك منوباً ولو في بعض اليوم...»

۲- برای مطالعات بیشتر کتاب گناهان کبیره اثر ارزشمند شهید دستیب معرفی می‌گردد.

.۲۸/۳- اسراء

.۴۴/۴- طه

.۸۳/۳۳- بقره/۵- فصل

.۱۵۲/۶- انعام

.۷۳/۷- مریم/۳۴- انعام

### چند راهکار برای حفظ و مدیریت زبان :

معروف است در قدیم مردم برای اینکه زبان شان را حفظ کنند، یک ریگ تمییز زیر زبانشان می‌گذاشتند. به همین اندازه که وقتی می‌خواستند حرف بزنند این ریگ را باید جایه‌جا کنند. فکر می‌کردند که این حرف‌ها به درد دنیاگی ما می‌خورد یا آخرت ما؟

در شب‌نشینی‌های طولانی پیش هم می‌نشینند و می‌گویند: چه خبر؟ خبرهای سیاسی و اقتصادی که تمام می‌شود، متاسفانه خبرهای خانوادگی و خبرهای شخصی شروع می‌شود! و بعد خبرها به مسئولین و روحانیت هم می‌رسد و در آن تهمت و ناسزا و ... نیز چاشنی سخن پراکنی‌ها می‌شود. راهکارش این است که وقتی می‌خواهیم دور هم بنشینیم خودمان کلام درست را جایگزین کلام غلط بکنیم.

در مهمانی‌های قدیم، کتاب حافظ، بوستان و گلستان سعدی می‌خوانند. امروز هم بنشینند و کتاب‌های خوب را بخوانند، رساله مرجع تقلید را دو سه صفحه بخوانند. یکی از کتاب‌هایی که می‌تواند در شب‌نشینی‌ها، نو، جذاب و درس آموز باشد، کتاب‌های مربوط به شهداست. کمی از خاطرات مربوط به شهدا گفته شود. امروز یکی از تکالیفی که قطعاً مسئولیتش به عهده بزرگترهاست، خاطرات انقلاب و شهداست.

۱- ڈاریات/۸

۲- نساء/۹۰ احزاب/۷۰

۳- اسراء/۳۲

۴- بقره/۵۳ و ۳۳/ نساء/۵۰؛ احزاب/۳۲؛ محمد/۲۱

۵- نساء/۶۷

۶- اسراء/۴۰

۷- مزمول/۵

بچه‌ها تاریخ انقلاب را در کتاب‌های درسی‌شان به طور مختصر می‌خوانند، ولی آن چیزهایی که بزرگترها دیدند را برای بچه‌ها باید بیان کنند.

## ۲- «وَ قِلْةُ الْمَنَامٍ»<sup>۱</sup>.

در اینجا به یک آیه و یک روایت اکتفا می‌کنیم.  
در دعای روز بیستم ماه مبارک رمضان که در کتاب شریف اقبال‌الاعمال آمده، می‌خوانید

...يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِأَبْغَضِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ أَذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعَّثُونَ...<sup>۲</sup>  
ای کسی که دعای مبغوض ترین خلقت را که ابليس است استجابت کردی.  
ابليس وقتی که گفت:

قَالَ رَبُّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعَّثُونَ<sup>۳</sup>

شما هم تا وقت معلوم مهلتش دادی. در روایتی دیگر برای بعضی آدم‌ها هم ابغض خلق الله گفته شده است.

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ عِبَادٍ أَبْغَضُ إِلَيْكَ قَالَ جِيفَةُ بِاللَّيْلِ بَطَالُ بِالنَّهَارِ...<sup>۴</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

۲- إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- حجر/۳۶؛ ص ۷۹، با همین مضمون در آیه ۱۴ سوره مبارکه اعراف آمده است.

۴- قصص الأنبياء عليهم السلام (الراوندی)، ص ۱۶۳، باب ۸، فصل ۵، ح ۱۸۵.

کسانی که همه شب را مثل مردار، خواب هستند و روزشان را به بطالت می‌گذارند،  
ابغض خلق الله می‌شوند.

خداآوند متعال در آیه ۱۶ سوره مبارکه سجده در رابطه با نماز شب می‌فرماید:

تَجَافِي جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمُضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ حَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقَهُمْ يُنْفِقُونَ

سه تا از ویژگی های مؤمنین را در این آیه مطرح می کند:

یک: شب زنده‌داری.

دو: اهل دعا هستند، دعايشان در محضر خدا به خاطر بیم و اميد است.

سه: اهل انفاق هستند.

در آیه ۱۷ همین سوره مبارکه می‌فرماید:

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أَخْفَى لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هیچ کس نمی داند که خدا چه پاداشی برای نماز شب گذاشته است، دو نوع قطره است که آدم را عزیز و دردانه خدا می کند. یکی آن قطره خونی که در راه خدا ریخته

می شود. یکی هم آن قطره اشکی که نصف شب می ریزد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: آن چیزی که حضرت ابراهیم علیه السلام را به مرحله خلیل  
اللهی رساند، نماز شبیش بود.<sup>۱</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰، کتاب الصلاة، أبواب سجدة الشك، باب ۲، ح ۷؛ النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين (الجزائري)،

ص ۹۶: قلت لابن عبد الله: ع لم أَخْدَهُ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا قَالَ لِكَثِيرٍ سُجُودِيَ عَلَى الْأَرْضِ.

دوست پشت دوستش را خالی نمی‌کند، مبلغی که با نماز شب با خدا دوست شود، خدا حکمت را به زبانش جاری می‌کند. مطالعه‌اش را می‌کند، تفکرش را می‌کند و مباحثه‌اش را می‌کند ولی خدا در زبانش کلام می‌گذارد تا بر قلب ها بنشیند.

حدیث قدسی داریم که خداوند به حضرت موسی عليه السلام فرمود: آنهایی که ادعا دارند با من دوست هستند ولی نیمه شب بلند نمی‌شوند با من حرف بزنند، دروغ می‌گویند.<sup>۱</sup> مسئولین دو تا شماره تلفن دارند یکی را به همه می‌دهند و دیگری را به هر کسی نمی‌دهند، خصوصی است، هر که شماره خصوصی را داشته باشد، خیلی پُز می‌دهد. خدا یک شماره تلفن عمومی دارد: «۲۴۴۳۴» این شماره پنج وعده نماز است که شماره عمومی خداست. یک شماره خصوصی دارد: «۲۲۲۲۱» که هر کس داشته باشد می‌تواند پُزش را بدهد.

حافظ می‌گوید: هرچه به من دادند از بیداری سحر بود.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

قرآن هم می‌فرماید:

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۳، ص ۳۲۹، أبواب قصص موسى و هارون عليه السلام باب ۱۱، ح ۷: سمعتْ مَوْلَائِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى نَبْنَ عُمَرَأَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ عُمَرَأَنَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَاءَ اللَّيلُ نَامَ عَنِّي أَلِيسَ كُلُّ مُحِبٌ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ.

\* خواب آن کس کند که خام بود خواب بر عاشقان حرام بود  
كُلُّ نَوْمٍ عَلَى الْمُحِبِّ خَرَام عَجَباً لِلْمُحِبِّ كَيْفَ يَنَام

\* مجله شمیم یاس، اذر ۱۳۸۴، شماره ۳۳، صفحه ۲۹ درس اخلاق حضرت آیت الله مجتبهدی تهرانی در خصوص نماز شب مطالب زیبایی دارد.

إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا١

عَسَى أَنْ يَعْنَكَ رِبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا٢

همه این مقام‌ها به خاطر نماز شب است.

بنابراین «قَلْهُ الْكَلَامٍ»<sup>۳</sup> رابطه با دیگران بود و «قَلْهُ الْمَتَامٍ»<sup>۴</sup> در مورد رابطه با خدا می‌باشد.

### ۳- «وَ قَلْهُ الْمَشْيٍ»<sup>۵</sup>

کم دویدن برای دنیا.

«وَ قَلْهُ الْمَشْيٍ» کم راه رفتن نیست، بلکه کم دویدن برای دنیاست.  
هیچ جا گفته نشده است که در دنیا برای آخرت کم بدو.

اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَانَكَ تَعِيشُ أَبْدًا...<sup>۶</sup>

گفته اند: دنیا را برای دنیا کم بدو.

۱- اسراء/۷۸

۲- همان/۷۹

۳- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

۴- همان.

۵- همان.

۶- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۵۶، كتاب التبيهه، باب المتابض و المكاسب و الفوائد و الصناعات، ح ۳۵۶۹

## ٤- «وَ قِلْهُ الطَّعَامِ»<sup>١</sup>

چهارمین ارتباط ما با خوراک است. به عالمی گفتند: معلم بچه های یک شخص ظالم شو؟ گفت: معلم بچه های ظالم بشوم بد است. گفتند: بیا قاضی بشو. گفت: بد است. وعده های دیگر هم دادند، گفت: بد است. گفتند: حالا یک وعده خانه ما مهمان بشو. یک وعده مهمان شد، خوراک حرام در شکمش رفت هم معلم بچه های ظالم، هم قاضی و هم عمله آنها شد. یک روز وقتی رفت، حقوقش را بگیرد؛ طول کشید تا خزانه دار حقوقش را بدهد. گفت: چرا پولم رو دیر می دهی؟ خزانه دار گفت: چی آوردی؟ گفت: دینم را آوردم.

امام صادق علیه السلام به شکم اشاره کردند و فرمودند: این معدن همه مریضی هاست و دوایش کم خوردن است.<sup>۲</sup> نفرمودند که نخوردید، بلکه فرمودند: کم بخورید و خوب بخورید.

مرحوم بهلول هفتاد، هشتاد سال دکتر نرفت پرسیدم چطور؟ فرمود: برای اینکه من می دانم چی بخورم، چقدر بخورم و کی بخورم. شما این سه مطلب را نمی دانید. امروز یک بعد از تهاجم فرهنگی حمله به شکم مردم است. غذاهای تحریک کننده، بی - خاصیت، سلطان زا را فقط به دلیل خوشمزگی دارند به خورد مردم می دهند.

## خلاصه درب سوم بهشت:

اینکه صحت و سلامت در دنیا در گرو چهار ارتباط است:

- ارتباط کلامی با مردم باید مدیریت دینی بشود.

١- بخار الانوار، ج ٨، ص ١٤٤، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ٢، ح ٦٧.

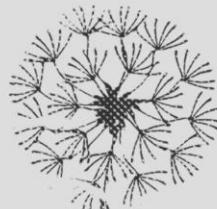
٢- الخصال، ج ٢، ص ٥١٢، أبواب التسعة عشر، ح ٣: ...أَنَّ الْمُبَدَّةَ بَيْتُ الدَّاءِ وَ الْجُمْعَةُ هِيَ الدَّوَاءُ...

- ۲- ارتباط با خواب که مربوط به من و خدای من است، باید مدیریت دینی بشود.
- ۳- ارتباط با دنیا، که باید مدیریت دینی بشود.
- ۴- ارتباط با شکم است، که باید مدیریت دینی بشود.

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب پهاره بهشت



درب چهارم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِيُّ اللَّهِ

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيَكُرِمْ ضَيْفَهُ

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيَكُرِمْ جَارَهُ

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيَكُرِمْ وَالدَّيْهُ

اَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلِيُقْلِلُ خَيْرًا اَوْ يَسْكُنْ<sup>۲</sup>

بزرگترین مشکل ما در زندگی دنیوی مان غفلت از معاد است؛ یا واضح‌تر بگوییم غفلت از عالم غیب.<sup>۳</sup> بیشتر فرمول‌های بهشت و جهنم بحث عالم غیب است، ولی در اینجا مواردی را متذکر می‌شود که ما باور کنیم این چهار صفت، هم ثمره دنیایی برای ما دارد هم ثمره آخرتی.

درب دوم بیشتر دارای ثمره آخرتی بود.

مَسْحُ رَئِيسِ الْيَتَامَى وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرْاملِ وَ السَّعْىُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ التَّفَقُّدُ<sup>۴</sup>  
لِلْمُقْرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ

۱- وقتی کان می‌آید دلالت بر استمرار دارد

۲- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، ابواب المعاد و مایتبغه و يتعلق به، باب ۲۲، ح ۶۷

۳- ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۶۳۹ تا ۶۵۴

۴- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، ابواب المعاد و مایتبغه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

اما در چهار موردی که در درب چهارم بهشت متذکر می‌شود، ثمره دنیابی هم هست.  
نکته جالب این است که شرط آن را ایمان به خدا و آخرت می‌داند.

حضر استاد بزرگوار، حضرت آیت‌الله جوادی آملی، بودیم که می‌فرمودند: «هرانچه موقفیت و کامیابی در کشورهای جهان می‌بینید برخاسته از مکتب توحیدی است». همه تعجب کردند و گفتند: کشورهای موقفی داریم که مردم‌شان هیچ اعتقادی به توحید و مکاتب توحیدی ندارند، چه برسد به اسلام. چگونه است که ریشه موقفیت‌شان مکتب توحیدی است؟

ایشان در توضیح، با این مضمون، فرمودند که مکتب توحیدی دو نسخه دارد:  
یک نسخه‌اش مربوط به زندگی دنیا است؛  
و دیگری مربوط به آخرت است.

گروه دوم از دستورات، ثمره اولیه‌اش مربوط به زندگی آخرت است، ولی ثمره ثانویه‌اش مربوط به دنیا است.

آنچه موقفیت در کشورهای دیگر ولو غیرمسلمان می‌بینید، ریشه‌اش رعایت دستورات خدا و ایمان به خدا است، ولی با نگاه غیرتوحیدی. برای مثال، راستگویی، وجودان-کاری، رعایت قوانین، نظام و ... .

گاهی دشوار است که بخواهیم روی منبر، .. و نظمِ أمرکُم<sup>۱</sup> را توضیح دهیم؛ زیرا می‌بینیم مسلمانان آن گونه که باید، نظام را رعایت نمی‌کنند.  
می‌گفت: در یک کشور غربی برای قطار شهری، بلیت ساعت ده صبح را گرفتیم.  
ساعت ده و پنج دقیقه رسیدیم و در صف ایستگاه ایستادیم. گفتیم: الحمد لله هیچ کس در صف نیست. چند دقیقه‌ای ایستادیم، دیدیم خبری از قطار نیست. از مأموری که آنجا ایستاده بود پرسیدیم: ما ساعت ده بليط داریم، قطار ساعت ده نیامد؟ به ما گفت:

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷

اینجا ساعت ده ساعت ده است! تعبیر استاد این بود که آن‌ها ثمره رعایت این دستورات را در دنیا باور کرده‌اند؛ می‌دانند اگر صداقت داشته باشند، به نفع خودشان است. این همان چیزی است که می‌گوییم: کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع<sup>۱</sup> نظم، احترام به قانون و... را هر عقلی می‌پسندد؛ بنابراین آن‌ها بنا بر حکم عقل عمل می‌کنند و ما بنا بر حکم عقل و شرع. آن‌ها چون به بخش شرعی‌اش چندان اعتقادی ندارند، امور را به نیت ثواب اخروی انجام نمی‌دهند، اما به قصد نتیجه دنیوی آن انجام می‌دهند.

بنابراین باور داشتن بسیار مهم است. آنچه بر درب چهارم بهشت نوشته‌اند، لازمه‌اش فقط ایمان به غیب نیست؛ بلکه اینجا دو ایمان می‌خواهیم: یکی ایمان به عین، دیگری ایمان به غیب.

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ:

فَلَيُكْرِمْ ضَيْفَهُ<sup>۲</sup>

ثمره اولش در دنیا و زندگی دنیا است. همه شنیده‌ایم که مهمان با خود برکت می‌آورد و گناهان را با خود می‌برد. این به زندگی دنیای ما مربوط است؛ البته برای زندگی آخرتی‌مان هم بی‌فایده نیست.<sup>۳</sup>

۱- قاعده اصولی است.

۲- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، ابواب المعد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷

۳- رک: جامع الأخبار(الشعبی)، ص ۱۳۶؛ و عن أَجَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَسْمَعُ بِهِمْسِ الضَّيْفِ وَ فَرِحَ بِذَلِكَ إِلَّا غَيْرَتْ لَهُ خَطَابِيَّةٌ وَ إِنْ كَانَتْ مُهْلِقَةً مَا تَبَيَّنَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ الصَّيْفُ دِلْلُ الْجَنَاحِ

## فَلِيُّكْرِمْ جَارَهُ

چنانچه من با همسایه‌ام رفتاری پسنده داشته باشم؛ ثمره اولش آسایش و آرامش زندگی دنیا است.

## فَلِيُّكْرِمْ وَالدَّيْهِ

در این روایت به اکرام والدین هم اشاره می‌کند که آن هم ثمره‌اش به دنیا خود من بر می‌گردد. همه شما بزرگواران شنیده‌اید اولین ثمره احسان به والدین، برکت عمر<sup>۱</sup> و اولین عقاب ظلم به والدین، کوتاهی عمر است؛<sup>۲</sup> یعنی بهره‌ات در همین دنیا کم می‌شود.

وَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضُمِيرَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُجِبُ الصَّيْفَ إِلَّا وَ يَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يَجْهَهُ كَالْقَمَرَ لِيَلَهُ الْبَثَرَ فَيُنْظَرُ أَهْلَ الْجَنَّعِ فَيَقُولُونَ مَا هَذَا إِلَّا نَبِيُّ مُرْسَلٌ فَيَقُولُ مَلَكُ هَذَا مُؤْمِنٌ يَجِبُ الصَّيْفُ وَ يَكْرِمُ الصَّيْفَ وَ لَا سَبِيلَ لَهُ إِلَى أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلهُ وَسَلَّمَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ يَقُومٌ خَيْرًا أَهْدَى إِلَيْهِمْ هَدِيَّةً قَالُوا وَ مَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ قَالَ الصَّيْفُ يَنْهُلُ بِرَزْقَهِ وَ يَرْتَحِلُ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلهُ وَسَلَّمَ لِيَلَهُ الصَّيْفِ حُقُّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مَنْ أَصْبَحَ إِنْ شَاءَ أَخْدَهُ وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَهُ وَ كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الصَّيْفُ لَا يَدْخُلُهُ الْمَائِنَةُ

۱- ر.ک: مستدرک الوسائل و مستحبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۵، ح ۱۷۹۱۳؛ عن النبی صل الله عليه وآله وسلم آله قال: من أَخْبَرَ أَنْ يَكُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ عُمْراً فَلَيَبْتَرِهِ وَالدَّيْهِ وَلِيُصْلِلِ رَحْمَهُ وَلِيُخْسِنْ إِلَى جَارِهِ

همان، ص ۱۷۶، ح ۱۷۹۱۵؛ و قال ص: مَنْ يَضْمَنْ لِي بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ صِلَّةَ الرَّجِمِ أَصْمَنْ لَهُ كَثِيرَةُ الْمَالِ وَ زِنَادَةُ الْعُمُرِ وَ الْمَحِنَةُ فِي الْغَشِيرَةِ

۲- ر.ک: الكافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۲۵۸، کتاب الإيمان و الكفر، باب ح ۱۹۷، ح ۳۰۰، سمعت آبا عبد الله عليه السلام يقول: كان أبي عليه السلام يقول: نَهُودُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ أَلَّى تُمْجِلُ الْفَنَاءَ، وَ تُنَزِّلُ الْأَجَالَ، وَ تُخْلِيَ الْمَيَارَ، وَ هِيَ قُطْبِيَّةُ الرَّجْمِ، وَ الْفَقْوَةِ، وَ تَرْكِ الْبَيْتِ

## فَلَيُقْلِّ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتُ

اگر راجع به این سه مورد نمی‌توانی اکرام برسانی، «فَلَيُقْلِّ خَيْرًا»<sup>۱</sup> مصدق اکرام است. اگر نمی‌توانی «أَوْ يَسْكُتُ». به قول سعدی: مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان. اینجا منظور از ساكت بودن فقط سکوت زبان نیست، شاید این باشد که اگر دستت نمی‌تواند خیر برساند، شر نرسان. دستت، پایت، زبانت، چشمت و آنچه را باید از تو خیر برساند نگهدار که اگر اهل خیر نیست، مضر نباشد. در روایتی نورانی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده‌اند که از نشانه‌های عقل این است که:

وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ، وَالرُّشْدُ وَالْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ<sup>۲</sup>  
مردم به خیر او امید داشته باشند و از شر او در امان باشند.

## شروط عمل به دستورات چهارگانه:

سخنان الهی و کلمات اولیای خدا تقدم و تاخرش دارای مفهوم است. در حدیث معراج چهار مسئله را با من کان یؤمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ<sup>۳</sup> اورده است که سرمایه‌گذاری "زودپاداش ده" است.

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

۲- همان.

۳- الكافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ص ۸۹، کتاب النقل و الجمل، ح ۱۲: یا هیئام، کانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا غَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ النَّقْلِ، وَمَا تَمَّ عَقْلُ امْرَىءٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِتَالٌ شَتَّى: الْكُفْرُ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ، وَالرُّشْدُ وَالْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ.

۴- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۸، ح ۶۷

در این روایت چهار صفت را نتیجه ایمان به خدا و روز قیامت فرمود؛ **فَلَيُكْرِمْ ضَيْفَهُ**<sup>۱</sup> حال چرا اول مهمان را بیان کرده است؟

خداآوند امتحان را از جای سخت شروع کرده است. در آیه شریفه و **يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبْهِ مِسْكِينًا وَ أَسِيرًا**<sup>۲</sup>، در تفسیر کشاف زمخشri آمده است: شب سوم اسیری از مشرکان آمد.<sup>۳</sup> شبی که این وجودهای نازنین از هر سه شب گرسنه ترند. کسی آمده که نه همشهری و نه هم ایمانی است، بلکه اسیری از اسرای مشرکان است. خداوند متعال این آزمون دشوار را در آخر برای اولیای خدا قرار داده است تا ببیند که با این همه گرسنگی چه می کند؟

خداآوند اولیای خود را این گونه به سختی امتحان می کند. اما ارتباط ما با مهمان در درجه دورتر است، همسایه نزدیکتر و والدین متصل به ما هستند. توی بند و وقتی به آن دورتر اکرام و رحم کنی، من خدا این پاداشها را به تو می دهم. پس اگر به والدین اکرام کنی، چه می کنم. این امر برای آن است که باور و اطمینانم به خدا بیشتر شود. شاید این قطعه شعر را به این مناسب سروده باشند:

دوستان را کجا کنی محروم      تو که با دشمن این نظر داری

تو اگر به بیگانگان هم مانند مهمان اکرام کنی پاداش می گیری؛ زیرا شاید همیشه مهمان، قوم و خویش نباشد. یکی از بزرگان به حقیر فرمودند: وقتی وارد حرم اهل بیت علیه السلام، مخصوصاً امام رضا علیه السلام، شدید، دم در بایستید و به امام رضا علیه السلام بگویید: آقا، پدر عزیز شما، امیرالمؤمنین علیه السلام، فرمود: **أَكْرِمْ ضَيْفَكَ وَ إِنْ كَانَ**

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، ابواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۳، ح ۵۷.

۲- انسان، آیه ۸

۳- الكشاف عن حقائق غواض التنزيل، ج ۴، ص ۶۶۸

حقیر؟<sup>۱</sup> مهمانت را اکرام کن، ولو آدم پستی باشد. من اعتراف می‌کنم که پستم، حقیرم، هیچم و ناقابل؛ اما شما به‌حتم نمی‌گذارید حرف پدرتان روی زمین بماند. خداوند متعال به‌قدرتی درباره اکرام به میهمان سفارش فرموده و برای آن برکات دنیوی و اخروی در نظر گرفته است که نه تنها نباید سر مهمان منت گذاشت که پذیرایی ات کردم، بلکه باید از او ممنون هم باشم. پاداشی که خدا با پذیرایی مهمان به ما می‌دهد، بسیار بیشتر از آن سرمایه‌ای است که برای پذیرایی از مهمان گذاشتیم. لذا می‌گویند وقتی از مهمانی پذیرایی می‌کنید که خود دعوتش کرده‌اید و برای او خود را به‌سختی می‌اندازید، راه دوری نرفته‌اید.

مهمانی فقط شامل دعوت از دوستان و اشنايان نمی‌شود. ما بعد از انقلاب و برافراشتن پرچم حق به تعبیری مسلمانان را زیر پرچم حق دعوت کردیم و انقلاب اسلامی شد میزان تمام جریان‌های حق طلب، هم اکنون چندین میلیون نفر از کشورهای مسلمان، چه شیعه و چه سنتی، مهمان جمهوری اسلامی هستند. تکریم مهمان اینگونه اقتضا می‌کند که به او توهین نشود. حالا برخی می‌گویند ما وظیفه داریم از حق ائمه علیهم السلام دفاع کنیم، امروز تکلیف ما این است که از حق ائمه علیهم السلام با تعبیر لعنت بر ظالمان دفاع کنیم به با بیان مصادیق آن. لعنت بر ظالمان جزء ارزش‌های تمام افراد حق طلب است.

قسمت بعدی روایت، اکرام همسایه است. همسایه هم به اعتقاد من فقط همسایه دیوار به دیوار نیست. حدود همسایگی در اسلام مشخص شده است، به غیر از آن همسفر هم همسایه است، همسایگی پارک را هم شامل می‌شود، همسایه در اداره هم معنا دارد. همسایه کشوری هم داریم.

۱- غرر الحكم و درر الكلم، ص ۱۳۶، الفصل الثاني مما ورد من حكم أمير المؤمنين على بن أبيطالب عليه السلام، ح ۱۱۷۰ (ج ۹۹۷).

قسمت بعدی روایت، اکرام والدین است. خداوند در چهار جای قرآن نام والدین را پس از نام خود آورده است: وَ بِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا<sup>۱</sup>.  
 أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَاهُ وَ بِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا<sup>۲</sup>. یعنی خدا خالق است و والدین واسطه خلق.  
 خدا منعم است و والدین واسطه نعمت. خدا رحمان و رحیم است و والدین واسطه رحمت. خدا غفار است و والدین واسطه مغفرت. خدا هادی است و والدین واسطه هدایت.

آقایی در خیابان به من گفت: حاج آقا، پدرم خیلی مرا اذیت می کند. گفتم: برویم پدرت را بفروشیم، می شود؟ گفت: نه. گفتم: می خواهی جایی را پیدا کنیم که پدرت را عوض کنند، پدر بد بگیرند و پدر خوب بدhenد. گفت: این هم نمی شود. گفتم: می خواهی بگوییم پدرت را بکشند و راحتت کنند؟ گفت: این هم نمی شود. گفتم: پسر باید چه کنیم؟ گفت: مثل اینکه باید هم تحملش کنم و هم دعایش کنم. گفتم: دین نیز همین را گفته است؛ هم تحملش کن و هم دعایش کن.

اکرام مهمان، اکرام همسایه و اکرام والدین انواع و اقسامی دارد (مثل اکرام با نگاه، اکرام با کلام، اکرام با روی باز و اکرام با دست باز) که وارد آن نشیدیم. فقط کلیت بحث را گفتیم.

۱- بقره، آیه ۸۳ نساء، آیه ۳۶، انعام، آیه ۱۵۱، اسراء، آیه ۲۳.

۲- ک: در آیات دیگر هم به اکرام والدین اشاره کرد: عنكبوت، آیه ۷ و وَصَنَّا إِلْيَسَانَ بِوَالِدِيهِ خُسْنًا؛ احفاف، آیه ۱۵؛ وَ وَصَنَّا إِلْيَسَانَ بِوَالِدِيهِ إِحْسَانًا؛ مریم، آیه ۱۴؛ بَرًأَ بِوَالِدِيهِ لقمان، آیه ۱۴ آن اشکُرْ لَى وَ بِوَالِدِيهِ.

-۲ اسراء، آیه ۲۳.

اگر راجع به این سه مورد نمی‌توانی اکرام برسانی، «فَلَيُقْلِّ خَيْرًا»<sup>۱</sup> مصدق اکرام است. اگر نمی‌توانی «أَوْ يَسْكُت». به قول سعدی: مرا به خبر تو امید نیست، شر مرسان. اینجا منظور از ساكت بودن فقط سکوت زبان نیست، شاید این باشد که اگر دست نمی‌تواند خیر برساند، شر نرسان. دستت، پایت، زبانت، چشمت و آنچه را باید از تو خیر برساند نگهدار که اگر اهل خیر نیست، مضر نباشد. در روایتی نورانی از امام موسی کاظم عليه السلام نقل کرده‌اند که از نشانه‌های عقل این است که و الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَ، وَ الرُّشْدُ وَ الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَنَ؛<sup>۲</sup> مردم به خیر او امید داشته باشند و از شر او در امان باشند.

### ویژگی‌های مشترک:

۱. دشوار است.
۲. هزینه‌بر است.
۳. زمان بر است.

۴. معمولاً در این موارد به سرعت از ما تقدیر نمی‌کنند.

ما مراسمی نداریم که در آن مهمان از میزبان یا همسایه از همسایه تقدیر کرده باشد. خوب است که ائمه بزرگوار جماعت، طرح «برگزاری مراسم تکریم همسایه نمونه» را اجرا کنند.

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ماتبعة و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۵۷

۲- همان.

۳- الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ص ۳۹، کتابُ التَّقْلِيلُ وَ الْجَهْلِ، ح ۱۲: يَا هَشَامَ، كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا غِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، وَ مَا تَمَّ عَقْلُ مُرِئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِتَالٌ شَتَّى: الْكُفْرُ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَ، وَ الرُّشْدُ وَ الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَنَ.

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا می‌شود همنشینم را در بهشت پیدا کنم؟ خداوند متعال قصابی را به او نشان داد. شاید خدا اینجا خواست مراسم تکریم فرزند نمونه را برگزار کند. برای حضرت موسی سؤال پیش آمد که من پیامبر اول‌العزم، همسایه‌ام در بهشت، قصاب است؟ به او گفتند: برو بین این قصاب چه می‌کند. این قصاب والدینش را اکرام می‌کرد.<sup>۱</sup>

شهدای عاشورای رضوی مشهد در سال ۷۳، که بمب بالای سر ضریح امام رضا علیه السلام منفجر شد، ۳۸ نفر بودند. یکی از آن شهدا تاجر قمی بود. شیخ عبدالله خاطب رحمه‌الله علیه می‌گفت: برایم سؤال شد که چرا این تاجر قمی چنین سعادتی یافت. تحقیق کرد و متوجه شد که این تاجر قمی، که تجارت خانه‌اش در تهران بود، برای مادرش خدمتکار گرفته بود تا بهنیکی از او پذیرایی کند. ولی پنج‌شنبه و جمعه خودش می‌رفته و آستین بالا می‌زده و امور مادرش را رفع و رجوع می‌کرده‌است. بعد از شهادت او، سراغ مادرش رفتند و گفتند: پسرت که این گونه شما را اکرام می‌کرد، از شما چه می‌خواست؟ مادر با گریه گفته بود: «پسرم مدام می‌گفت: مادر، فقط یک دعا برای من بکن و آن اینکه خدا مرگم را در بهترین زمان، بهترین مکان و بهترین حالت قرار بدهد»؛ بالای ضریح امام رضا علیه السلام، ظهر عاشورا، در حال نماز، به دست منافقان، به شهادت رسید.

۱- الخصال، ج ۱، ص ۲۰۵، باب الاربعه، ح ۲۱، پند تاریخ، ح ۱، ص ۶۹ یکصد موضوع ۵۰۰ داستان، جلد ۱، صفحه ۱۳۸.

پس اگر ایمان‌مان به خدا و روز قیامت است حتماً مهمان‌ها را پذیرایی کنیم، ولو غیرمسلمان باشند. همسایگان را اکرام کنیم، هر کس که باشد. والدین را اکرام کنیم، ولو کافر باشند.<sup>۱</sup> اگر نمی‌توانیم به آن‌ها خیر برسانیم، دست کم شر نرسانیم.

## خلاصه درب چهارم بهشت:

ثمره اصلی برخی از اعمال در دنیا دیده می‌شود و برخی دیگر در آخرت. شرط عمل به دستورات چهار گانه درب چهارم بهشت، ایمان به خدا و روز قیامت است

توصیه‌های درب چهارم بهشت:

الف. اکرام مهمان

د. استفاده به جا از زبان

ج. اکرام والدین

---

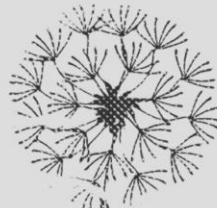
۱- ر.ک: جامع الأخبار (الشعیری)، ص ۸۴ الفصل الأربعون فی فضیلة بر الوالدين: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ضَرَبِ أَبُو يَمِيرٍ فَهُوَ وَلَدُ الْإِنْاءِ وَ مَنْ أَدْى جَارَةً فَهُوَ مُلْمِعُونُ وَ مَنْ أَبْنَصَ عِتَّارَةً فَهُوَ مُلْمِعُونُ وَ مُنَافِقٌ خَاسِرٌ يَا عَلَيْهِ أَكْبَرُ الْجَازَ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا وَ أَكْبَرُ الضَّيْفَ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا وَ أَطْعَمَ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ وَ لَا تَرْدَ السَّنَائِلَ وَ إِنْ كَانَ كَافِرًا.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صل الله عليه وآله وسلم)، ص ۴۱۶، ۱۲۶۴: ثلاث ليس لأحد الناس فيه رخصة: بر الوالدين مسلماً كان أو كافراً والوفاء بالمهد لمسلم أو كافر والأمانة إلى مسلم كان أو كافر.

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب پنجم بهشت



## درب پنجم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِيُّ اللَّهِ

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُظْلَمَ فَلَا يُظْلَمْ

وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُشْتَمَ فَلَا يُشْتَمِ

وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُذْلَلَ فَلَا يُذْلَلَ

وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَمِسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُتْقَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَيُقْلِلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ -  
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِيُّ اللَّهِ

درب پنجم بهشت، قانون عمل و عکس العمل است.

سوی ما آید نداها را صدا<sup>۲</sup>  
این جهان کوه است و فعل ما ندا

- ۱ - همان.

۲ - مولانا: این جهان کوه است و فعل ما ندا

سوی ما آید نداها را صدا  
همچو فرزندی بگیرد دامت

فعل تو کان زاید از جان و تنت  
بر کسی تهمت منه، بر خویش گرد

پس تو راه غم که پیش آید ز درد  
فعل تست این غصه های دم به دم

این بود معنای قَجَفَ الْقَلْمَ! ر.ک: سوره اسراء، آیه ۷۸: «إِنْ أَخْسِنْتُمْ إِلَنْفُسْكُمْ وَ إِنْ أَسْأَلْتُمْ فَلَهَا...»

در ادیان دیگر هم این باور وجود دارد: یعنی (یکی از بخش های گاتها) سروده ای اندیشه برانگیز را از اشوزترش میخوانیم :

## قانون پژواک (عمل و عکس العمل)

قانون پژواک را بچه های کوچک هم بلدند، به کوه که می رویم، یک صدای زنیم، ده تا صدا به ما بر می گردد.

منْ أَرَادَ أَنْ لَا يُظْلَمَ فَلَا يَظْلِمْ<sup>۱</sup>

هر کس اراده کرده به او ظلم نشود، به کسی ظلم نکند.  
سوالی پرسیده می شود:

بعضی می گویند که اگر به خاطر یک ساعت گناه ما را سال ها در جهنم نگه دارند،  
مصدق ظلم نیست؟ در حالی که خداوند متعال می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا<sup>۲</sup>

این آیه دهها بار به عبارات مختلف در قرآن تکرار شده است.<sup>۳</sup> خدا به اندازه سر سوزنی به احدی ظلم نمی کند، و لکنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ، این مردم هستند که خودشان به خودشان ظلم می کنند.

ای مزدا، از کردار آن کس که سر آزار جهانیان را دارد، مرا رنجی نخواهد رسید. گزند آن کردارهای دشمنانه، به خود او باز خواهد گشت؛

آنچنان که او خود را از نیک زیستی بی بهره خواهد کرد و بدان دشمنانگی، هیچ راهی به رهایی از بدسرای جامی نخواهد یافت.

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۸ / ۱۴۴ / باب ۲۳ / الجنۃ و نعیمها رزقنا الله و سائر المؤمنین حورها و قصورها و حبورها و سوره را ....

ص: ۷۱

۲- سوره یونس، آیه ۴۳.

۳- ر.ک: سوره بقره، آیه ۷۷: ... وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنَّ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ سوره آل عمران، آیه ۱۱۷: ... قَوْمٌ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهَانُتُهُمْ وَ مَا ظَلَمُمُ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ سوره نسا، آیه ۴۰: إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مُجْعَلَ ذَرَّةٍ... همان، آیه ۱۱۰: «وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ أَنفُسَهُ...»؛

خدا بر درجات شهید حاج عبدالحسین برونسی بیافزاید، قبل از انقلاب بنًا بود، البته یک مدت کوتاهی هم طلبه بود. انقلاب که شد، وارد سپاه شد و جزو شصت پاسداری بود که از اول به جبهه رفت. ایشان خانه‌ای برای خودش ساخته بود، که هنوز درب حیاطش را نساخته بود و پرده گذاشته بودند، خانمش می‌گوید: به او گفتم حاجی، خانه در نداره، یک پرده انداختن! گفت: در طول عمرم، به خانه کسی نگاه نکردم، پس کسی به خانه‌مان نگاه نمی‌کند.<sup>۲</sup>

سوره اعراف، آیه ۱۰۹؛ همان، آیه ۱۶۰؛ و ما ظلمونا و لکن کانوا آفسئهم یظلمون؛ و من خفت موارینه قاولیک الذین خسروا آفسئهم باما کانوا بایاتنا یظلمون؛ سوره اسراء، آیه ۷۶ إن أخستهم أخسستهم لتفسيكم وإن أسامن فليها؛ سوره کهف، آیه ۴۹؛ و لا یظلم ریک آخدا...<sup>۳</sup>

طیبات و طبیعن بر وی بخوان	به قول مولانا: خوب خوی را کند جذب این بدان
گرگمی را کشید و سرد سرد	در چهان هر چیز، چیزی جذب کرد
کی دم باطل قرین حق شود	تلخ با تلخان یقین ملحق شود
کی جوان نو گزیند پیره زال!	او جمیل است و محب لجمال
نوریان مر ناریان را طالبد	ناریان، مر ناریان را جاذبند

۱- سوره یونس، آیه ۴۴

۲- هنوز شریینی زندگی در اتاق‌های جدید توی وجودم بود که یک‌پهلو سر و صدایی از داخل حیاط بلند شد. سریع دویدم بیرون. از چیزی که دیدم، کم مانده بود سکته کنم؛ یک گوشه دیوار گلی حیاط، ریخته بود...!

... نزدیک دو ماه گذشت. روزی که آمد، بعد از سلام و احوالپرسی گفت: بیست روز مرخصی گرفتم که دیوار رو درست کنم. خیلی زود شروع کرد. روز اول آجر ریخت، روز بعد هم دور دیوار حیاط را خراب کرد. می خواست بقیه کار را شروع کند که بکی از بچه‌های سپاه آمد دنالیش. بپوش گفت: بفرما تو.

گفت: نه، اگه یک لحظه بیای بیرون، بهتره.

رفت و زود آمد. خیره شد به چشمها، گفت: کار مهمی پیش اومده، باید برم. طبیعی و خونسرد گفتمن: خب عیینی نداره؛ برو، ولی زود برگرد.

صدash مهربانتر شد، گفت: توی شهر کارم ندارن.

گفتم: پس کجا؟!

با احتیاط گفت: می خوام برم جبهه.

یک آن داغی صورتم را حس کردم، حسابی ناراحت شدم، توی کوچه که می آمدی، خانه ما با آن وضعش انگشت نما بود، به قول معروف، شده بود نقل مجلس! دور و برم را نگاه کردم، گفتم: شما می خواهی منو با چند تا بچه قد و نیم قد، توی این خونه بی در و پیکر بگذاری و بربی؟!

چیزی نگفتم، اقلاً همون دیوار درب و داغون خودش رو خراب نمی کردی.

طبق معمول این طور وقت‌ها، خنید. گفت: خودت رو ناراحت نکن، بہت قول می دم که حتی یک گریه روی پشت بام این خونه نیاد. صورتم گرفته تر شد و ناراحتی ام بیشتر، گفت: حالا دیوار حیاط خرابیه که خراب باشه، این که عیوبی نداره.

دل می خواست گریه کنم، گفتم: یعنی همین درسته که من توی این خونه بی در و پیکر باشم، اونم با چند تا بچه کوچیک؟ باز هم سعی کرد آرام کند، فایده نداشت. لذخوری ام هر لحظه بیشتر می شد. خنده از لیهاش رفت. قیافه اش جدی شد. توی صداش ولی مهربانی موج می زد. گفت: نگاه کن، من از همون اول بیچگ، و از همون اول جوانی که تو روستا بودم، هیچ وقت نه روی پشت بام کسی رفتم، نه از دیوار کسی بالا رفتم، نه هم به زن و ناموس کسی نگاه کردم.

حرف‌های آخرش حواسم را جمع کرد. هرچند که ناراحت بودم، ولی منتظر شنیدن بقیه اش شدم. ادامه داد: الان هم می گم که تو اگه با سر روی باز هم بخواهی بربیرون، اصلا کسی طرفت نگاه نمی کنه، خیالت هم راحت باشه که هیچ جنبنده ای توی این خونه مزاحم شما نمی شه. چون من مزاحم کسی نشدم؛ هیچ ناراحت نپاش.

مطمئن و خاطر جمع حرف می زد. به خودم که آدم، از این رو به آن رو شده بودم، حرفاش مثل آب بود روی آتش. وقتی ساکش را بست و راه افتاد، انگار اندازه سر سوزن هم نگرانی نداشتم.

\*\*\*

چند وقت بعد آمد. نگاهش مهربانی همیشه را داشت. بچه ها را یکی یکی بغل می کرد و می بوسید. هنوز ننشسته بود که رو کرد به من. یک «خوب» کشیده و معنی داری گفت، بعد پرسید: توی این چند وقت، دزدی، چیزی اومد یا نه؟

گفتم: نه.

باید باور کنیم که اگر می خواهید به ما دروغ نگویند، دروغ نگوییم. اگر می خواهیم غیبت مان را نکنند، غیبت نکنیم. اگر می خواهیم به ما تهمت نزنند، تهمت نزنیم. اگر می خواهیم از ما دزدی نکنند، ما دزدی نکنیم.

دزدی بر دو نوع است:

- دزدی مال

- دزدی اعتقاد

حوالاهای مان جمع باشد، ما مبلغین، روحانیون، معلمین، مریبان و مسئولین جمهوری اسلامی، می توانیم دزد اعتقادات مردم باشیم. مبلغ هیچ وقت دست در جیب کسی نمی کند یا از روی دیوار کسی بالا نمی رود. ولی خدای نکرده می تواند دزد اعتقاد باشد.

داستان فضیل بن عیاض را شنیدید که دزد سرگردنه بود، ولی عاقبت بخیر شد.<sup>۱</sup> فضیل به کاروانی دستبرد می زند. در میان اموال کاروانیان بقچه‌ای توجهش را جلب می کند دستور می دهد بقچه را باز کنند، در میان بقچه چیزی را در میان دستمال پنهان کرده بودند. دستمال را که باز می کنند، می بینند آیه الكرسی است. می گوید: اموال این کاروان را برگردانید. نوچه‌هایش می گویند: مدتی است نشستیم یک لقمه

خندید. ادامه دادم: اثر اون حرفون این قدر زیاد بود که ما با خیال راحت زندگی کردیم، اگری بگی یک ذره هم دلم تكون خورده، دروغ گفتی.

خدا رحمت کند: هنوز که هنوز است، اثر آن حرفش توی دل من و بجهه ها مانده. به قول خودش، هیچ جنبنده ای مزاحم ما نشده است.

به نقل از کتاب «خاک های نرم کوشک»

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۷-۳۴۴: گفتارهای معنوی، ص ۲۶؛ روضات الجنات، لفظاً فضیل؛ کتاب قصص التوابین با داستان توبه کنندگان، علی میرخلف زاده.

چرب و نرمی گیرمان بباید، حالا تو می‌گویی همه را برگردانیم؟! می‌گوید: من شکمم گرسنه است، دزدی مال می‌کنم - هر چند توجیه غلطی است - اما تا بحال دزدی اعتقاد نکردم. من اگر این مال را بذدم، صاحب این مال که به امید حفظ مالش آیت الکرسی را همراه آورده، از تاثیر آیت الکرسی نا امید می‌شود و به دیگران نیز خواهد کفت که آیت الکرسی اثر ندارد.

اگر مسئولین عملکرد بدی داشته باشند، مردم خواهند گفت: جمهوری اسلامی دیگر خاصیت ندارد. ما هم اگر خدای نکرده حرف و عملمان دو تا شود، مردم می‌گویند: اسلام به درد نمی‌خورد، چون خود این ها هم به آن اعتقاد ندارند و عمل نمی‌کنند. این دزدی اعتقاد است.

دزدی اعتقاد و ظلم اعتقادی عذاب سختی دارد. روایت است که بهترین جایگاه بعد از انبیا و اولیای خدا، علما هستند و بدترین جایگاه در جهنم هم برای برخی علماست.<sup>۱</sup> کیسینجر<sup>۲</sup> پیر سیاست آمریکا، یک سال بعد از پیروزی انقلاب سال ۵۸ در

۱- الأمالي (الطوسى)، النص، ص: ۵۲۷: يَا أَيُّا ذَرْ، إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ (عَنَّا) يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالَمٌ لَا يُسْتَعْنُ بِعِلْمِهِ، وَمَنْ طَلَبَ عِلْمًا يَضْرُفُ بِهِ وُجُوهُ النَّاسِ إِلَيْهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَاحِ.

يَا أَيُّا ذَرْ، إِذَا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ: لَا أَعْلَمُهُ، تَتَنَجُّ مِنْ تَعْيِّنِهِ، وَلَا تُفْتَنِ النَّاسُ بِمَا لَا عِلْمُ لَكَ بِهِ تَتَنَجُّ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَيُّا ذَرْ، يَطْلُعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَاحِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ: مَا أَخْلَكُمُ النَّارُ، وَإِنَّمَا دَخَلْنَا الْجَنَاحَ بِفَضْلِ تَأْبِيَكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا تَأْمُرُكُمْ بِالْخَيْرِ وَلَا نَنْهَاكُمْ.

۲- هنری آلفرد کیسینجر Henry Alfred Kissinger : دیپلمات معروف آمریکایی و مشاور اسبق امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در ۲۷ مه ۱۹۲۳ در خانواده‌ای یهودی‌الاصل در کشور آلمان، شهر فورت به دنیا آمد. او در سال ۱۹۴۸ به همراه خانواده از آلمان تحت کنترل نازی‌ها به آمریکا گریخت، در نیویورک ساکن شد و در ۱۹۴۳ تابعیت این کشور را کسب کرد.

کیسینجر در دوره ریچارد نیکسون به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا مشغول به کار شد و پس از پایان دوره نیکسون به خاطر رسوایی انتزاعیت در همان سمت با جرالد فورد به همکاری ادامه داد. از وی به عنوان یکی از استراتژیست‌های ارشد آمریکا نام می‌برند.

لبنان سخنرانی کرد و گفت: انقلاب اسلامی ایران به دست روحانیت آغاز شد، شکستش هم باید به دست روحانیت باشد.

حدود ۳۶ سال از جمهوری اسلامی گذشته، در هر فتنه اساسی که علیه جمهوری اسلامی شده، روحانیت را می‌بینیم! شباهات فکری که بعضی از عمامه به سرهای منحرف در اذهان مردم ایجاد کرده‌اند، شاید کت و شلواری‌ها نکرده باشند.

آخوند بگوید: قرآن و روایات را زیر و رو کردم چیزی درباره وقف ندیدم!

یا بگوید: خمس در زمان غیبت بخشیده شده است!

یا بگوید: قمه زنی مایه عزت اسلام است!

یا بگوید: اگر خلفا را لعن نکنید، شما مسلمان نیستید!

ظلم را به خدا نسبت ندهید، ظلم را قبل از اینکه به دیگران نسبت بدهید، به خودتان نسبت بدهید؛ **فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ**<sup>۱</sup> اینجا یک سؤال پیش می‌آید؛ آیا ظلمی که به اهل بیت(ع) شد، این‌ها به کسی ظلم کرده بودند؟ خیر؛ نمی‌گوییم هر کس از طرف دیگران به او ظلم شده، حتّماً خودش از قبل ظلم کرده است. ولی از این طرف صحیح است که اگر تو به دیگران ظلم کنی، حتّماً به تو ظلم می‌شود. اگر فردی در ظلمی که به او می‌شود مقصراً نیست، خداوند حامی او می‌شود و در برابر ظلمی که به او شده است اجر و پاداش عنایت می‌کند.

۱- سوره شوری، آیه ۳۰

ر.ک: سوره آل عمران، آیه ۱۸۲ و سوره انفال، آیه ۵۹: **ذلِكَ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ**; سوره غافر، آیه ۱۷: **الْيَوْمَ تُجْزَى** **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ**; سوره جاثیه، آیه ۲۲: ... وَ**لِجُزْيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ**; سوره مدثر، آیه ۳۸: **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ وَ...**

## وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُشْتَمَ فَلَا يَشْتِمْ<sup>۱</sup>

هر کس دیگری را بر مشکلی شماتت کند، نمی‌میرد تا نسبت به همان مشکل مورد شماتت قرار گیرد. دیگران را سرزنش نکنیم و نیش نزنیم، نگوییم چون این‌ها نصیحت ما را گوش نکردند، مبتلا شدند. حال که مبتلا شده، نیش بزنیم و بگوییم چون به حرف ما گوش نکردی، این‌هم نیتجه‌اش. بلکه بگوییم: حالا بیا استغفار کن، إن شاء الله خدا کمکت می‌کند.

شماتت کار دشمن است برای اذیت کردن دوستان خدا. فَلَا تُشْمِتْ بِالْأَعْدَاءِ<sup>۲</sup>

## مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُذَلَّ فَلَا يُذَلِّ<sup>۳</sup>

هر کس می‌خواهد ذلیل نشود، کسی را ذلیل نکند. خداوند مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی آقا شیخ جواد تبریزی را رحمت کند، ایشان می‌فرمودند: خودم از رادیو عراق شنیدم که صدام می‌گفت: همه می‌خواهند خمینی هلاک شود و من می‌خواهم خمینی را ذلیل کنم. بعد می‌فرمود: اما خدا این طور اراده کرد و همه این دنیا دیدند که صدام با نهایت ذلت از دنیا رفت، ولی امام رحمه‌الله علیه بزرگوار با نهایت عزت از دنیا رفت. بزید خواست اهل بیت علیهم السلام را ذلیل کند، خودش ذلیل شد. بنی‌امیه و بنی‌العباس خواستند اهل بیت علیهم السلام را ذلیل کنند، خودشان ذلیل شدند. شاه و طاغوت می-

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

۲- سورة اعراف آیه ۱۵۰

۳- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

خواست علماء، مرجعیت و امام رحمه الله عليه را ذلیل کند، خودش با آن ذلت رفت. هر کسی می خواهد کسی را ذلیل کند، خدا ذلیلش می کند.

**وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَمِسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَيَقُولْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِهِ اللَّهُ<sup>۱</sup>**

هر کس می خواهد در دنیا و آخرت به ریسمان نجات بخش، دست آویزد، باید به ولایت الهیه چنگ زند.

### خلاصه درب پنجم بهشت

بر اساس قانون عمل و عکس العمل:

الف. کسی که می خواهد مورد ظلم قرار نگیرد، ظلم نکند.

ب. کسی که می خواهد مورد شماتت قرار نگیرد، شماتت نکند.

ج. کسی که می خواهد ذلیل نشود، دیگران را کوچک و خوار نکند.

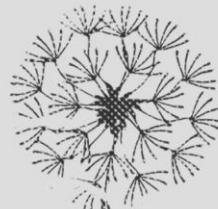
د. کسی که می خواهد در دنیا و آخرت به ریسمان محکم چنگ بزند، باید به ولایت الهیه معتقد و پایبند باشد.

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# دربِ اللہم بھشت



## درب ششم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ  
 مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ قَبْرًهُ وَسِيعًا فَسِيَحًا فَلِيَكُنْ الْمَسَاجِدُ  
 وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدَّيْدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلِيَكُنْ الْمَسَاجِدُ  
 وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ طَرِيًّا مُطْرِيًّا لَا يَبْلُى فَلِيَكُنْ الْمَسَاجِدُ  
 وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرِيَ مَوْضِعَهُ فِي الْجَنَّةِ فَلِيَكُنْ الْمَسَاجِدُ بِالْبُسْطَ<sup>۱</sup>  
 درب ششم، رابطه مسجد را با خانه قبر که اولین خانه آخرتی ماست بیان می کند.  
 وجود نازنین پیامبر اکرم صل الله عليه وآله وسلم می فرماید: إذا مات أحدكم فقد قاتلت قيامته ،

۱- همان<sup>۸</sup> ص ۱۴۴ و ۱۴۵

۲- كنز العمال، ج ۲۷۴۸، ح ۴۲۱۳: رسول الله صل الله عليه وآله وسلم: إذا مات أحدكم فقد قاتلت قيامته، يرى ما له من حب و شر . ساعه.

رك: همان، ۴۲۱۳: عنه صل الله عليه وآله وسلم إذا مات أحدكم فقد قاتلت قيامته، يرى ما له من حب و شر .  
 مجموعة ورام، ج ۱، ص ۲۸۰: عنه صل الله عليه وآله وسلم: أنا النذير، والموت المنير، وال ساعه الموعده .  
 الكافي (ط - الإسلامية) ج ۳ ص ۲۵۷، كتاب الحثاب، باب التوايز، ح ۲۷: عنه صل الله عليه وآله وسلم: الموت الموت ! ألا و لا بد من الموت ، جاء الموت بما فيه ، جاء بالروح والرآفة والكره المباركة إلى جنة عاليه لأهل دار الخلود ، الذين كان لهم سعيهم و فيها رغبتهم . وجاء الموت بما فيه بالشقاوة والدشامة وبالكره الخاسرة إلى نار حامية لأهل دار العرور ، الذين كان لهم سعيهم و فيها رغبتهم .  
 تفسیر نمونه، ج ۸۳، ص ۸

قیامت انسان با مرگ آغاز می‌شود و خانه قبر اولین منزلگاه انسان در عالم آخر است.

## مقدمه اول: مسجد و عالم غیب

دو عالم داریم: عالم عین و عالم غیب. یعنی دو لایه در این عالم وجود دارد: لایه عینی و لایه غیبی.<sup>۱</sup>

لایه عینی عالم، به وسیله حواس ظاهری ما قابل درک است. آنچه که ما را به لایه عینی می‌رساند علم و تجربه است، آنچه از علم و تجربه هست را در مدرسه آموزش می‌دهند. مدرسه به عنوان بخشی از حیات و زندگی دنیایی مردم جا افتاده است، لذا می‌بینید انجمن اولیای دانش آموزان راه می‌اندازند. چون هدف شان این است که رابطه خانه را با مدرسه تنظیم کنند. همه مردم این حقیقت را به خوبی درک کرده‌اند که باید با پایگاه مدرسه رابطه برقرار کنند و اگر رابطه برقرار کردند به عنوان بخشی از زندگی شان به فرمول‌ها و قواعد زندگی مادی دست پیدا می‌کنند.

بنابراین اگر پایگاه فهم عالم عین، مدرسه و دانشگاه است، پایگاه فهم عالم غیب، مسجد است. در متون دینی ما چه آیات و چه روایات و... در باب مسجد موضوعات زیادی را مشاهده می‌کنید؛ اهمیت و ضرورت مسجد، رابطه مؤمن با مسجد، آداب مسجد، برکات مسجد و... مخصوصاً با گذشت ۳۶ سال از انقلاب اسلامی، اهمیت و جایگاه مسجد قبل ستایش است. به عنوان مثال حدود ۹۰ درصد آنها بی که اهل جبهه بودند، اهل مسجد بودند. حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد افرادی که الان در زندان هستند، اهل مسجد نبودند.

۱- ر.ک: تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۴ و تفاسیر دیگر ذیل آیه الذین يؤمنون بالغیث بقره/۸.

مقدمه قیصری بر فصوص الحكم ص ۴۷-۴۹؛ مصباح الانس، ص ۱۰۲

هر کس فرمول‌های عالم غیب را بلد نباشد، در فرهنگ دین ما به او بی معرفت می‌گویند و هر کس بلد باشد به او با معرفت می‌گویند، خداوند متعال در سوره زمر می‌فرماید:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

يا در آیه ای دیگر می فرماید؛

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ

اینجا هر کس سواد و معرفت ندارد به او کور گفته می شود.

وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ ؛ يَا وَمَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِيٍّ فَإِنَّ  
لَهُ مَعِيشَةً ضَنَكاً وَ تَحْسِرُهُ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ

۱- زمر، آیه ۹۶.

ر.ک: نمل، آیه ۱۶؛ وَرَثَ سَلَيْمانُ دَاؤِدَ وَ قَالَ يَا أَبَيَا النَّاسِ عَلَمْنَا مُنْطَلِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ  
تفیق المقال، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۷: امام صادق علیه السلام در شان ابالغ فضل علیه السلام می فرماید: کان عمنا العباس نافذ البصیره صلب  
الایمان

عيون الحكم و الموعظ (للبشی)، ص ۱۱۸، ح ۲۶۳۸: أَفْضَلُ الْمَهْرَفَةِ مَهْرَفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ.

۲- انعام، آیه ۵۰؛ رعد، آیه ۱۶.

۳- اسراء، آیه ۷۷.

۴- منظور از «ذکری» حقایق عالم غیب است که بالاترین حقیقت و لایت الهیه است.

۵- طه، آیه ۱۲۴.

ر.ک: رعد، آیه ۱۹؛ طه، آیه ۱۲۵؛ محمد، آیه ۲۳.

قالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

خدایا ما در عالم چشم داشتیم، چرا این جا کور هستیم؟ می گویند: چشم ظاهر داشتی ولی چشم باطن نداشتی.

همچنان که نسبت به مدرسه دنیا گفته می شود، اگر کسی با سواد باشد وضعش مناسب تر، زندگی اش مرتب تر و برکات زندگی اش بیشتر است؛ نسبت به زندگی اخروی مان هم می گوییم هر کس با معرفت تر باشد، عاقبتش زیباتر است. بحث اول که از بخش اول حدیث نورانی معراج استفاده می شود، مهمترین فاعده سبک زندگی اسلامی است که پایگاه سواد آموزی معرفت دینی و پایگاه یاد گرفتن قواعد عالم غیب، مسجد است و منبع اش قرآن و عترت می باشد.

ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُنَى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...<sup>۱</sup>

این سه اصل مهم را به خاطر بسپارید: مسجد، قرآن و ولایت. هر کس می خواهد فرمول های عالم غیب و فرمول های معرفتی را در زندگی اش یاد بگیرد به طور قطع باید با این مثلث ارتباط داشته باشد.

راهکاری برای مبلغین:

مسجد از باب اینکه خانه خداست، در واقع پایگاه آخرتی است. بیاییم همچنان که بعضی ها خانه ی دنیايشان را قسطی تهیه می کنند، خانه آخرت را قسطی تهیه بکنیم. برای قسطی تهیه کردن کجا برویم پس انداز کنیم؟ در مسجد. لذا از بهترین راه هایی که به ما یاد دادند این است که برای آبادانی مسجد، ماهانه و قسطی کمک کنیم، همین اتفاق قشنگی که در اکثر مساجد می افتاد، ماهانه مؤمنین و مؤمنات مخارج مسجد را تامین می کنند. این از ناحیه مبلغین باید برای مردم جا بیافتد که این

۱- بقره، آیه ۳ و ۲۳

قسط خانه آخرت شماست و در این مؤسسه مالی اعتباری خداوند باری تعالی پس انداز می شود.

### مقدمه دوم: چند نکته در مورد مسجد

الف: مسجد پایگاه کسب معارف و سواد آموزی معارف آخرتی و عالم غیب<sup>۱</sup> است و قطعاً همچنان که در جامعه همه برای ارتباط با مدرسه تشویق می شوند؛ همه باید برای ارتباط با مسجد تشویق شوند.

ب: مسجد محل پس انداز قسط های خانه آخرت است و از طریق مسجد می توان به تمام امور و خیرات آخرتی برسیم.

ج: در معارف ما مسجد پایگاه مباحث اجتماعی دینی است، یعنی اگر کار اقتصادی و خیراتی می خواهد بشود با محوریت مسجد باشد. خیرات اقتصادی مسجد، خیرات فرهنگی مسجد، خیرات بهداشتی مسجد و خیرات دیگری که می توان طراحی کرد. حتی پایگاه نشاط آفرینی و همه آموزش های زندگی در مسجد باشد.

د: از حدیث معراج اینگونه فهمیده می شود که در سبک زندگی اسلامی، مسجد بخش مهمی از زندگی مسلمانان است. حال هم ساختن آن، هم نگه داشتن آن، هم تمیز کردن و مهیا کردن آن و همه اموری که مربوط به مسجد است به عنوان بخشی از هزینه های جاری مسلمان ها باید مورد توجه آنها قرار بگیرد.

۱- که مصدق غیب در قرآن سه چیز است: خدا، قیامت و فتنه شیطان (أَنْقُوا اللَّهَ بِقَرْهٖ /۴۸ وَ أَنْقُوا يَوْمًا بِقَرْهٖ /۸۹ وَ أَنْقُوا فِتْنَةَ النَّفَلِ /۲۵) همه انتقا های قرآن از این سه تا بیشتر نیست.

## شرح حدیث :

منْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ قَبِيرَهُ وَسَيِّعًا فَسَيِّحًا، اَنْجَرَ اَنْ مَا بِپَرْسِندِ: خَانَهُ كُوچَكَ مِی خَواهِیدِ يَا خَانَهُ بَزَرَگَ؟ هَمَهُ مَا تَقَاضَى خَانَهُ بَزَرَگَ دَارِیم. نَمَی دَانِمْ چَرا تَوقُعَاتُ مَا اَزْ خَدَا حَدَاشِتَرِی وَ اَنْجَامِ تَكَالِیفِ مَا حَدَاقِلِی اَسْت. وَقْتَيْ تَوقُعَاتُ مَا اَزْ خَدَا حَدَاكِشِتَرِی اَسْت وَ اَزْ خَدَا بَزَرَگَتَرِینِ وَ بَهْتَرِینِ خَانَهُ، بَهْتَرِینِ هَمْسَرِ، بَهْتَرِینِ بَچَهِ، بَهْتَرِینِ شَغْلِ، بَهْتَرِینِ رِزْقِ وَ رُوزِیْ رَمَیْ خَواهِیمِ، يَا بَدَانِیم کَهْ خَداوَنَدْ نَبِیْزِ درْ مَقَابِلِ فَرَمَودَهُ: مِنْ اَزْ شَما بَهْتَرِینِ هَا رَمَیْ خَواهِمْ لِیَبْلُوكُمْ اِیْکُمْ اَحْسَنُ عَمَلاً، اَزْ شَما بَهْتَرِینِ نِیَتِ، بَهْتَرِینِ عَمَلِ، بَهْتَرِینِ اَحْسَاسِ رَمَیْ خَواهِمْ.

می‌گوید: هر کس دوست دارد قیرش و سیع، فصیح، بزرگ و دلباز باشد، باید مسجد سازی کند. یعنی تو برای خدا اینجا خانه بزرگ بساز، تا خدا هم آنچا برای تو خانه بزرگ بسازد. این را خیلی زیبا می‌توان با ضرب المثل «کاسه رود جایی که قدر باز آید» برای مردم بیان کرد.<sup>۳</sup>

## ۱- همان.

۲- هود، آیه ۷؛ ملک، آیه ۲.

ك: كهف، آية ١٧: لَيَنْلُوْهُمْ أَيُّهُمْ أَخْسَنُ عَمَلاً؛ كهف، ١١٠: فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا.

-۳- ر.ک: آیات و دوایات بی‌امون، ساخت مسجد:

نوبية، آية ۱۸ و ۱۰۹؛ عوالي الثنائي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ۲، ص ۳۱ و ۳۲، و قال النبي ﷺ: حصل الله عليه وآله وسلم من بيته مسجداً ولو كتمَّ شخصٌ قطاعاً بيته الله له بيته في الجنة: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۳۶۸، كتاب الصنائع، باب بناء المساجد و ... ح: قال سمعت أم عبد الله يقول من بيته مسجداً بيته الله له بيته في الجنة:

معرفی چند کتاب پیرامون مسجد:

بین مسجد- کارکردهای مسجد نویسنده: محمد علی موظف (ستمی)

حایگاه مساحد در فنگ اسلام، نه سندۀ علم، دضائی

## بانی مسجد :

بنده با اینکه مساجد یک بانی داشته باشد یا اینکه یکی از خارج کشور بباید و یک مسجد بسازد و برود، موافق نیستم. فرهنگ اسلامی می‌گوید: اگر مسجد در بین هزار خانه است، هزار خانه باید باور کنند که هر کدام به اندازه یک متر متولی این مسجد هستند و از ساخت تا نگهداری، هزینه اش را بدھند. هم تضمین سلامت حیات زندگی دنیابی شان است و هم خانه آخرتشان را آباد نگاه داشته اند و هم مقداری از دین خودشان به دین و خدا را ادا کرده اند.

باید با همین روایت برای مسئولین و مردم جا بیاندازیم که اگر کس دیگری آمد و برای ما مسجد ساخت و ما مستأجر او بودیم، در واقع خدا هم روز قیامت می‌گوید: من به او خانه می‌دهم و شما بروید مستأجرش بشوید. چطور است؟ قطعاً نمی‌پسندیم. در خیلی از محله‌ها که می‌رویم، مسجد ندارند. می‌گوییم این محله درویست خانوار است، هر کدام تان بباید به اندازه یک متر خانه آخرتی تان را برای خودتان و خیرات آباء و اجدادتان سرمایه گذاری کنید. شاید مردم می‌گویند خرج این مسجد زیاد است، ما نداریم بدھیم و خودمان مستضعف هستیم. ولی با نگاهی که

---

ثواب نماز در مسجد نویسنده عباس عزیزی

خانواده، مسجد و نماز مجتبی فرهنگیان نویسنده علی اکبر گندمکار

داستان‌ها و حکایت‌های مسجد نویسنده غلامرضا نیشاپوری

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی نویسنده عباس برومند اعلم

سیمای مسجد در قرآن: دفتر مطالعات امور مساجد

فرهنگ نماز نویسنده محمدبن شاهمرتضی فیض کاشانی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد: دفتر مطالعات و پژوهش‌ها

عرض کردم؛ مسجد یعنی محل پرداخت قسط های خانه آخرت و عواید دنیایی و آخرتی اش بیشمار و بی حد و اندازه است.

با جمعی محضر حضرت آقا رفته بودیم، این جمع نامه ای را به حضرت آقا دادند که ما مسجدی را در منطقه خودمان داریم آباد می کنیم، شما کمک جدی بفرمایید. آقا همانجا به آن جمع رو کردند و فرمودند: در فرهنگ اسلامی مسجد باید به دست خود مردم ساخته شود. خرج دین را باید خود مردم بدھند، حکومت هم توفیقی داشته باشد، یک نخودی در آش تان بیاندازد. لذا شما الان می دانید بنای حضرت آقا و خیلی از مراجع این است که به ساختن مسجد کمک نکنند. نه از باب اینکه خدایی نکرده مسجد مهم نیست بلکه از باب اینکه مردم باور کنند، همان طور که خانه دنیایی شان را خشت خشت ساختند، خانه آخرتی شان را هم خشت خشت بسازند و بالا ببرند. خیلی هم شیرین، لذت بخش و مفید است، پس هر کس دوست دارد خانه وسیع و فضیحی در آخرت داشته باشد، مسجد سازی بکند.

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تَأْكُلُهُ الدِّيَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ؟<sup>۱</sup> هر کس می خواهد خانه آخرتش موریانه و موجودات زیرزمینی نداشته باشد، «فَلَيَسْكُنُ الْمَسَاجِدِ»<sup>۲</sup>. هر کس می خواهد که در خانه آخرت سلامت داشته باشد، ساکن مسجد شود. آبادانی مسجد به لوسترها و سنگ گرانیتش نیست، بلکه به افرادش است. حتی یک نفر که می خواهد خانه ای برای اجاره بازدید کند، می گویند اگر کسی ساکن باشد خانه زیبا تر به چشم می آید، وقتی خانه خالی است، حالت عجیبی دارد. خانه با ساکنانش روح دارد و مسجد هم با نماز خوان هایش.

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۸۳، ح ۶۷.

۲- همان.

شما می‌دانید مساجدی در فرهنگ اسلامی مسجد ایده آل است که هر وعده سه بار پُر شود و خالی بشود و در آن نماز جماعت بخوانند. یکی از عواملی که در فرهنگ اسلامی اجازه می‌دهند یک مسجد در نزدیکی مسجد دیگری ساخته شود، این است که در مسجد قبلی در هر وعده نماز، سه بار مردم پشت در می‌ایستند، مسجد خالی می‌شود و پر می‌شود، مردم می‌ترسند نمازشان از اول وقت تا خیر بیفتد. الان در بعضی از شهرهای ما با فاصله ۵۰ متری مساجدی وسیع داریم که مشتری هایش کم است، در این روایت می‌فرمایید: اصلاً روح مسجد به ساکنین مسجد است. هر کس می‌خواهد خانه آخرتش بی روح نباشد و در عالم بر سلامت از کرم‌ها و موجودات زیر زمین باشد، ساکن مسجد شود. گفته بزرگان است که رابطه مؤمن با مسجد مثل رابطه ماهی با دریا است.<sup>۱</sup>

وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ طَرِيًّا مُطْرِيًّا لَا يَلِئَ فَلَيَكُنْسِ الْمَسَاجِدُ؛ هر کس دوست دارد بدنش تازه باشد و نیوسد، مساجد را تمیز کند.

یک پیشنهاد:

برخی اعتراض می‌کنند، فرش‌های مسجد خیلی بدبو شده، تا سرمان را برای سجده روی زمین می‌گذاریم، سریع باید برداریم، چون می‌ترسیم از بوی پاها بیهوش بشویم. یک پیشنهاد خیلی ساده را اینجا مطرح می‌کنم؛ شستن فرش‌های مسجد ممکن است سخت باشد، ولی پارچه‌ی رو فرشی را شستن خیلی سخت نیست. برای همه فرش‌ها،

۱- فالمؤمن في المسجد كالسمك في الماء، أما غير المؤمن من المسجد فهو كالصفور في القفص لشدة تضائقه. "كتف الخفاء"، تأليف علوبني از علمای حدیث اهل سنت، ج ۲، ص ۳۹۵: این حدیث نیست، اگر چه معروف به حدیث شده است؛ بلکه شاید کلام بعضی از علماء باشد.

در شرح سنن ترمذی نیز این سخن بدون انتساب به شخص خاصی نقل شده است. ("تحفه الاحوذی"، ج ۷، ص ۵۸)

۲- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۴۳، ح ۶۷

روفرشی سفید و تمیز درست کنند و ماهی یک بار نمازگزاران این روفرشی ها را به صورت نوبتی خانه ببرند و بشوینند. خانه های خودمان را اگر سالی چند بار تمیز می کنیم، خانه آخرت مان را هم چند بار تمیز کنیم.  
پیشنهاد دیگر:

خدمان مساجد در حال حاضر بیشتر مأمور نگهداری مسجد هستند. اما اگر خادم را کارمند مسجد کنند. مثلاً صحیح تا بعد از ظهر بباید، ولی واقعاً در این چند ساعت، مسجد را تمیز نگه دارد یا با کمک خادمان افتخاری<sup>۱</sup> مسجد این کار را انجام دهد، خدمات و اوضاع بهتری در مساجد شاهد خواهیم بود.  
بنابراین سلامت جسم ما در عالم قبر، به این است که ما تطهیر و تمیزی مسجد را در نظر داشته باشیم. این ها همه کنایه از این است که مسجد را خانه خودمان بدانیم و مسجد را بخشی از زندگی خودمان قرار دهیم.<sup>۲</sup>

۱ - مساجد هم می توانند خادمان افتخاری هم داشته باشند، اگر حرم امام رضاعلیه السلام مردم صف کشیدند تا خادم بشوند؛ آنچه حرم ولی خداست، مسجد خانه خود خداست.

۲- رک: فضائل و برکات رفتن به مسجد:

علی اللہ العزیزیہ فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۹۷: مَا جَاءَ قَوْمٌ فِی مَسْجِدٍ يَنْلُوْنَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَنْتَارُوْنَهُ بَیْنَهُمْ إِلَّا نَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السُّكِينَیَّةُ وَ حَقَّتْهُمُ الْمَلَائِکَةُ وَ مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ أَمْ يُسَرِّعَ [يُسْرُعَ] بِهِ تَسْبِیْهُ.  
الأمالی (للسدوی)، النص، ص ۳۹۰، المجلس الحادی و السنون، ح ۱۶: عَنْ عَلَیِّ عَنْ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصْبَابُ إِذْنِي  
الثَّمَانِي أَخَا مُسْتَقَادًا فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرِفًا أَوْ أَيَّهُ مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُسْتَقْرَرَةً أَوْ كَلْمَةً تَرَدَّهُ عَنْ رَدَّهُ أَوْ يَسْمَعَ كَلْمَةً تَنَاهَى عَنْ هُدَىٰ أَوْ  
يَتُرُكَ تَنَاهِيَّهُ أَوْ خَيَا.

مستدرک الوسائل و مستبیط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْمَسَاجِدُ بَيْوَاتُ الْمُتَّقِيْنَ وَ مَنْ كَانَ  
الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ صَمَنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحَ وَ الرَّاحَةِ وَ الْجَوَارِ عَلَى الصَّرَاطِ.

وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرَى مَوْضِعَهُ فِي الْجَنَّةِ فَلَيُكْسِرُ الْمَسَاجِدَ بِأَبْسُطِهِ<sup>۱</sup>؛  
 این روایت را شنیدید که بعضی از قبرها «روضه من ریاض الجنّه»<sup>۲</sup> و بعضی از قبرها  
 حُفْرَه من حُفَرِ النَّبِيَّان<sup>۳</sup>، از این روایت معلوم می شود که از خانه قبر، جایگاه جهنم و  
 بهشت را می توانیم بینیم. می فرماید: هر کس می خواهد جایگاه خودش را ببیند و  
 در موقعیت خوبی در بهشت باشد، باید در باب پوشش و توسعه مسجد تلاش بیشتری  
 بکند.

### خلاصه درب ششم بهشت:

مسجد و عالم غیب: مساجد در دنیا مانند خانه های بهشتی در آخرت هستند.  
 لازم است رابطه مسجد و خانه را به خوبی تنظیم کنیم.  
 می توانیم با بانی شدن قسمت کوچکی از مسجد برای آخرتمان قدم بزرگی برداریم.  
 راهکارهایی برای مبلغین در مورد ساخت و نگهداری مساجد.

المحاسن، ج ۱، ص ۴۸، ح ۶۶ عن عَمَّيرٍ الْمَأْمُونِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَنْ حَدِيثِ عَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ تَعَمَّلْ فَالَّرَبُّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَدْمَنَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصْبَابَ الْحَجَّالَ الْمَأْمَنَةَ أَيْهَا مُحَمَّمَةُ أَوْ فَرِيقَةُ مُسْتَعْمَلَةُ أَوْ سَنَةُ قَائِمَةُ أَوْ عِلْمُ مُسْتَطَرَّفَ أَوْ مُسْتَفَادَ أَوْ كَلِمةُ تَدَلُّلَهُ عَلَى هَذِهِ أَوْ تَرْدَدَهُ عَنْ رَدِّهِ وَ تَرْكُهُ الْأَنْتَبَ خَشِينَةً أَوْ حِيَاءً وَ فِي رواية إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْخَمِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ مَنْ أَقَامَ فِي مَسْجِدٍ بَمَدَنِ صَلَاتِيهِ اتَّبَاعَهُ الصَّلَاةَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْقَهُ.

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۹۴: وَ قَالَ عَلَيْنِ نُبُلُ الْحُسَيْنِ عَ إِنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَهُ مِنْ حُفَرِ النَّبِيَّانِ.

۳- ر.ک: الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۷۰: وَ قُلْ إِذَا نَظَرْتَ إِلَى الْقَبْرِ اللَّهُمَّ اجْتَهْنَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ أَتَجْهَنْهُ حُفْرَهُ مِنْ حُفَرِ النَّبِيَّانِ . همان.

نمونه هایی از کارکردهای مسجد (محل آموزش، فعالیت های اجتماعی و ...)

جملات درب هفتم بهشت:

۱. قبر وسیع در مقابل بنای مسجد

۲. اسکان در مساجد موجب سلامت جسم در قبر

۳. تمیز نگهداری مساجد موجب طراوت

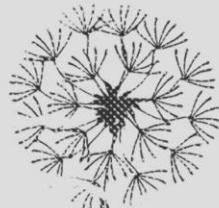
۴. دیدن مقام و جایگاه در بهشت در گرو رسانیدگی به پوشش مسجد

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب هفتم بهشت



## درب هفتم بهشت:

وَعَلَى الْبَابِ السَّابِعِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَلَى اللَّهِ،

بَيْاضُ الْقُلُبِ فِي أَرْبَعِ خِصَالٍ:

عِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعِ الْجَاهِزِ وَشِرَاءِ الْأَكْفَانِ وَرَدَّ الْقَرْضِ<sup>۱</sup>

### عوامل روشنایی قلب:

۱. عیادت از مریض؛
۲. تشییع جنازه؛
۳. خرید کفن؛
۴. رد قرض.

اگر می‌خواهید قلبتان نمیرد و در استفاده از نعمتها دچار غفلت نشوید، این چهار خصلت را مدد نظر داشته باشید.

پرسش از نعمتها در روز قیامت:

۱. از کمیت: شأن خداوند متعال اجل از این است.
۲. از کیفیت: ترجمان واقعی خیلی از آیات است.

۱. همان.

خداؤند متعال میفرماید : لتسئلنَ يوْمَئِنْ عن النَّعِيمِ؛ روز قیامت از نعمت‌ها سؤال می‌شود در ذیل این آیه روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است به اینکه سؤالی را که خداوند در روز قیامت از نعمت‌ها می‌پرسد چیست؟ فرمودند : یک سوال است ؟ می‌پرسند : آیا از نعمت‌هایی که به شما دادیم، در مسیر بندگی خدا و با استفاده از هدایت ولايت استفاده کردید یا خیر؟

### خصوصیات ولایت به عنوان هادی نعمت‌ها:

۱. ولایت، نور است.

و نور ولایت، استفاده از نعمت‌ها را برای ما روشن می‌کند.

الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ،<sup>۲</sup>

۲. ولایت امنیت بخش است

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ،<sup>۳</sup> توحید قلعه مستحکم است.

۳. ولایت موتور بندگی است

: وَ لَقَدْ بَعْثَنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَبَيْوَا الطَّاغُوتَ ، همه پیامبران آمده‌اند که ما را بnde خدا کنند. اسباب بندگی هم نعمت‌های مادی و معنوی است؛ راهنمای همان ولایت است . غفلت باعث مرگ قلب می‌شود.

۱ . ذکر علی بن ابراهیم رحمه الله في تفسیره قال: أَ وَ مَنْ كَانَ مِنَ الْمُجْنَفِينَ أَنْ هَدَيْنَاهُ وَ جَنَّلَنَا لَهُ نُورًا يُمْسِي بِهِ فِي النَّاسِ قال نور

الولایه تأویل الآیات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۷۳؛ رک: تفسیر القمی، ص ۲۱۵.

۲. الماندنه

۳ . الأَمَانِي (للصدوق)، النص، ص ۲۳۵.

۴ . التحلیل: ۳۶

## ۱. عیادت مریض

چگونه عیادت مریض باعث حیات و نرمش قلب می‌شود:

۱ - بواسطه شکر گذاری نعمت سلامتی

در روایات آمده است: بالاترین نعمت‌ها نعمت عافیت است؛<sup>۱</sup> تا به دیدن مریض نروید از عافیت مطلع نخواهید شد و غفلت‌تان نسبت به عافیت برطرف نخواهد شد.

۲ - بواسطه مهربانی والفت با مریض

۳ - شادمانی قلب مریض

## ۲. تشییع جنازه:

تشییع جنازه بواسطه اینکه ما را به نعمت حیات متذکر می‌شود باعث نرمش و روشنایی قلب است. نعمت حیاتی که نمی‌دانم آن را چه موقع از من می‌گیرند. قرآن می‌فرماید: إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ وَ بِهِ تَعْبِيرِي قبرها اناق مصاحبه است. از مردگان سوال می‌شود: من ربک؟ من نبیک؟ من امامک؟<sup>۲</sup> یاد آوری این مراحل حیات قلب را به دنبال دارد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَغْمَدُنَانِ الْأَمْنَ وَ الْعَافِيَةَ رُوْضَةُ الْوَاعِظِينَ وَ بَصِيرَةُ الْمُتَعَظِّينَ (ط.القديمة)، ج. ۲، ص: ۴۷۲.

۲. یونس: ۴۶.

۳. يَقَالُ لِمُؤْمِنٍ فِي قَبْرِهِ مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ يَقَالُ لَهُ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ إِسْلَامٌ فَيَقَالُ مَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقَالُ مَنْ أَمَامُكَ فَيَقُولُ عَلَيَّ عَفْيَالٌ كَيْفَ عَلِيَّتِي بِذِلِّكَ فَيَقُولُ أَمْرٌ هَذَا اللَّهُ لَهُ وَ تَبَشَّرَتْ عَلَيْهِ... الرَّهْدُ، النَّصُ، ص: ۸۷.

بنابراین تذکر نعمت حیات، قلب من را زنده می‌کند. سؤال: منعم این نعمت کیست؟ پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآل‌ه وسلم سحرگاه که از خواب بیدار می‌شدن، اوین کاری که می‌کردد سجده شکر بود. می‌فرمود: خدایا، تو را شکر می‌کنم که یک بار دیگر به من اجازه حیات دادی.<sup>۱</sup>

امام صادق عليه السلام در تعبیر عجیبی می‌فرمایند:

لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقِينًا لَا شَكَ فِيهِ أَشْبَهَ بِشَكَ لَا يَقِينَ فِيهِ مِنَ الْمَوْتِ

یقینی ترین و مشکوک ترین چیزها در زندگی انسان مرگ است<sup>۲</sup>

در زمان امیرالمؤمنین عليه السلام عده‌ای در تشییع جنازه‌ای شرکت کرده بودند و بلندبلند می‌خندیدند. در این هنگام حضرت امیر عليه السلام به آنها تشریف زدن و فرمودند: چه خبر است؟! آیا گمان می‌کنید که این شخصی که در تابوت است، مسافر بوده و چند روز دیگر از سفر بر می‌گردد؟ آیا گمان می‌کنید که مرگ برای شما نوشته نشده است؟! این شتری است که درب خانه همه ما می‌خوابد.<sup>۳</sup> در روایت دیگری حضرت

امیر عليه السلام به مرددها می‌فرماید:

أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقُ وَ تَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ

شما چند روز زودتر از ما رفتید و ما چند روز دیگر به شما ملحق می‌شویم.

امام علی عليه السلام درباره مرگ می‌فرماید:

۳. کان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاسَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَخْبَا وَ بِاسْمِكَ أُمُوتُ فَإِذَا قَامَ مِنْ تَوْمِيدِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْيَانَ بَعْدَ مَا أَمَانَنِي وَ إِلَيْهِ الشُّوْرُ. الكافي(ط.الإسلامية) ج ۲، ص ۵۳۹

۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۴

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۸

۴. شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد، ج ۱، ص ۳۲۲

اذْكُرُوا اِنْقِطَاعَ الْلَّذَّاتِ وَبَقَاءَ الْبَعَثَاتِ.<sup>۱</sup>

رسول خدا صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌فرماید:

کَفَىٰ بِالْمُوْتِ وَاعِظًا.<sup>۲</sup>

## آثار یاد مرگ

۱ . دل نبستن به دنیا:

زیرا من می‌دانم که این مرگ می‌خواهد مرا از دنیا جدا کند.

۲ . دل نشکستن:

دل نشکنید. هم دل خلق خدا را نشکنید، هم دل خدا را نشکنید.<sup>۳</sup>

۳ . بار بستن:

هر کس یاد مرگ بیفتند، بارش را می‌بندد. تَرَوَدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرَّازِدِ التَّقْوَى.<sup>۴</sup>

## چگونه یاد مرگ باعث حیات قلب می‌شود :

۱ . معرفت به نعمت حیات؛

۲ . معرفت به منعم نعمت حیات

. معرفت به اینکه نعمت حیات را چگونه استفاده کنم.

۱ . نهج البلاغه (صیحی صالح)، ص ۵۵۳

۲ . مصباح الشریعه، ص ۱۱۳

۳ . دل گفتن در مورد به خدا تعبیر مسامحه‌ای است.

۴ . پقره: ۱۹۷.

## ۳. خریدن کفن:<sup>۱</sup>

شراء الاکفان، همان یاد مرگ است در روایات اسلامی دو نرمش را برای یاد مرگ یاد داده‌اند: یکی «اتباع الجنائز» و دیگری «شراء الاکفان».

به فرزندان مان کفن خریدن و پیچیدن را آموزش بدھیم و یکبار جلوی چشم آنها خود را در کفن بپیچیم . در حاشیه مفاتیح آمده که بعد از نافله نماز صبح، مستحب است ، به صورتی که در قبر می‌خوابید در سجاده بخوابید؛ یعنی به شانه راست و به گونه‌ای که صورت رو به قبله باشد که چند خط دعا هم بعد از آن وارد شده است و بعد از آن هم چند آیه از سوره آل عمران وارد شده است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ.<sup>۲</sup>

این عمل شاید دو سه دقیقه بیشتر طول نکشد؛ ولی تذکرش زیبا است و آدم را تکان می‌دهد؛ زیرا خود را شبیه خوابیدن در قبر می‌کنیم.<sup>۳</sup>

## ۴. رد قرض:

آخرین ورزش قلب «رد القرض» است؛ اما چرا با اینکه این مورد با موارد قبلی به حسب ظاهر سنخیتی ندارد؛ اما در این روایت آمده است؟ در واقع رد ننمودن قرض

۱. بحار الأنوار(ط. بيروت)، ج ۸، ۱۴۵؛ باب ۲۳ الجنة و نعيمها رزقنا الله و سائر المؤمنين حورها و قصورها و حبورها و سرورها ..... ص ۷۱

۲. آل عمران: آیه ۱۹۰.

۳. المقنعة: ص ۱۲۱.

دزدی اعتقاد قرض دهنده و بدنیال ان سایر مردم میباشد ؛ و وقتی اعتقاد کسی را بذدیم قلبمان میمیرد.

### خلاصه درب هفتم بهشت:

عوامل روشنایی قلب:

- عیادت از مریض؛
- تشییع جنازه؛
- خرید کفن؛
- رد قرض.

خصوصیات ولایت به عنوان هادی نعمت‌ها:

- ولایت، نور است
- ولایت امنیت بخش است
- ولایت موتور بندگی است

چگونه عیادت مریض باعث حیات و نرمش قلب میشود :

- بواسطه شکر گذاری نعمت سلامتی
- بواسطه مهریانی والفت با مریض
- شادمانی قلب مریض

آثار یاد مرگ:

- دل نبیستن به دنیا
- دل نشکستن
- بار بستن

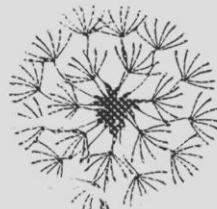
# خاطرات سفر آسمانی



فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج



# دربِ هشتم بهشت



## در ب هشتم بهشت:

وَ عَلَى الْبَابِ الثَّامِنِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِهِ اللَّهُ<sup>۱</sup>

مَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ مِنْ هَذِهِ الْأَبْوَابِ ، فَلَيَتَمَسَّكْ بِأَرْبَعِ خِصَالِ

السَّخَاءِ؛ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ؛ وَ الصَّدَقَةِ وَ الْكَفَّ عَنْ أَذَى عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى<sup>۲</sup>

ریشه این چهار خصلت:

ریشه این چهار خصلت، حب ذات است. حب ذات ریشه صفات حمیده است. یعنی اگر من واقعاً و به حقیقت خودم را دوست دارم به این چهار طریق می توانم به خودم احسان کنم.

خصلت سخاوت؛ خداوند می فرماید:

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ<sup>۴</sup>

هر کس شاکر نعمت های خدا باشد، خدا هم خودش را زیاد می کند<sup>۵</sup> و هم نعمتش را.

۱ - بخار الانوار، ج<sup>۸</sup>، ص<sup>۱۳۴</sup>، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب<sup>۲۳</sup>، ح<sup>۶۷</sup>

۲ - بخار الانوار، ج<sup>۸</sup>، ص<sup>۱۴۴</sup>، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب<sup>۲۳</sup>، ح<sup>۶۷</sup>

۳ - بخار الانوار، ج<sup>۸</sup>، ص<sup>۱۴۴</sup>، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب<sup>۲۳</sup>، ح<sup>۶۷</sup>

۴ - ابراهیم : ۷

۵ - خودمان را زیاد می کند یعنی ظرفیت ما را بالا می برد

الْمَالُ مَالٌ وَ الْفُقَرَاءُ عِيَالٌ، الْأَغْنِيَاءُ وَكَائِنٌ<sup>۱</sup>

مال مال من است، ثروتمندان وكلای من هستند، و فقرا عیلات من هستند ثروت برای ما نیست. تا امروز امانت دست ما بوده، و بعد از ما دست دیگران است. ماشین و لباس و خانه را هم با خود نمیتوانیم به آن دنیا ببریم. فردی بالای سر جنازه پدرش نشسته بود و دستش را در دهان پدرش می کرد. به او گفتند چیست؟ چیزی گیر کرده؟ گفت نه، یک دندان طلا دارد، حیف است زیر خاک برود. دندانمان را هم از دهانمان در می آورند. مال برای خداست، ما هم وکیل او هستیم، و او به ما امر فرموده:

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومُ

سخاوت به معنای جود، کرم و جوانمردی است، یعنی حق کرم و بخشش را ادا کردن. یعنی وقتی به کسی چیزی میبخشی حقوق و اصول آن را ادا کنی. حق در اینجا یک کلمه کلیدی است.

### سه حق در اموال ما:

۱- حق الله و حق الرسول صل الله عليه وآله وسلم

خمس و زكات، واجبات مالی، این یک حق است.

۲- حق العیال

اینها واجب النفقة ما هستند. باید در حق اینها کوتاهی نکنیم.

۳- حق محرومین

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌ لِّلصَّابِلِ وَ الْمَحْرُومُ<sup>۱</sup> ،

### سخاوت:

که در هر سه اینهاست. سخاوت را می‌توان در پرداخت خمس مشخص کرد. زمان دفاع مقدس خمس بعضی از بچه‌های جبهه را که حساب می‌کردیم، اگر آن موقع همه اموالش ده هزار تومان بود، می‌گفت دوازده هزار تومان حساب کن، می‌خواهم احتیاط بگیری، خدا به من لطف کرده می‌خواهم من هم کوتاهی نکنم، ولی الان بعضی‌ها می‌گردند دنبال آیت‌الله‌ی که تعاوونی و ارزان‌تر حساب کند.

سخاوت را در حق خانواده هم باید باشد. کسی که برای بچه هایش هدیه بخرد، مردی که خواسته‌های بچه‌های خودش را در حد معقول نه اسراف، برآورده بکند، این رفتار، سخاوتمندانه است، چون بعضی پدرها برای خانواده شان خرج می‌کنند، ولی آنها را زجرکش می‌کنند، این سخاوتمندانه نیست، حق العیال را سخاوتمندانه پرداخت کن، اذیتشان نکن، زجرشان نده، این به مشکل خیلی از خانواده‌ها تبدیل شده‌است. بابا خرج تحصیل بچه را می‌دهد ولی زجرکشش می‌کند. می‌برد بیرون غذا برای بچه‌ها می‌گیرد، ولی زجرکششان می‌کند. دختر دارید، برای دخترتان لباس قشنگ بخرید، پسر دارید اینجوری برایش خوب خرید کنید.

مانند حق خدا و حق خانواده و فقرا و محرومین هم حقی در اموال ما دارند، آنجا هم باید سخاوتمندانه برخورد کرد، چون بعضی‌ها، به محرومین کمک می‌کنند، ولی منت می‌گذارند. خدا پیش بینی کرده، به همین خاطر نهی کرده‌است:

لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنْ وَ الْأَذْي<sup>۱</sup>

یا صرفا برای اینکه بگویند فلانی کمک کرده، ناچیز کمکی هم می کند ولی سخاوت بخرج نمیدهد. آقایی در مشهد، عقب افتادهها و معلولان ذهنی را آورده بود یک رستوران شیک و گفته بود بهترین غذا را برایشان تهیه کنند. به ایشان گفتم: چرا جای ساده‌تری نرفتید؟ گفت: من دیدم اینها نسبت به این رستوران آه حسرت می کشند، گفتم بگذار بیارمیشان، یک دلی از عزا در بیاورند. بگذار لذت ببرند. هیچ اشکالی ندارد. نمی گذارم اسراف شود. گفتم بارک الله. امیرالمؤمنین سخاوتمندانه با قنبر برخورد می کند. دو تا پیراهن خرید. یکی درجه یک، یکی درجه سه، درجه سه را خودش پوشید، درجه یک را داد به غلامش قنبر! یعنی در انفاقت هم سخاوتمندانه باش. حتماً سخاوت نباید سخاوت مالی باشد. سخاوت علمی هم هست. مثلاً من بحث خیلی قشنگی را پیدا کردم، یک عزیزی می گوید: می خواهم بروم منبر فرصت مطالعه ندارم، یک بحث قشنگ دارید؟ من هم هنوز با این بحث منبر نرفتم، بدhem به شما دیگر برای خودم منبر نمی ماند. اگر بدhem یعنی سخاوت علمی دارم. سخاوت یک صفت الهی است. باور دارم خدا به من داده، پس باید قدرش را بدانم.

### اگر سخاوتمند بودیم، سه اتفاق خوب می افتد:

- او لا خدا با ما با لطف و سخاوتش در دنیا برخورد می کند.
- ثانیا در آخرت هم با لطف و سخاوتش برخورد می کند.
- ثالثا این سخاوت موجب پاک شدن انسان می شود.

## حسن الخلق:

حسن خلق از اوصاف محمدی صل‌الله‌علیه‌وآل‌ہوسم است و إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ<sup>۱</sup>. در مقابل روایتی که داعشی‌های تکفیری متأسفانه دارند به غلط نسبت می‌دهند که من مبعوث شدم با شمشیر! واقعاً پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآل‌ہوسم مبعوث نشد با شمشیر. بله، شمشیر لازم است، تیغ دست طبیب هم لازم است، اما طبیب عمدتاً برای درمان استفاده می‌کند و زیباترین راه درمان اخلاق نیکوست.

## حسن خلق سه فایده اجتماعی دارد:

### ۱- حسن خلق دردهای اجتماعی را درمان می کند.

در روایت داریم مشکلات اجتماعات را با اخلاق زیبا درمان کنید.<sup>۲</sup> خدا بر درجات حاج آقای ابوترابی بیافرازید. در اردوگاه اسارت چندین افسر بعضی را با حسن خلق منقلب و مرید خودش کرده بود. امام حسن مجتبی عليه‌السلام دشنام گویان را با اخلاق مداوا می‌کرد. داستان آن مرد مسافر که به ایشان توهین کرد و ایشان او را میهمان خود کرد بسیار معروف است.<sup>۳</sup>.

ادْفَعْ بِالْتِّي هِيَ أَحْسَنُ السَّيَّئَةَ<sup>۴</sup>

۱ - قلم :

۲ - الا أَحَدُكُمْ يُمْكِرُمُ الْأَخْلَاقَ؟ الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ وَمُؤَاسَةُ الرَّجُلِ أَخَاهُ فِي مَا لِهِ وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا. معانی الأخبار، ج ۲، ص ۱۹۱

۳ - میرد، الكامل فی الادب، ج ۱، بيروت ۱۴۰۷ هجري، ص ۲۳۵؛ ابن عساکر، ترجمة امام الحسن، بيروت ۱۴۰۰ هجري، ص ۱۴۹؛ علی بن عیسی اربیلی، کشف النمه، ج ۲، ترجمه حسین زواری، تهران، نشر ادب (بی تا) صص ۱۳۶ و ۱۳۵؛ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام المجتبی عليه‌السلام، انتشارات عطارد، ج اول، ۱۳۷۳، ص ۹۴. ....

با حسن خلق می شود دردهای جامعه را مداوا کرد.

۲- با حسن خلق می توان برکت رزق را زیاد کرد.

روایات زیادی می گوید یکی از عوامل جدی برکت رزق و روزی، حسن خلق است.<sup>۱</sup> قاعده اش هم همین است. آدم خوش معامله شریک مال مردم است.

۳- حسن خلق بهترین راه آرامش در عالم بزرخ است.

قصه سعد بن معاذ را شنیدیم. سعد بن معاذ شهید است. جانباز بوده که شهید شده؛ شهید جانباز احد است. جنگ احد است. مادرش وقتی وضعیت حضور پیامبر اکرم صل- الله علیه وآلہ وسلم را در تشییع جنازه سعد بن معاذ دید تعجب کرد. و گفت خوشا به حالت، طوبی لک؛ پیامبر صل الله علیه وآلہ وسلم فرمودند خیلی هم الان خوش به خانه نبود. خانه قبر چنان فشارش داد که از تو مادر شیری که خورد بود از دماغش بیرون آمد. یا رسول الله صل الله علیه وآلہ وسلم برای چه؟ برای اینکه با زن و بچه اش یک ذره ترش رو بوده! خنده هایش بیرون بوده، اخمش در خانه بوده<sup>۲</sup>.

### صدقه:

صدقه بگذارید در همان ذیل بحث سخاء و سخاوت که توضیح دادیم، کفایت کند.

فقط اینجا سه تا کلمه را می گوییم.

۱- موسنون : ۶۶

۲- فی سُنَّةِ الْأَخْلَاقِ كُتُبُ الْأَرْبَاقِ. الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۲۳

۳- الأَمَالِ (للسدوقي)، النص، ص: ۳۸۴

## سه ویژگی برای صدقه در روایات و آیات: - صدقه پاک کننده است.

**خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُرْكِيْهُمْ بِهَا<sup>۱</sup>**

هم آتش پاک کننده است و هم صدقه. ببینید هر کدام ارزان تر است با همان خودمان را پاک کنیم. بعضی ها با صدقه در دنیا خودشان را پاک نمی کنند، در قیامت با آتش پاکشان می کنند. قطعاً صدقه ارزان تر است.

- صدقه بالا برند است.

**إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ<sup>۲</sup>.**  
ما را به قرب رحمت الهی می رساند.

- صدقه گره باز کن است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: گره باز کنید، روز قیامت گره شما را خدا باز می کند.<sup>۳</sup> از روایات اینگونه فهمیدم، بالاترین گره شیعیان پیامبر صل الله علیہ وآلہ وسلم و آل پیامبر صل الله علیہ وآلہ وسلم این است که روز قیامت دستشان به اهل بیت برسد. در آن وادی و انفساء، در محشر خلق اولین و آخرین، در حالی که بعضی کور وارد محشر می شوند، بعضی به شکل حیوان وارد می شوند، اگر دستمان به اهل بیت برسد شفاعت قطعی است.

۱ - توبه : ۱۰۳

۲ - اعراف : ۵۶

۳ - عَنْ أَبِي عَنْدَالِلَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِإِيمَانَ مُؤْمِنٍ نَفْسٌ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةٌ نَفْسُ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَ الدُّنْيَا، وَ كُرْبَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ وَ مَنْ يَسْرُ عَلَى مُؤْمِنٍ وَ هُوَ مُعَيْرٌ يَسْرُ اللَّهَ لَهُ خَواجَةُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، أَوْ مَنْ سَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةٌ سَرَّ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِهِ الَّتِي يُخْلِفُهَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، مُؤْمِنٌ كَيْسَتْ؟ وَظَفِيفَهُ اشْ چَيْسَتْ؟ / ترجمه المؤمن، ص: ۶۶

دستمان نرسد واویلاست. گره ما آن روز، پیدا کردن اهل بیت علیهم السلام است و خدا گفته شما گره مؤمنین را اینجا باز کنید، با زیارتان، با دستان، با اخلاقتان، با ارتباطتان، با آبرویتان، تا من گره شما را در قیامت باز کنم.

آخرین صفت، کف از اذیت بندگان خداست. کف ان اذی عباد الله تعالی؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان باشند.<sup>۱</sup> خدا کند که چشم ما به کسی آزار نرساند، زبان ما، دست ما، حتی اطرافیان ما، امیرالمؤمنین در نامه ۵۳ می فرمایند:

مالك! أَنْصِفِ اللَّهُ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ [هُوَ]

فِيهِ هُوَ<sup>۲</sup>؛

## خلاصه درب هشتم بهشت:

برای ورود به بهشت از درب هشتم می بایست این خصلت ها را دارا باشی:

- سخاوت به معنای حق بخشش و کرم را ادا کردن

سه حق در زندگی هر انسانی وجود دارد:

حق الله و حق الرسول : خمس و زکات و ...

حق العیال، کسانی که واجب النفقة هستند

حق محرومین

۱ - عن أبي جعفر قال أبو جعفر يا سليمان أتدرى من المسلمين قلت يحيى أنت أعلم المسلمين من سليم المسلمين من

لسانيه و بيده، الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۳۴

۲ - نهج البلاغه (الصيحي صالح)، ص: ۴۲۸

سخاوت در هر سه حق وارد شده است که می‌تواند با سخاوت این حقوق را به جا بیاورد

- حسن خلق: برترین صفت پیامبر است  
سه فایده حسن خلق:

دردهای اجتماع با حسن خلق التیام می‌یابد

رزق و روزی با حسن خلق زیاد می‌شود

بهترین راه کسب آرامش برای عالم بزرخ حسن خلق است  
- صدقه:

سه ویژگی و کارکرد صدقه:

صدقه پاک کننده است

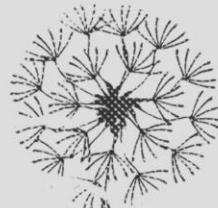
صدقه بالابر است

صدقه گره باز کن است

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب اول جهنم



## درب اول جهنم:

وَرَأَيْتُ عَلَى أَبْوَابِ النَّارِ مَكْتُوبًا

عَلَى الْبَابِ الْأَوَّلِ ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ

مَنْ رَجَا اللَّهَ سَعِدَ

وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنَ

وَالْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا غَيْرَ اللَّهِ وَخَافَ سِوَاهُ<sup>۱</sup>

## اساس طاعت انسان:

از لحاظ منطقی، عقلی، روانشناسی و هر بعدی را که می‌خواهید بررسی کنید، اساس طاعت انسان بر اساس دو صفت است:

ترس و طمع<sup>۲</sup> یا همان خوف و رجا.

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج ۸ / ۱۴۵ / باب ۲۳ الجنة و نعيمها رزقنا الله و سائر المؤمنين حورها و قصورها و حبورها و سورورها ....

ص: ۷۱

۲ - سورة سجده، آیه ۱۵ و ۱۶: إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِإِيمَانِ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُوا سُكُونًا وَسَيَّحُوا بِخَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكِبُرُونَ (۱۵) تَنَاجِيَهُمْ عَنِ الْمُضَارِعِ يَذْكُرُونَ رَبِّهِمْ خَوْفًا وَطَمَعاً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

سوره اعراف، آیه ۶۵: وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بِمَدَدِ إِصْلَاحِهَا وَ اذْعُوهُ خَوْفًا وَ لَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

سوره انبیاء، آیه ۹۰: ... وَيَدْعُونَا رَغْبًا وَ رَهْبَيًّا ..

اگر از انسان ها اطاعت می کنیم و حساب می بریم، به خاطر طمعی است که به آنها داریم؛ گاهی طمع به محبتش دارم - مثل پدر و مادر - یا طمع به ثروتش دارم - مثل صاحب کار - یا طمع به جمال یا شهرتش دارم. این ها را معمولاً به خاطر طمع دنبال شان می رویم، یعنی یک عامل برای اینکه انسان دنبال کسی راه می افتد طمع است و یک عاملش هم ترس است. مثلاً اطاعت می کنم؛ چون زورش پر زور است و از شلاقش، عذابش، تنبیه اش و مجازاتش می ترسم.

ما نسبت به هر صاحب دارایی طمع داشته باشیم، دارایی اش بیشتر از خدا نیست. به طمع دارایی هر کس به دنبالش برویم، خدا آن دارایی را کامل تر و هم پایدارتر دارد. به عنوان مثال اگر طمع می خواهد من را دنبال صاحب ثروت برساند، خدا ثروتش بیشتر است:

...وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... .

اگر قرار است عزت کسی من را به دنبالش بکشاند:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلَيَلْهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا .

صباح المتهجد و سلاح المتبدد، ج ۲، ص ۴۰، فصل في وداع شهر رمضان: ...أَذْغُوكَ يَا زَبِ حَوْقَافَ وَ طَمْنَافَ وَ رَهْبَنَافَ وَ زَنْبَنَافَ وَ تَحْشَنَافَ وَ تَمَلَّقَافَ وَ تَقْرَبَافَ وَ إِلْخَافَ وَ إِلْخَاجَافَ خَاصِيًّا لَكَ ...

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱، ص ۱۴، أبواب كرام خصاله و محسن أخلاقه و...، باب ۱، ح ۴: وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِي مَوْضِعٍ أُخْرَى: إِلَيْيِ ما عَبَدْتُكَ حَوْقَافًا مِنْ يَعْقَابِكَ وَ لَا لَمْعًا فِي تَوَابِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِيَادَةِ فَعَبَدْتُكَ

علامه جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۳۳۸: در بیان صادق آل محمدص ریشه و اساس اطاعت خداوند متعالی، صبر و رضا در برابر امور دلخواه و غیر دلخواه معروف شده است: «رَأَسُ طَاغِيَّةِ اللَّهِ الرَّاضِيَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيمَا أَحْبَبَ التَّبَدُّدَ وَ فِيمَا كَرِهَ».

۱- سوره منافقون، آيه ۷.

۲- سوره فاطر، آيه ۱۰. ر.ک: سوره منافقون، آيه ۸؛ سوره نساء، آيه ۱۳۹؛ سوره یونس، آ耶 ۵۶

اگر قدرت کسی قرار است ما را به دنبالش بکشاند

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ،<sup>۱</sup>

و در جمیع صفات ثبوته.

از طرف دیگر اگر کسی به طمع بدست آوردن چیزی دنبال کسی جز خدا راه یافتند، آن دنبال راه افتادن، او را از خدا غافل می کند؛ این آدرس را عوضی رفته است. عیبی ندارد که ما به دارندگان دارای احترام بگذاریم، ولی بدانیم که او مالک نیست، بلکه امانت دار است، چون مالک اصلی خداست؛

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ .<sup>۲</sup>

اگر این را باور کردیم طمع ما، سراغ خدا می رود. قطعاً اهل بیت استثناء هستند؛ چون ما وقتی اهل بیت علیهم السلام را واسطه قرار می دهیم، از آینه اهل بیت، خدا را می بینیم. اهل بیت را خدا نمی دانیم ولی جدای از خدا هم نمی دانیم.<sup>۳</sup>

۱- سوره بقره، آیه ۲۰ و ۴۳ (۴۳ بار در آیات قرآن به صفت قادر بودن خدا اشاره کرده است).

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۸۹ و ۲۰ (۲۰ بار در آیات قرآن به این مضمون اشاره کرده است).

۳- ر.ک: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ. (مانده، ۳۵) این آیه به تمامی مؤمنین دستور می دهد که به هر وسیله‌ای که سبب تقرب به خداوند می شود تممسک بجویند؛ بنابراین تقرب به خداوند بدون وسیله و واسطه امکان ندارد حضرت زهرا سلام الله علیه می فرماید: وأَحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي بِعْلَمَنَهُ وَنُورَهُ بَيْتَنِي مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةُ وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ. تمام آن‌جه در آسمان و زمین هستند، برای تقرب به خداوند به دنبال وسیله هستند و ما وسیله و واسطه خداوند در میان خلقوش هستیم. شرح نیچه البلاعه لابن

الحدید، ج ۱۶، ص ۱۱؛ السقیفة و فدک، ص ۱۰۱، بالاغات النساء، (بغدادی)، ص ۱۴.

و از عایشه در باره خوارج نقل شده است که پیامبر فرمود: هم شر الخلق والخلیقة، يقتلهم خیر الخلق والخلیقة، وأقربهم عند الله وسیله. خوارج، بدترین خلاقه هستند، آن‌ها را بهترین فرد از میان خلائق که نزدیک‌ترین وسیله به خداوند هستند، خواهد کشت. شرح نیچه البلاعه لابن الحدید، ج ۲، ص ۲۶۷ از مسند احمد؛ المتقاب (ابن المغاربی)، ص ۵۶، ح ۷۹.

## خوف و رجاء:

خوف و رجا باید در وجود انسان تنظیم باشد تا بتواند در مسیر بندگی متعادل حرکت کند. امام سجاد علیه السلام در دعای افتتاح می‌فرمایند

أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْغُفْرَانِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُ الْمُعَاقِبِينَ فِي  
مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالتَّقْمِةِ<sup>۱</sup>.

در دعای ما رجب می‌خوانیم:

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَآمِنْ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍ.

اگر قرار است امیدمان به خدا باشد، امید به وسیله‌ها چه می‌شود؟ در خصوص وسیله‌هایی که خدا مشخص کرده است، دو نگاه داریم: نگاه طولی و نگاه عرضی.

اگر نگاه ما به معصومین علیهم السلام، یا همان وسائل و وسائل الهی در عرض خدا باشد، شرک است. هر کس امام رضا علیه السلام را مستقل از خدا بیند و بگوید: از خودت می‌خواهم این را به من بدھی و نعوذ بالله کاری به خدا و رابطه تو با خدا ندارم، شرک است. حضرت زهرا سلام الله عليها در ذیل این آیه و ابتنئوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةُ<sup>۲</sup> فرمودند:

وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ<sup>۳</sup>

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲- مفاتیح الجنان، اعمال مشترکه ما رجب.

۳- مائدہ : ۳۵

۴- السقیفۃ و فدک، ص ۱۰۱

اما اگر هر کس وسایل و وسائل را در طول خدا ببیند، اشکالی ندارد. لذا اگر به امام علیه السلام دو گونه بگویید، درست است:

یک: یا امام رضا علیه السلام شما واسطه شوید از خدا حاجت من را بگیرید.

دو: یا امام رضا علیه السلام به آن قدرت و اذنی که خدا به تو داده است، خودت حاجتم را بدده. این دو خواسته توحید است شرک نیست. همچنین این دو خواسته امید به خداست، امید به غیر خدا نیست. در واقع من دارم خدا را از آینه وسیله اش می بینم.

### پس امید به خدا در دو قالب است:

۱. امید مستقیم به خدا.

۲. امید به وسیله ای که خدا معرفی کرده است.

مثال: من نامه ای به رهبر معظم انقلاب می نویسم، رهبر انقلاب، خودشان شخصاً نمی آیند که کار من را انجام بدهند، بلکه به واسطه ها می دهنند. من در انتظار عمومی می گوییم: من به رهبر انقلاب نامه دادم. و ایشان مشکل من را رفع کردند. در حالی که رسیدگی توسط واسطه هایی که ایشان معرفی کرده اند انجام شده است، وقتی واسطه ای مثل پدر و مادر برای ما استغفار کردند مثل آیه ۹۷ یوسف: «یا آبانا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»<sup>۱</sup> و خدا بخشید یا حاجت من برآورده شد، ما از چشم خدا می بینیم.

ای کاش در قصه طبابت، دکتر و درمان مان هم این طور بگوییم؛ خدا شفا داد، آقای دکتر هم وسیله بود.

۱- سوره یوسف، آیه ۹۷

پس رمز سعادت با استدلالی که اشاره کردیم، امید به خدا و طمع به خدا می باشد که سه دلیل دارد.

### امید و طمع به خدا سه دلیل دارد:

- ۱- خدا منبع لایزال است.
- ۲- خدا منبع بی منت است.
- ۳- خدا منبع آگاه بر نیاز و ظرفیت من است.

چون هیچ کس به اندازه‌ی خدا آگاه به نیاز و ظرفیت من نیست. پس تو امیدت و طمعت به خدا باشد.

لذا اینجا می فرماید:

مَنْ رَجَا اللَّهَ سَعِيدٌ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنٌ<sup>۱</sup>

هر کس می خواهد از شرور دنیا و آخرت در امنیت باشد، فقط از خدا بترسد. یعنی ما از خدا حساب ببریم، بقیه نیازی نیست. روایت داریم هر کس از خدا بترسد، خدا ابهت او را در دل همه قرار می دهد.<sup>۲</sup>

ادوارد شوارد نادزه<sup>۳</sup> وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی، می گوید: من بزرگان و رئیسجمهورهای دنیا را خیلی دیدیم، ولی وقتی در آن اتاق کوچک در محضر این مرد زانو

۱- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

۲- الکافی (اط - الإسلامية) ج ۱، ص ۱۳۸، کتاب التوجیح، باب جوامع التوجیح، ح ۳: امام هادی علیہ السلام: ...مَنْ أَنْفَقَ اللَّهَ يُنْفِي؛ وَ مَنْ أَطْاعَ اللَّهَ، يُطَاعُ...

۳- Eduard Shevardnadze ادوارد امیرسیس ذر شواردنادزه: بعنوان وزیر امور خارجه شوروی سابق یکی از قدرمندترین کشورهای جهان و یکی از دو ابرقدرت در بحیوه جنگ سرد، حامل پاسخ میخاییل گوربیاچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی به حضرت امام خمینی

زدم، چنان ابهت این مرد من را گرفت که خیلی احساس کوچکی کردم.<sup>۱</sup> این معنای این روایت است که هر کس از خدا بترسد، خدا ابهت او را در دل همه قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> باید امید و ترس ما به خدا باشد، به عنوان نمونه؛ رفتم برای زندانی‌ها صحبت کنم، متأسفانه جمعیت زیادی هم بودند. – خدا إن شاء الله همه شان را نجات بدهد و در مسیر اصلاح قرارشان بدهد – به آنها گفتمن: من یک سلام و احوال پرسی با رئیس قوه قضائیه دارم و با معاونینش هم رفیق هستم، با دادستان هم رفیق هستم، می‌خواهید یک نامه ای بدھید تا من برای آزادی، تخفیف و عفوتان پیگیری کنم. همه یک صدا

رحمه‌الله‌علیه بود و در منزل شخصی حضرت امام رحمه‌الله‌علیه در جماران با ایشان دیدار و پیام گوریاچف را تقدیم ایشان کرد. وی همواره از این دیدار به عنوان مهمترین دیدار زندگی و نقطه عطفی در حیات خود نام می‌برد. امام رحمه‌الله‌علیه در پیامی به رهبران کمومیستی شوروی، فروپاشی بلوک شرق را آشکارا پیش بینی کرده بودند.

رونده فروپاشی و نابودی اتحاد جماهیر شوروی سابق در زمان وزارت وی شروع و به پایان رسید. او از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ میلادی ریس جمهور گرجستان بوده است و در آن سال در پی بروز انقلاب‌های پی در پی در منطقه که به انقلاب‌های رنگین مشهور شده بودند، قدرت را به میخاییل ساکاشویلی واگذار کرد.

او بعد از یک دوره طولانی بیهاری در روز دوشنبه ۷ زوییه ۲۰۱۴ در ۸۶ سالگی در تفلیس درگذشت. این خبر را «مارینا دولتاوشویلی»، دستیار اقای شواردنادزه، در یک کنفرانس خبری اعلام کرده است.

۱- برای اطلاع از متن کامل سخنان شواردنادزه نگاه کنید به: «می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بعد از مرگ که دنیای جاود است را برای آقای گوریاچف باز نمایم»، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، ۱۳۹۲/۱۲/۷.

برخورد جالب امام خمینی رحمه‌الله‌علیه با وزیر خارجه شوروی، جام نیوز، ۱۳۹۲/۱۰/۵.

ناگفته‌های محافظ امام رحمه‌الله‌علیه از دیدار تاریخی شواردنادزه با رهبر کبیر انقلاب، جام نیوز، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.

هفته نامه تاریخ شفاهی، شماره ۲۵، ۱۳۹۳ تیر.

۲- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۱۳۸، کتاب التوحید، باب جوامع التوجیه، ح ۳: امام هادی علیه السلام: ...مَنْ أَنْقَلَ اللَّهَ يُنْقَلِّيْ؛ وَ مَنْ أطاع اللَّهَ يُطَاعِ...<sup>۳</sup>

گفتند: بله. همه اطراف خودشان دنبال کاغذ و خودکار می گشتند تا نامه بنویسند. حسابی برای نامه نوشتن آماده شان کرد، بعد به آنها گفتم: به نظر شما مقام آقای رئیس قوه قضائیه بالاتر است یا مقام خدا؟ همه گفتند: خدا. عفو کدام یکی بیشتر است؟ خدا. رحمت کدام یکی بیشتر است؟ خدا. وقتی از آنها اعتراف گرفتم، گفتم: پس بباید به جای نامه به رئیس قوه قضائیه، نامه به خدا بنویسیم. گفتند: نامه به خدا چیه؟ گفتم: توبه. من هم مثل شما خطاکار هستم، بباید با همدیگر توبه کنیم و یک نامه به خدا بنویسیم.

این یعنی تبدیل امید از غیر خدا به خدا. پس بباید امیدها را تبدیل کنیم.

وَ الْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا غَيْرَ اللَّهِ وَ حَافَ سَوَاءٌ<sup>۱</sup>

در بحث ازدواج می بینیم که خیلی از ازدواج ها متوقف شده است، چون مشکل اقتصادی دارند. به جوان ها می گوییم: الان مؤسسه ای پیدا بشود، بگویید: هر جوانی ازدواج کند، تا دو سال ماهی دو میلیون تومان حقوق به او می دهیم، تا زندگی اش راه بیافت، حاضرید ازدواج کنید؟ همه می گویند: ما ازدواج می کنیم. می گوییم: یک احتمال دارد این مؤسسه تا شش ماه دیگر، بودجه اش ته بکشد، ولی خداوند متعال در قرآن فرموده است:

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٍ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ<sup>۲</sup>

خدوم از فضل خودم به شما می دهم. چرا به فضل خدا امید نداری؟<sup>۱</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷

۲- سوره نور، آیه ۳۲

دختره به گناه افتاده، می‌گوییم: توبه کن. می‌گوید: حاج آقا آن هایی که عکس‌ها و پیامک‌های من را دارند گفته‌اند: اگر ادامه گناه را ندهی، آبرویت را می‌بریم. می‌گوییم: قدرت آن‌ها برای آبرو بردن بیشتر است یا قدرت خدا؟ می‌گوید: قدرت خدا. می‌گوییم: بیا پیش خدا توبه کن، او هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. می‌بینید که ترس سراغ غیر خدا رفته و امید هم سراغ غیر خدا رفته است.<sup>۲</sup>

وَ الْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا غَيْرَ اللَّهِ وَ حَافَ سِوَاهٌ.<sup>۳</sup>

## خلاصه درب اول جهنم:

ریشه دنباله‌روی دیگران در دو چیز است: طمع و ترس  
این فرمول سه تا مقدمه دارد؛

- دلیل بندگی، وابستگی و پیروی‌های ما در عالم دو چیز است: یا طمع است یا ترس.

۱- ر.ک: سوره یونس، آیه ۱۰۷: وَ إِنْ يَمْسِسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادٌ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ أَعْفُوُ الرَّحِيمُ، وَ اگر خدا گزند و آسیبی به تو رساند، آن را جز او برطرف کننده‌ای نیست، و اگر برای تو خبری خواهد فضل و احسانش را دفع کننده‌ای نیست خبرش را به کس از بندگانش بخواهد می‌رساند و او بسیار آمرزنده و مهربان است.

۲- ر.ک: عيون الحكم والمواعظ (الشی)، ص ۲۸، ح ۳۹۱: الْأَيْنُ خَيْرٌ مِنَ التَّضَرُّعِ إِلَى النَّاسِ.

همان، ص ۳۴، ح ۶۷۸: الْأَيْنُ خَيْرٌ.

همان، ص ۳۹، ح ۸۵۲: الْأَيْنُ غَيْرُهُ خَاضِرٌ.

۳- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، أبواب المعاد و ما يتبعه و يتعلق به، باب ۲۳، ح ۶۷.

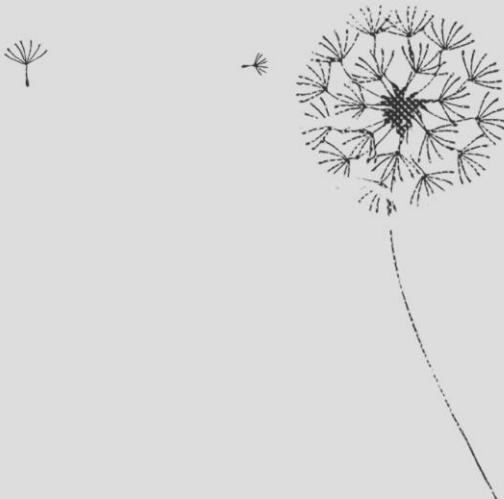
- طمع و ترس هم می‌تواند نسبت به منبع نامحدود باشد و هم می‌تواند نسبت به منبع محدود باشد. آنچه که در عالم داریم می‌بینیم، طمع و ترس نسبت به منبع محدود- دنیا و دنیاداران - است.
- انسان کمال طلب اگر قرار باشد بواسطه طمع و ترس از کسی دنباله روی کند، سراغ منبع اعلا و اشرف می‌رود. منبع بالاتر هم خداست.  
بنابر حديث باب اول جهنم:
  - ۱- هر کس به خدا امید داشته باشد سعادتمند می‌شود.
  - ۲- هر کس از خدا بترسد از دیگر خطرها ایمن می‌شود.
  - ۳- هلاک شده فریب خورده کسی است که به غیر خدا امید داشته و از غیر او بترسد.

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب در درجهٔ جهنم



## درب دوم جهنم:

وَعَلَى الْبَابِ الثَّانِي:

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عُرْيَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيَكُسْ الْجُلُودَ الْعَارِيَةَ فِي الدُّنْيَا<sup>١</sup>

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيُسْقِطِ الْعِطَاشَ فِي الدُّنْيَا

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَائِعًا فَلَيُطْبِعِ الْبُطُونَ الْجَائِعَةَ فِي الدُّنْيَا<sup>٢</sup>

مقدمة:

برخی از ویژگی‌های قیامت:

۱. يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شَبِيبًا.<sup>٣</sup>

۲. يَوْمٌ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةً.

۳. ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ، يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ  
وَالآخِرِينَ.

١ - بحارالأوار (ط - بيروت)، ج ٨، ص: ١٤٥

٢ - مزمول: ١٧

٣ - سجدة: ٥

٤. يَوْمَ تُقْلَبُ إِلَيْهِ أَعْمَالُ الْأَنَامِ.

٥. وَتُحَصَّى فِيهِ جَمِيعُ الْآثَامِ.

٦. يَوْمَ تَذَوَّبُ مِنَ النُّفُوسِ أَحَدَاقُ عُيُونِهَا.

٧. وَتَضَعُ الْحَوَالِمُ مَا فِي بُطُونِهَا.<sup>١</sup>

چند فرمول برای در امان ماندن از عذاب روز محشر:

الف. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَايَكُونَ عُرْيَاناً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيَكُسْ الْجُلُودَ الْعَارِيَةَ فِي الدُّنْيَا

دراین باره داستان معروفی از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است و آن اینکه حضرت همراه با غلام خود قبر، با ۸ درهم پول، به بازار رفتند تا لباس بخرند. وارد یک مغازه شدند. وقتی فرمودند که دو لباس با قیمت ۸ درهم می‌خواهم، چون صاحب مغازه حضرت را شناخت، عرضه داشت آقا، شما مجانی بردارید. وقتی حضرت متوجه شدند که صاحب مغازه ایشان را شناخته است از مغازه خارج شدند و به مغازه دیگر رفتند. در آن مغازه همین درخواست را کردند و در نهایت، دو لباس خریدند که یکی ۳ درهم ارزش داشت و دیگری ۵ درهم. حضرت ۳ درهمی را برداشتند و ۵ درهمی را به قبر، غلام خود دادند. قنبر عرضه داشت که لباس بهتر را برای خود بردارید. حضرت

۱- آمالی الطوسي: ۶۵۳ / ۱۳۵۳

فرمودند: « تو جوان هستی و لباس زیبا برای تو برازنده‌تر است.» خودشان نمونه کامل این صفات هستند.

**ب. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيُسْقِي الْعِطَاشَ فِي الدُّنْيَا<sup>۱</sup>**

خدا رحمت کند شهید علی خباززاده، در گرمای ۵۰ - ۶۰ درجه اهواز، در تیرماه و مردادماه، غذایش را که می‌گرفت، یک پارچ بزرگ آب بر می‌داشت و تمام بچه‌های روزمند را آب می‌داد. یک روز به او گفتم تو نمی‌خواهی غذایت را گرم بخوری؟ غذا را که کنار بگذاری از دهن می‌افتد. گفت نمی‌دانی آب دادن به تشنه‌ها چه کیفی دارد... .

**ج. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَائِعًا فَلِيُطْعِمِ الْبُطُونَ الْجَائِعَةَ فِي الدُّنْيَا<sup>۲</sup>**

هر کس می‌خواهد روز قیامت گرسنه نباشد، شکم‌های گرسنه را سیر کند. اگر در سبک زندگی تان به فکر بی‌لباس‌ها، تشنه‌ها و گرسنه‌ها بودید، خدا هم در روز قیامت، به فکر شما است: هر کس گره مؤمنی را در دنیا بگشاید، خدا وعده کرده است گره او را در روز قیامت باز کند.

راهها و مراتب گره‌گشایی

۱- مبادرتاً

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

خدمان حضوراً در بعضی از خیرات حاضر شویم و با دست خودمان کمک را به مستحق برسانیم. این روش مزایای تربیتی فراوانی دارد.

### ۲- تسبیباً

یعنی اگر خودمان مستقیم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم، واسطه شویم و به دیگران آدرس دهیم. در هر موضوعی که می‌توانیم قدمی برداریم و راهنمایی کنیم، درین نکنیم.

### ۳- دعا

برای گرسنه، بی‌لباس، تشنه و از همه مهم‌تر برای گرسنگان معرفت متصرعانه دعا کنیم. اگر پول نداریم لااقل دعا کنیم.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا دُعِيَ لِلْمُؤْمِنِ :

گره‌گشایی و صدقه سه خاصیت دارد:

الف. پاک‌کننده گناهان

ب. بالابرندہ

ج. گره‌گشا

معنای باطنی روایت

مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عُرْيَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيْكُسْ الْجُلُودَ الْعَارِيَةَ فِي الدُّنْيَا،

هر کس می‌خواهد خدا در روز قیامت، عیوب‌های او را بر ملا نکند، پرده‌پوشی کند؛ در دنیا پرده‌دری نکند. در مناجات شعبانیه می‌گوییم:

۱ - صحیفه الإمام الرضا عليه السلام ، ص: ۶۵

إِلَهِيْ قَدْسَتْرُتْ عَلَىْ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ اَنَا أَحْوَجُ إِلَى سُتُّرِهَا عَلَىْ مِنْكَ فِي  
اُلُّأَخْرَىٰ؛

خدایا در دنیا گناه مرا پوشاندی، در قیامت هم گناهم را بپوشان.  
 بین افشاگری و پرده‌دری مرزی وجود دارد. چنانچه کسی به امنیت جامعه و نوامیس  
 جامعه آسیب می‌زند و اختلال در نظام به وجود می‌آورد، وظیفه همه ما است که  
 افشاگری کنیم و او را معرفی کنیم که به مجازات برسد؛ اما اگر کسی گناه شخصی  
 می‌کند، عملی بین خودش و خدای خودش، من حق پرده‌دری ندارم. آقا سید مهدی  
 قوام از کوچه‌ای رد می‌شد، دید دختر و پسری در حال گناه‌اند. در کوچه تنگ و تاریک  
 و بن‌بستی در حال گناه بودند. گناه امری ناروا است، اما او در این باره کار پسندیده‌ای  
 کرد. عبایش را درآورد و به خاطر اینکه کسی اینها را نبیند، روی آن‌ها انداخت.  
 می‌گویند همین دختر و پسر به خاطر این پرده‌پوشی آقا سید مهدی قوام متنه شدند،  
 توبه کردند، و مسیر زندگی‌شان عوض شد.

ماجرای حضرت موسی علیه السلام هنگام دعای طلب باران و جوان گناهکاری که  
 توبه کرد و خدا باران نازل کرد، اهمیت پرده‌پوشی را بهتر نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>  
 آنجایی که می‌گویند غیبت جایز است، در مشورت‌ها، در قصه ازدواج چه کنیم؟ در  
 اینجا به ما گفتند تا جایی که می‌توانید همان عیسی را بگویید که فقط مربوط به  
 ازدواج است. میادا هرآنچه عیب از او می‌دانید روی صفحه بریزید.  
 ۲. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيَسْقُ الْعِطَاشَ فِي الدُّنْيَا  
 انواع عطش:

۱ - مناجات شعبانیه، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۶۸۶

۲ - شرح فارسی شهاب الأخبار) کلمات قصار پایmer خاتم ص)، متن، ص: ۱۷۳

- ب) محبت
- الف) تشنگی مفترط
- ج) معرفت
- د) شهوت

عطش بالاتر از آب، عطش معرفت و عطش محبت است. امروز در جامعه فقر عاطفی داریم. پدر و مادرها، و خواهر و برادرها اگر عطش محبت را سیراب کنند، خدا در روز قیامت، سیرابشان می‌کند.

امام رضا عليه‌السلام فرمودند:

**فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا<sup>۱</sup>**

مردم اگر معارف ناب ما را بشنوند، زیبایی کلام ما را بشنوند، تبعیت می‌کنند. عواملی که مانع از رفع عطش معرفتی و محبتی می‌شود:

برخی از فطرت‌ها غبار غفلت گرفته‌اند.

بعضی از حقایق هم غبار خرافات گرفته‌اند.

وظایف مبلغ در این باره:

با تلنگر و تذکر غفلت را از فطرت‌ها پاک کنیم.

غبار خرافات و سلیقه‌ها را هم از روی معارف دین بزداییم.

قرآن می‌فرماید:

**فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلُكِ ذَعْوَ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۚ<sup>۲</sup>**  
همه موحدند، ما غیرموحد نداریم، اینکه ما مشرک می‌شویم به خاطر غبار غفلت‌ها است. اگر غبار غفلت‌ها را خوب پاک کنیم، غبار خرافات و اعمال سلیقه‌ها را هم به درستی بزداییم، می‌بینیم مردم تا چه اندازه تشننه معارف‌اند. امروز هر کس تشنگان

۱ - عيون أخبار الرضا عليه‌السلام، ج ۱، ص: ۳۰۷

۲ - عنکبوت: ۶۵

معارف اهل بیت را سیراب کند، روز قیامت سیراب وارد محشر می‌شود و سیرابش می‌کنند.

جَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَائِعًا فَلْيَطْبُمِ الْبُطْوَنَ الْجَائِعَةَ فِي الدُّنْيَا<sup>۱</sup>،  
صدسال پیش یا پنجاه سال پیش، در یک خیابانی یک معازه بقالی، عطاری و...بوده  
که مردم همه مایحتاج شان را از آن می‌خریدند. با هر بسته‌بندی و شکلی، کیلی مجبور  
بودند بخرند. اما امروز در همان خیابان بازار بورس مواد غذایی است. امروز اجناس  
شکلی شده و همه به صورت بسته‌بندی و با شکل‌ها و رنگ‌های مختلف عرضه  
می‌شود. ذاته‌ها تغییر کرده و تنوع طلبی ایجاد شده است.  
پنجاه سال پیش مردم معارف دین را فقط از حوزه می‌گرفتند، اما اکنون شبکه‌ها،  
سایتها، سیدی‌ها، نوارها و مجموعه‌های فرهنگی بازار بورس خوراک روح است.  
دارایی‌های یک مبلغ برای انتقال معارف دین:

سوز و دغدغه  
سلیقه

سود

سلامت

ابتکار و کاربردی بودن

این‌ها نباشد یکی دیگر میدان را به دست می‌گیرد و متأسفانه در مواردی گرفته‌اند.  
خلاصه درب دوم جهنم:

درب دوم جهنم

\* برخی از ویژگی‌های قیامت:

۱. یَوْمًا يَجْعَلُ الْوَلْدَانَ شَيْبًا.

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

٢. ذلکَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لِهُ النَّاسُ وَذلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ، يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأُولَئِينَ وَالآخِرِينَ.  
٣. يَوْمٌ تُقْبَلُ إِلَيْهِ أَعْمَالُ الْأَنَامِ.

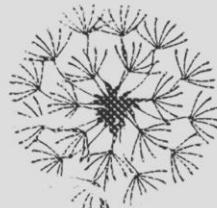
- \* فرمولهای سه گانه سبک زندگی با کسب معرفت صحیح از قیامت:
- الف. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عُرْبَيَا نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيَكُنْ الْجُلُودُ الْعَارِيَةُ فِي الدُّنْيَا.  
ب. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَيَسْقُطِ الْعِطَاشُ فِي الدُّنْيَا (هر کس گره مؤمنی را در دنیا باز کند، خدا وعده داده است گره او را در روز قیامت باز کند).
- \* راهها و مراتب گره‌گشایی
١. مباشرتاً؛ مادی و معنوی  
٢. تسبیباً، مادی و معنوی  
٣. دعا
- ج. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَائِعًا فَلَيُطْعِمِ الْبُطُونَ الْجَائِعَةَ فِي الدُّنْيَا

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب سوم جهنم



## درب سوم جهنم:

وَ عَلَى الْبَابِ التَّالِثِ مَكْتُوبٌ  
 لَعْنَ اللَّهِ الْكَادِينَ لَعْنَ اللَّهِ الْبَاخِلِينَ لَعْنَ اللَّهِ الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>

### درب سوم جهنم در سه نگاه:

#### نگاه اول: تبیین معنای لعنت

اینکه معنای لعنت چیست؟<sup>۲</sup> لعنت یعنی محرومیت از رحمت.<sup>۳</sup> عامل اصلی محرومیت از رحمت، خودمان هستیم. خدا هیچ کس را محروم نمی‌کند؛<sup>۴</sup> چون کسی که اهل عطا

۱ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲ - راغب اصفهانی می‌گوید: «لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است . لعن اگر از جانب خدا باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع از قبول رحمت و توفیق است . و اگر از انسان باشد به معنای دعا و نفرین و درخواست بر ضرر غیر است.» (مفردات راغب، ص ۴۷۱ ، ماده لعن)

طبریحی می‌گوید: «لعن به معنای طرد از رحمت است» (مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۰۹-۳۳۰) این اثیر می‌گوید: «اصل لعن به معنای طرد و دور کردن از خداست. و از خلق به معنای سبا و نفرین است.» (النهایه، ج ۴، ص ۳۳۰)

۳ - لعنت از صفات فعل خداست و به این معنا نیست که خداوند تنها با الفاظی خاص آن‌ها لعن کرده باشد بلکه دور شدن از رحمت الهی لعن است و سلب توفیق می‌تواند مرحله ریقی از لعنت باشد یعنی اگر خداوند کسی را به حال خود رها کند و فیض خاص خود را از او سلب کند او ملعون خداست تنسیم، جوادی املی، ج ۵، ص ۴۶۱.

۴ - سوره زمر، آیه ۱۵۵ و سوره شوری، آیه ۴۵: ...إِنَّ الْخَاسِرِينَ أَذْنِينَ حَسِيرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...

و کرم است، محروم کردن دیگران را در خور خویش نمی‌بیند. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: یا مَنْ يُعْطِيْ مَنْ لَمْ يُسَأَّلُهُ وَ مَنْ لَمْ يُعْرَفْهُ؛<sup>۱</sup> خداوند اعطای کند هم به کسانی که او را نمی‌خوانند و هم آن‌ها که او را نمی‌شناسند. در دعای دیگر ماه رجب می‌خوانیم: وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ؛<sup>۲</sup> سفره رزقت، که از باب‌های رحمت الهی است، برای اهل معصیت نیز گستردۀ است.

خداوند متعال دو گونه سفره دارد: یک سفره عمومی و دیگری سفره خصوصی.  
سفره عمومی خدا برای همه گستردۀ است که عمدتاً نعمت‌های مادی است.<sup>۳</sup>

اما سفره خصوصی خدا بر اساس تربیت پهن شده است.

بنابراین سفره عمومی بر اساس خالقیت است و سفره خصوصی بر اساس ربویت.

**نکته تربیتی:**

پدر خانه به عنوان مسئول تربیت، باید دو گونه نعمت در اختیار فرزندان قرار دهد: یک نعمت، نعمت خوراک و پوشانک و جای خواب است که پدر به دلیل اینکه واسطه خلقت فرزندان است، باید به همه فرزندان، چه خوب و چه بد، چه سازگار و چه ناسازگار، بدهد.

#### ۱- مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رجب.

۲- إقبال الأعمال (ط - القديمة) / ج ۶۴۳ / ۲ / فصل فيما نذكره من الدعوات في أول يوم من رجب و كل يوم منه ..... ص : ۶۳۸

ای کریمی که از خزانه غیب	۳- گلستان سعدی:
تو که با دشمنان نظر داری	دوستان را کجا کنی محروم

یا در جای دیگر می‌فرماید: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تاتو نانی به کف آری و به غفلت نخوری  
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری  
همه از پهلو تو سرگشته و فرمان بردار

سفره دوم را پدر می‌تواند پهن کند، اما برای فرزندانش شرط بگذارد. همان‌طور که خدا سفره‌ای را که بر اساس روایت گستردگی، شرطی کرده است.

سفره عمومی خدا بر اساس خالقیت پهن شده و شرطش همان خلقت است؛ و رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ<sup>۱</sup> وَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ.<sup>۲</sup>

اما سفره خاص خدا دارای شرایطی است: وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا؛<sup>۳</sup> اول باید جاهَدُوا باشد و دوم باید فینا باشد؛ بنابراین کسانی از نعمت خاص هدایت الهی بهره‌مندند که جاهَدُوا فینا<sup>۴</sup> را رعایت کنند.

وَمَنْ يَتَّقِي اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَايَحْتَسِبُ<sup>۵</sup>؛ هر کسی شرط مَنْ يَتَّقِي اللَّهَ<sup>۶</sup> را رعایت کند، یَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَايَحْتَسِبُ<sup>۷</sup> برای او محقق می‌شود.

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يُثْبِتُ أَقْدَامَكُمْ<sup>۸</sup> هر کس شرط تَنْصُرُوا اللَّهَ<sup>۹</sup> را بهجا آورد، يَنْصُرُكُمْ وَ يُثْبِتُ أَقْدَامَكُمْ<sup>۱۰</sup> شامل حالش می‌شود.

۱- مفاتیح الجنان، از دعاهاي ماه رجب.

۲- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

ویزگی‌های فینا در آیه: من الله = تلاش‌شان با اجازه خدا بود، الى الله = به سمت خدا بود، لله = با هدف رضایت خدا بود، مع الله =

دستشان در دست خدا بود، بالله = با استعانت خدا بود، في الله = توجهه‌اش تبلیغ دین خدا شد.

۴- همان.

۵- سوره طلاق، آیه ۲.

۶- همان.

۷- همان.

۸- سوره محمد، آیه ۷.

إِن تَتَقَوَّلُ اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا<sup>۱</sup> هر کس تقوا پیشه کند، به او بصیرت می‌دهیم.  
آیات فراوان به عنوان شرط و مشروط در قرآن داریم؛ فَإِذْ كُرُونِي أَذْكُرُكُمْ<sup>۲</sup>، إِنَّ الَّذِينَ  
أَمْنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا<sup>۳</sup>، وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ أَمْنُوا وَأَتَقَوَّلُ  
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ<sup>۴</sup>؛ تمام این آیات شرط و مشروط است که با  
خالقیت خدا منافاتی ندارد؛ زیرا همگی تحت عنوان ربویت الهی است.

یکی از مقام‌های حضرت حق که کمتر روی آن کار شده است، مقام ربویت است.  
روزی دهمربه خدا را به ربویت یاد می‌کنیم: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**.<sup>۵</sup> یک سوال ساده  
از خود و مبلغان می‌پرسیم: دوست داریم خدا ما را تربیت کند یا نازیبروده و لوس؟  
می‌گوییم: دوست داریم خدا ما را تربیت کند. پس توقع نداشته باشیم هرچه دوست  
داریم خدا به ما بدهد؛ زیرا معلوم نیست هرچه بخواهیم به نفع ما و اقتضای تربیت ما  
باشد.

پس اینکه خداوند متعال می‌فرماید: **لَعَنَ اللَّهِ الْكَاذِبِينَ لَعَنَ اللَّهِ الْبَاطِلِينَ لَعَنَ اللَّهِ  
الظَّالِمِينَ**<sup>۶</sup>، به این دلیل است که آنچه موجب شده است که دروغ‌گویان و بخیلان و  
ظالمان از سفره خصوصی ربویت الهی بی‌بهره باشند، خودشان هستند.

۱- همان.

۲- همان.

۳- سوره انفال، آیه ۲۹.

۴- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۵- سوره مریم، آیه ۹۶.

۶- سوره اعراف، آیه ۹۶.

۷- سوره حمد، آیه ۱.

۸- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، ابواب المعاد و ماتبتعه و يتعلق به، باب ۳۳، ح ۵۷.

سفره ربویت الهی یکسری عوامل و موانع دارد. عواملش همان آیاتی بود که به عنوان جزا و شرط خواندیم و موانعی هم دارد که هر کس این موانع در وجودش باشد، خدا هرگز نمی‌گذارد از این سفره بهره‌مند شود.<sup>۱</sup> سه مانع را اینجا روی درب سوم جهنم مذکور شده است: کذب، بخل و ظلم.

۱- گروههای زیر طبق آیات قرآن مجید، ملعون به شمار می‌روند:

- الف- کتمان کتنده‌گان حق، بقره، آیه ۱۵۹.
  - ب- ستمکاران و کافران (کسانی که بعد از ایمان آوردن دوباره کفر ورزیده‌اند). آل عمران، آیه ۸۶.
  - ج- کشنده‌گان و قاتلان مؤمنان. نساء، آیه ۹۳.
  - د- دروغگویان در شهادت حق و باطل و هدایت و خلالات نساء، آیه ۵۱.
  - ه- ستمکاران. احزاب، آیه ۴.
  - و- آزاردهنده‌گان به پیامبر اکرم صل الله علیه وآلہ وسلم منافقین (زن و مرد) و کفار، توبه، آیه ۸۴.
  - ز- پیمان‌شکنان، مفسدان و ... رعد، آیه ۲۵.
  - ح- منافقان، بیماردلان و آزاردهنده‌گان خداوند و پیامبر اکرم صل الله علیه وآلہ وسلم و کافران. احزاب، آیه ۶۴-۵۷.
  - ط- فسادکننده‌گان در زمین و قطع رحم کتنده‌گان. محمد، آیه ۲۲ و ۲۳.
- الخلاص، ج ۱، ص ۳۳۸، باب السنة، ح ۴۱: قال رسول الله صل الله علیه وآلہ وسلم سَيِّدُ الْمُتَّهِّمِينَ اللَّهُ وَ كُلُّ نَجِيٍّ مُجَاهِبٌ الرَّأْيِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ الْمَكْدُبُ بِقُتْرِ اللَّهِ وَ التَّارِكُ لِسُنْتِي وَ الْمُسْتَحْلِلُ مِنْ عِتَّرَتِي مَا حَرَمَ اللَّهُ وَ الْمَسْتَلْطُ بِالْجَهْرُوتِ لِيَذْلِلُ مِنْ أَعْزَةِ اللَّهِ وَ بِعِزْمِهِ مِنْ أَدْلَهِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَأْيِرُ بِقُلْقُلِ الْمُسْلِمِيْنَ الْمُسْتَحْلِلُ لَهُ۔» شش گروه مورد لعنت خداوند و پیامبران مستجاب الدعوة قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:
- تغییردهنده کتاب خدا، تکذیب کننده قدر الهی، مخالف و تغییردهنده ست پیامبر خدا صل الله علیه وآلہ وسلم، هتك کننده حرمت ذریه و عترت من، کسی که به زور و ستم به قدرت برسد تا آنان را که خدا خوار کرده، عزت بخشد و آنان که عزت بخشیده را خوار نماید، آن کس که غنیمت بیت‌المال مسلمانان را به خود اختصاص می‌دهد و آن را حلال نماید.»

اگر باور کنیم دروغ، بخل و ظلم ما را از سفره عنایات خاص، رحمت خاص، برکت خاص و هدایت خاص الهی محروم می‌کند، همان تعبیر قرآن می‌شود: **فَقُرُوا إِلَى اللَّهِ**؛<sup>۲</sup>  
باید از این رذیله‌ها به سوی خدا فرار کنیم.<sup>۳</sup>

## نگاه دوم: انکار سه جلوه حضرت حق

رابطه این سه رذیله با یکدیگر چیست؟ ریشه این سه رذیله، در واقع به انکار سه جلوه حضرت حق برمی‌گردد و خدش به توحید ما می‌زند.<sup>۴</sup>

(الف) کسانی که دروغ می‌گویند<sup>۱</sup>، در عمل، عالمیت و ناظریت خدا را نادیده می‌گیرند.  
من اگر بدانم خدا می‌داند؛ **يَعْلَمُ حَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ**<sup>۲</sup> و خدا می‌بیند؛ آلم

۱- سوره داریات، آیه ۵۰

در: مراد از فرار کردن به سوی خدا، انقطاع به سوی او است به دست برداشتن از کفر، و گریزان بودن از عقابی که کفر به دنبال دارد و متول شدن به ایمان به خدای تعالیٰ به تنها یا و اینکه او را یگانه معبدی بی‌شریک برای خود بگیرند. المیزان، ۱۸، ص ۵۷۶؛ روح المعانی، ج ۲۷، ص ۱۸؛ جامع الاحکام، ج ۱۷، ص ۵۳؛ محسان التأویل، ج ۱۵، ص ۴۰۴.

۲- در برخی از روایات آیه شریفه «**فَقُرُوا إِلَى اللَّهِ**» به حج تطبیق شده است. «وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۱۰۵، ح ۱۴۳۶۵؛ عن آیی جعفر علیه السلام فی **فَقُرُوا إِلَى اللَّهِ قَالَ جُلُوَّا إِلَى اللَّهِ**» سفر حج فرار از غیر خدا به سوی خدا است و چون خدا همه‌جا هست «فَإِنَّمَا تُولُوا فَقَمَ وَجْهَ اللَّهِ». سوره بقره، آیه ۱۱۵.

معنای (سیر الى الله) سیر مکانی یا زمانی نیست. فرار به سوی خدا به معنا این است که انسان غیر خدا را رها کند و خدا را طلب کند؛ بنابراین اگر شخصی حج را بدقصد تجارت یا شهرت و مانند آن انجام داد فرار (عن الله) کرده نه فرار (الله). «صهای حج، ص ۳۲۴»

سیصد سیزده نکه از قرآن کریم پیرامون حج، ص ۴۴

۳- ر.ک: سوره نحل، آیه ۵۰: **إِنَّمَا يَنْتَرِي الْكَذِيبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الظَّاهِرُونَ** الكافی (حا - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۴۰، کتاب الإيمان و الكفر، باب الکذب، ح ۱۱: **قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيْحِدُ عَنِّيْ حَمْمَ الْإِيمَانِ حَتَّىْ يَتَرُكَ الْكَذِيبَ هَذِهِهِ وَ جِدَهُ**.

یعلم بآن اللهَ يَرَى،<sup>۳</sup> هیچ وقت دروغ نمی‌گوییم. بنابراین کسانی که دروغ می‌گویند، دو شان حضرت حق را انکار عملی می‌کنند. قطعاً کسی که شانی از شؤون حضرت حق تعالیٰ را انکار عملی کند، باید از سفره رحمت الهی محروم باشد.

ب) لَعْنَ اللَّهِ الْبَالِخِلِينَ<sup>۴</sup>: کسی که بخل دارد به صفت جود و سخاوت الهی و منعم بودن خدا معرض شده است<sup>۵</sup> و آن‌ها را انکار عملی می‌کند؛ زیرا خدا منعم اصلی و هو الرزاق است.

خداوند متعال در حدیث قدسی می‌فرماید: الْمَالُ مَالِيٌّ؛<sup>۶</sup> همه آنچه در عالم دنیا هست ملک خدا است.<sup>۷</sup> و الْأَغْنِيَاءُ وَكَلَائِيٌّ؛<sup>۸</sup> هر کسی صاحب مالی است، وکیل خدا است. و الْفُقَرَاءُ عِيَالِيٌّ؛<sup>۹</sup> مستمندان هم خانواده خدا هستند. برای مثال، من مالی دارم که دست

۱- ر.ک: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۸۲ کتاب الرؤضة، ح ۳۹: سمعت كلاماً يروى عن النبي صل الله عليه وآله وسلم و عن علي عليه السلام و عن ابن مسعود فصرحته على أبي عبد الله عليه السلام... أعلم الخطايا عند الله لسان الكلاب...

۲- سوره غافر، آیه ۱۹.

ر.ک: سوره مؤمنون، آیه ۱۷: وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلُقِ غَافِلِينَ.

۳- سوره علق، آیه ۱۴.

۴- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، ابواب المداد و مایته و يتعلق به، باب ۸۳ ح ۵۷.

۵- ر.ک: بخار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۰، ص ۱۳۶، کتاب الإيمان و الكفر، ابواب الكفر و مساوى الأخلاق، ح ۳۵: قال الصادق ع حسب البخاري من يُخلي سوء الطلاق برگبه من أثيق بالخافر جاذ بالعلمة

۶- جامع الأخبار(الشعیری)، ص ۸۰ فصل ۳۷: قال أمير المؤمنین عليه السلام إن الله فرض في أموال الأغنياء أثوات الفقراء و قال الله تعالى المالى و الفقراء عيالى و الأغنياء و كلائي فمن يحصل بمالى على عيالى أذيله الثار و لا يابلى

۷- سوره آل عمران، آیه ۱۸۹؛ سوره مائدہ، آیه ۱۸۰ و ۱۲۰؛ سوره نور، آیه ۴۲؛ سوره شوری، آیه ۴۹ و ...

۸- جامع الأخبار(الشعیری)، ص ۸۰، فصل ۳۷.

۹- همان.

وکیل است، خانواده‌ام پیش و کیل می‌روند و می‌گویند: از مال پدرمam به ما بده. او وقتی اجازه دارد، قطعاً باید بدهد. فقرا نیز خانواده خدا هستند و خدا هم به همه ما اجازه داده که به فقرا بدھیم. بنابراین وقتی فقرا سراغ اغایا می‌روند و از آن‌ها پول می‌خواهند، اگر از مال و ملک خود به خانواده‌اش ندهند به خدا خیانت کرده‌اند. در مناجات مسجد کوفه امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> می‌خوانیم: مَوْلَائِيَ يَا مَوْلَائِيَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلُ إِلَّا الْجَوَادُ. بنابراین جود از آن خدا است و به عنوان امانت در اختیار ما است. فقرا هم عیال خداوند هستند و خداوند حق محروم‌مان را در اموال ما قرار داده است: وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ.<sup>۱</sup>

معنی خمس این است که یک‌پنجم از اموال ما برای خدا و پیامبر<sup>صلی الله علیہ وسلم</sup> است و چهارپنجم به اذن خدا برای خود ما است. بعضی‌ها به فقرا هم که می‌خواهند کمک کنند، می‌گویند نمی‌شود از آن یک‌پنجم بدھیم؟ از یک‌پنجم خدا و پیامبر<sup>صلی الله علیہ وسلم</sup> می‌خواهیم به فقرا بدھیم، ولی از چهارپنجم خودمان نمی‌خواهیم بدھیم. ج) لَعْنَ اللَّهِ الظَّالِمِينَ<sup>۲</sup>، آن‌هایی که ظلم می‌ورزند هم، به توحید لطمه می‌زنند؛ زیرا به صفت قدرت خدا معرض می‌شود. امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> در نهج البلاغه به مالک می‌فرمایند: از ظلم به انسان بی‌پناه بپرهیز که اه و کیل مدافع او خدا است.<sup>۳</sup>

۱- سوره ذاریات، آیه ۱۹.

ر.ک: سوره ذاریات، آیه ۲۴ و ۲۵: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌ مُّلْئُومٌ (۲۴) لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ.

۲- بخار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۵، ابواب المعاد و مایتبعه و يتعلق به، باب ۸۳، ح ۵۷.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳: مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ حَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْخَضَ حَكْمَهُ وَ كَانَ اللَّهُ خَرْبًا حَتَّىٰ شَرَعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَذْعَى إِلَى تَبَيْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَنْجِيلِ نَعْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَىٰ ظَلَمٍ فَإِنَّ اللَّهَ [يَسْمَعُ] سَمْبِعَ دَعْوَةِ الْمُصْطَفَدِينَ وَ هُوَ الْلَّطَّالِمِينَ بِالْمُرْضَادِ...

وکیل مدافع همه مردم، خدا است، ولی کسی که هیچ کس ندارد، خدا بهتر از او دفاع می کند.

### نگاه سوم: انواع مختلف رزیله های اخلاقی

#### انواع دروغ:

۱. دروغ به خدا و پیامبر ﷺ

دروغی که بعضی ها به خدا و پیامبر ﷺ می گویند و معمولاً در اعتقادات مان هست. شخصی بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام ایستاده بود و زیارت جامعه کبیره می خواند: عارفاً بحقکُم ... مُطِيعاً لامرکُم ... غالماً بآنَ الحقَّ فیکُمْ وَ مَعَکُمْ. یک نفر دستی به شانه اش زد و گفت: این معنایی که داری در محضر حضرت می گویی واقعاً هستی؟ گفت: آرزو می کنیم که باشیم. این اعتقادات ما است که باید این گونه باشیم. در حرم امام رضا علیه السلام می گوید: آشْهَدُ أَنَّكَ تَشَهَّدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، ولی وقتی از در حرم بیرون آمد، چادرش را درمی آورد. معنایش این است که این طرف دیوار را دیگر امام رضا علیه السلام نمی بینند. شاید معنایش این باشد که یک دروغی به خدا و پیامبر می گوییم.

روزی ده بار به خدا می گوییم: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ<sup>۱</sup> فقط تو را می پرسیم و فقط از تو کمک می گیریم، آیا واقعاً راست می گوییم؟ یک چنین تلنگری را به جان خود و مردم بیندازیم که روزانه چقدر به خدا و پیامبر ﷺ دروغ می گوییم؟

رج: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۳۱، كتاب الإيمان و الكفر، باب الظلم، ح ۵: عن أبي حتفة قال: لما خضرَ علىَّ بنَ الحسينِ عَلْفَأُهُمْتَنِي إِلَى صندَرِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنْيَ أُوصِيكَ بِمَا أَوصَانِي بِهِ أَيِّ عَجَّ حَسَرَتَهُ الْعَفَافُ وَ بِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ يَا بُنْيَ إِيَّاكَ وَ الْوَفَاءُ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِراً إِلَّا اللَّهُ.

۱- سوره حمد، آیه ۴.

۲- دروغ به خودمان؛

قدرت به خودمان دروغ می‌گوییم؟ بعضی‌ها خودشان دارند سر خودشان کلاه می‌گذارند و یکی از موانع رشد هم دروغ‌هایی است که به خودمان می‌گوییم. گاهی اوقات آن قدر دروغ می‌گوییم که جلوی آینه می‌ایستیم و به خودمان التماس دعا می‌گوییم.

۳- دروغ به دیگران؛

دیگران را می‌توانیم طبقه‌بندی کنیم: خانواده، فرزندان نازین و پاک و مطهرمان. بچه‌ها از چه کسی دروغ یاد گرفتند؟ این‌ها که در شکم مادرشان بودند، دروغ بلد نبودند. همه می‌گویند: حرف راست را از بچه بشنو. کودک بر اساس فطرت الهی، راست‌گو است.

ظلم نیز مانند دروغ انواعی دارد: ظلم به خود، ظلم به دیگران، حتی ظلم به خدا و پیامبر ﷺ.

انواع بخل:

بخل نسبت به خودم، بخل نسبت به دیگران، بخل نسبت به دنیا، بخل نسبت به آخرت.

آن‌هایی که نسبت به دنیايشان بخل می‌ورزنند، خسیر الدُّنْيَا وَ الْآخِرَة می‌شوند. یک ضربالمثل قدیمی هست: نه خود خورم، نه کس دهم. بعضی‌ها نسبت به خودشان هم بخل می‌ورزنند. این بخل دنیابی‌شان است. بخیل‌ترین انسان کسی است که می‌تواند برای آخرتش قدمی بردارد، ولی برنمی‌دارد.

گاهی نسبت به دیگران بخل می‌ورزیم؛ مثل وقتی که می‌خواهیم برای اموات کار خیری انجام دهیم.

یک آقایی می‌گفت: حاج آقا، من وقتی کاری را انجام می‌دهم، فقط برای یکی از اموات انجام می‌دهم. می‌ترسم برای همه‌شان انجام بدهم. گفتم: فکر می‌کنی کار

خیر مثل قاج هندوانه است که اگر تعداد زیاد بشود، سهم شان کم شود؟ در حالی که کار خیر مثل چشممه است، هرچه تعدادش بیشتر بشود، برکتش هم بیشتر است. عالم بر اساس صداقت خلق شده است:

در روایت داریم که فرمودند: اگر همه شرور و رذایل را در یک اتاق قرار بدھید و درب این اتاق را قفل کنید، یک کلید بیشتر ندارد و آن هم دروغ است،<sup>۱</sup> چرا؟ چون عالم بر اساس صادقات خلق شده است و همه موجودات عالم در حد خودشان شعور دارند، هرچند شعور ما را ندارند، ولی اهل تسبیح‌اند. در واقع همه آن‌ها بر اساس صداقتی که مخلوق خدا هستند و دارند رسالت خودشان را انجام می‌دهند، دروغ حرکت کردن برخلاف جریان هستی است. از لحاظ علمی هم ثابت شده است که اگر شما با طبیعت و موجودات عالم به خوبی رفتار کنید، آن‌ها نیز پاسخ خوبی به شما می‌دهند.

عالمند بر مسیر سخاوت خلق شده است:

برای مثال، زنبور عسل از شهد گلهایی که می‌نوشد، دهداریش را خودش مصرف می‌کند و نوده داریش را سخاوتمندانه به ما هدیه می‌دهد. تمام موجودات عالم از خورشید، آسمان، دریاها و جنگل‌ها و ... همه سخاوتمندانه با ما رفتار می‌کنند، بخل در مسیر خلاف جهت و اقتضای اولیه عالم هستی است.

عالمند بر مسیر عدالت خلق شده است:

۱- جامع الأخبار (الشعيري)، ص ۱۴۸، فصل ۱۱: قَالَ الْإِيمَامُ الرَّبِيعُ الْقَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلِّتِ الْجَنَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُلِّ مَقَاتِلُهَا فِي الْكَذِبِ.

الكافی (ما - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۳۹، کتاب الإيمان و الكفر، باب الكذب، ح ۳: أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرَّ أَفْئَالًا وَ جَعَلَ مَقَاتِلَ يَلْكَ الْأَفْئَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبُ شَرًّا مِنَ الشَّرَابِ.

خداؤند همه‌چیز را بر مسیر عدالت خلق کرده است، ظلم مخالف با جریان عالم هستی است.

هرکسی در این سه لایه و سه مرتبه بخواهد برخلاف جریان عالم هستی عمل کند، قطعاً زندگی اش کلاف سردرگم می‌شود. لذا می‌فرمایند: نجات در راست‌گویی است.<sup>۱</sup> شاید در کوتاه‌مدت به ضررت باشد، ولی به حتم در بلند مدت به نفع تو است. پس آنجا که گفتند: راستی فتنه‌انگیز، بد است و دروغ مصلحت‌آمیز خوب است، چیست؟ آنجا جایی است که دروغ مصدق عدالت می‌شود و راست مصدق ظلم.<sup>۲</sup> زیرا حسن و قبح ذاتی برای عدل و ظلم است، آنجا به خاطر نجات یک انسان اگر بخواهی راست بگویی ظلم کردی، آنجا دروغ بگویی عین عدالت است.

اکنون می‌بینید که بعضی از زندگی‌ها به خاطر نداشتن صادقت به هم می‌ریزد. چون دروغ گفتند؛ ماشین عاریهای گرفتند به خواستگاری رفتند؛ طرف مقابل هم طلای عاریهای دست کرده و مبلمان عاریهای در خانه آورده است. هر دو طرف به هم دروغ گفتند و بعد فهمیدند که نه آن‌ها آنی هستند که نشان دادند و نه این‌ها اینی هستند که نمایش دادند.

صادقت مطابقت با جریان فطرت و جریان خلقت است. سخاوت هم همین‌گونه است؛ کسی که بخل می‌ورزد، در واقع با جریان عالم هستی مخالفت می‌کند؛ زیرا هم خالق

۱- ر.ک: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۵، ص ۱۱، أبواب المواقف و الحكم، باب ۱۵ مواضع أمير المؤمنين ع و... ح ۸۴ و أعلم أن عاقبة الكذب الذلة و عاقبة الصدق النجاة.

تحف العقول، النص، ص ۸۴ كتابه إلى ابنه الحسن ع: ... في الصدق السالمة و عاقبة الكذب شر.

۲- سعدی عليه الرحمة می گوید: دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز

و هم مخلوقات، همه در مسیر سخاوت هستند. لذا روایت داریم آدمی که اهل سخاوت باشد، یار فراوانی دارد و محبوب است.<sup>۱</sup>

نکته تربیتی:

همه این روایت امام باقر علیه السلام را شنیدید که فرمودند: **بُنَىَ الْإِسْلَامُ عَلَىٰ خَمْسٍ عَلَىٰ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجَّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوَدِيَ بِالْوَلَايَةِ،**<sup>۲</sup> اساس عالم و دیانت بر اساس ولایت باشد.

من همین جا به پدران عرض کنم که آن‌ها دو شأن ولایتی دارند: یکی ولی همسر و دیگری ولی بچه‌ها هستند. اولین آموزگار ولایت، پدران هستند. اگر ولایت را برای

۱- عيون الحكم و المعاوض (الیسی)، ص. ۵۰، ح. ۱۲۶۵؛ السخاء يكتسب المحبة و يزيل الأخلاق.

تصنیف غرر الحكم و درر الكلم، ص. ۳۷۸، ح. ۸۵۲۳؛ السخاء يكتسب المحبة و يزيل الأخلاق.

همان، ح. ۸۵۲۸؛ عَلَيْكُمُ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فَإِنَّمَا يَرِيدُنَا الرُّبُقُ وَ بُوْجَانُ الْمُحْبَةِ.

همان، ح. ۸۵۳۰؛ كُنْكَرُ السَّخَاءِ تُمْكِنُ الْأُولَيَا وَ تَسْتَحْلِعُ [يَسْتَصْحِحُ] الْأَذْدَاءَ.

۲- الكافي (ط - الإسلامية)، ج. ۲، ص. ۱۸؛ كتاب الإيمان والكفر، باب ذكاري الإمام، ح. ۳.

ر.ک: الكافی (ط - الإسلامية)، ج. ۲، ص. ۲۲؛ كتاب الإيمان والكفر، باب ذكاري الإمام، ح. ۱۲؛ سمعت أن عبد الله عليه السلام يقول إن الله

غَرَّ وَ جَلَ فَرَضَ عَلَىٰ خَلْقِهِ خَمْسًا فَرَّخْصَ فِي أَرْبِعَ وَ لَمْ يُرَخْصُ فِي وَاحِدَةٍ.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج. ۵، ص. ۳۳۲؛ أبواب الإيمان والإسلام والتشريع و معانيها و فضلها و صفاتها، باب. ح. ۹.

... بيان قوله عليه السلام فرخص في أربع كالتحقير في الصلاة في السفر وتأخيرها عن وقت الفضيلة مع العذر و ترك كثير من واجباتها في

بعض الأحيان أو سقوط الصلاة عن الحاضر و النساء و عن فاقد الطهورين أيضاً إن قيل به و الزكاة عن لم يبلغ ماله النصاب أو مع فقد

سائر الشرائط و الحج مع فقد الاستطاعة أو غيرها من الشرائط و الصوم عن المسافر و الكبير و ذوي العطاش و أمثالهم بخلاف الولاية فإنها

مع بقاء التكليف لا يسقط وجوبها في حال من الأحوال و يحتمل أن يراد بالمرخص أنه لا ينتهي تركها إلى حد الكفر و الخلود في النار

بخلاف الولاية فإن تركها كفر والأول أظهر.

بچه‌هایشان به شیرینی جا بیندازند و خوب اجرا کنند، بچه‌ها به ولایت‌فقیه، ولایت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و ولایت خدا خوش‌بین می‌شوند.  
سه جایگاه برای ولی است:

- ۱- جایگاه اولی که ولی دارد، قدرت است؛ اما نباید با قدرتی که دارد ظلم کند، بلکه باید محبت کند. خود خداوند در دو جا در سوره حمد، مظہر قدرتش را می‌گوید و در میان آن محضر لطافتش را: **الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**<sup>۱</sup> و **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**<sup>۲</sup> که وسط آن می‌فرماید: **الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ**.
- قدرت باید با محبت و رافت همراه باشد و **إِلَّا دَافِعٌ** دارد. آقایانی که ولی همسر و فرزندان هستند، اگر محبت نداشته باشند، دافعه دارند.
- ۲- جایگاه دوم که ولی دارد، حاکمیت است. ولی حاکمیت کمی فراری می‌دهد، اگر می‌خواهد بقیه طرفدارش بشوند و اقبال داشته باشند، باید اهل عدالت باشد: **الملک يبقى مع الكفر ولا يبقى مع الظلم**.<sup>۳</sup>

۱- سوره حمد، آیه ۱.

۲- همان، آیه ۳.

۳- همان، آیه ۲.

۴- الأمالي (المغید)، النص، ص ۳۱۱، مجلس ۴۷، ح ۲: **عَنْ أَبِي الْحَسْنَ الرَّضَا عَلَى بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ... وَ إِذَا جَازَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدُّوَلَةُ** لما كان الجور من السلطان انما يصدر منه لاقمة الدولة و استيفاء القدرة فيعكس الله الامر فيصرف عنه نصرة الملأ التي هي من أقوام أركان الحكومة، أو سلط عليه العدو و الخصم الغشوم فتهون الدولة و يضعف القوة؛ وهذا معنى ما اشتهر من قوله **صل الله عليه وآله وسلم** «الملك يبقى مع الكفر ولا يبقى مع الظلم».

به قول سنتی: بازدیدم که ظالمان بودند در جهان هفتادی نیاسودند

زانکه او ظالم و مسلمان بود خلق، عاجز، خدای ناخشنود

ظلم حجاج (و) عدل کسری بین چشم دل بازکن زروی یقین

مرد خانه باید نسبت به همسر و فرزندان عدالت داشته باشد تا عدالت خدا را به نیکی معرفی کند.

۳- جایگاه سوم که ولی دارد، صولت و بزرگی است. پدر، بزرگ خانه است. بزرگی خرج دارد؛ پس باید سخاوت داشته باشی. اگر سخاوت داشتی بزرگی ات را می خرند و گرنه بزرگی ات را نمی خرند.  
بعضی از پدرها آن قدر حساست و بخل به خرج می دهند که فرزندان را هم نسبت به خدا بدین می کنند.

### خلاصه درب سوم جهنم:

معنای لغوی لعنت، دوری از رحمت خداست  
رحمت عام خدا شامل همه مخلوقات است  
رحمت خاص خدا به کسانی می رسد که :  
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا<sup>۱</sup>  
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَبِرْزُقًا مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ<sup>۱</sup>

این یکی کافر و پسندیده وین مسلمان ولی نکوهیده

ظلم از هر که هست نیک بدم است وانکه ار ظالم است نیک بد است

هر کجا عدل روی بنمودست نممت اندر چهان بیغزودست

هر کجا ظلم رخت افکنده است مملکت را زیست برکنده است

عدل بازوی شه قوی دارد قامت ملک مستوی دارد

۱- سوره عنکبوت، آیه ۹۶

ویزگی‌های فینا در آیه: من الله = تلاش‌شان با اجازه خدا بود، الى الله = به سمت خدا بود، لله = با هدف رضایت خدا بود، مع الله = دستشان در دست خدا بود، بالله = با استعانت خدا بود، في الله = نتیجه‌اش تبلیغ دین خدا شد.

إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا؛<sup>۲</sup>  
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَإِنْ يُبَتِّئَ أَقْدَامَكُمْ؛<sup>۳</sup>

با توجه به مقام ربویت پروردگار؛ دوست داریم خدا ما را تربیت کند. پس توقع نداشته باشیم هرچه دوست داریم خدا به ما بدهد؛ زیرا معلوم نیست هرچه بخواهیم به نفع ما و اقتضای تربیت ما باشد.

#### أنواع دروغ:

دروغ به خدا و پیامبر صل الله عليه وآله وسلم

دروغ به خودمان؛

دروغ به دیگران؛

سه جایگاه ولی :

جایگاه اوّلی که ولی دارد، قدرت است؛

جایگاه دوم که ولی دارد، حاکمیت است؛

جایگاه سوم که ولی دارد، صولت و بزرگی است.

۱- سوره طلاق، آیه ۲۹.

۲- سوره انفال، آیه ۲۹.

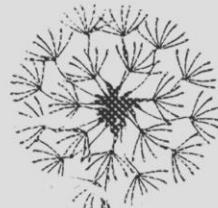
۳- سوره محمد، آیه ۷.

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب پهاره جهنه



## درب چهارم جهنم:

وَعَلَى الْبَابِ الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ

أَذَلَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ الْإِسْلَامَ

أَذَلَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ

لَعْنَ اللَّهِ مَنْ أَعْنَى الظَّالِمِينَ عَلَى ظُلْمِ الْمَخْلُوقِينَ<sup>۱</sup>

عزت و ذلت بر دو نوع است:

- عزت و ذلت ظاهري

- عزت و ذلت باطنی

عزت و ذلت واقعی و باطنی این است که انسان در چشم خدا<sup>۲</sup> و ولی خدا عزیز باشد.

سه عامل زندگی ذلت بار:

۱- أَذَلَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ الْإِسْلَامَ

چرا خدا کسی را که به اسلام اهانت می کند ذلیل می کند؟ چون متولی دین خدادست،

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲ - فاطر : ۱۰ : مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْجَزَةَ فَلَيَلْهُ الْجَزَةَ جَمِيعاً.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ<sup>۱</sup>

دین، قرآن و ولایت از مصادیق ذکر، شمرده شده اند.

عدهای سوال نقضی می پرسند که تاریخ در دل خود کسانی را به یاد دارد که به دین اهانت می کردند، اما ذلیل نشدن! این واقعیت چگونه با این حدیث قابل جمع است؟  
بنا به فرموده قرآن:

أَلْمَ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرَامَ ذَاتَ الْعَمَادِ أَلَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ وَ  
ثَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَغَوْ فِي الْبَلَدِ فَأَكْثَرُوا  
فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سُوْطَ عَذَابٍ<sup>۲</sup>

سه طاغوت وجود داشتند که دارای حکومت وسیعی بودند، یکی فرعون، دیگری قوم عاد و قوم ثمود که خداوند ذلیلشان کرد. اما در بعضی از موارد که در دنیا ذلیل نشدن، خدا به ذلت باطنی محکومشان می کند. ذلت باطنی همان است که در قیامت عیان می شود.

بِوَمْ تُبَلِّى السَّرَّائِرُ<sup>۳</sup>.

سه راه اهانت به اسلام:

۱. اهانت با افکار؛

۱ - حجر: ۹

۲ - فجر: ۱۳-۶

۳ - طارق: ۹

مانند سخره گرفتن اعتقادات حق، سبک گرفتن عقاید دینی و ... . البته سبک گرفتن عقاید دینی نسبی است و ممکن است این بیماری کم یا زیاد در ما نیز وجود داشته باشد. به عنوان مثال همین که خدا می‌فرماید:

آلِمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِىٰ<sup>۱</sup>

یعنی او ما را می‌بیند ولی متاسفانه تعدادی از ما به این موضوع خیلی معتقد نیستیم، به دوربین هایی که بشر کار گذاشته توجه می کنیم اما به دوربین هایی که خدا کار گذاشته توجه نداریم. این سبک شمردن یک اعتقاد است. ازش پرسیدم چرا ازدواج نمی‌کنی؟ گفت: با این حقوق‌های کم و مخارج زیاد نمی‌شود ازدواج کرد، گفتم حساب کابت دقیق بود فقط می‌شود بگویی در این حساب و کتابت جای خدا کجاست؟!

اینکه خدا را در محاسباتمان نادیده بگیریم، اهانت به حضرت حق تعالی نیست؟! خدا را روزی رسان ندانیم در حالی که خدا رازق است،

وَ مَا مِنْ دَآبَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا.<sup>۲</sup>

از دیگر نمونه‌های اهانت به اسلام انکار، اخلاق، تضعیف و ایجاد شباهه در اعتقادات خود و دیگران است.

## ۲. اهانت احساسی و قلبی.

اهانت احساسی و قلبی یعنی چه؟ با یک خاطره توضیح می‌دهم: سوار یک ماشین شدم که دو تا عکس، یکی تمثیل حضرت ابوالفضل علیه السلام، بالای شیشه و یک عکس خانم، از خوانندگان زمان طاغوت زده بود. موقعی که خواستم پیاده بشوم گفتم:

۱ - علق: ۱۴

۲ - هود: ۶

می شود یک سؤال بپرسم؟ گفت: بفرمانید حاج آقا. گفتم: اگر برای شما مشکلی پیش بیاید، صاحب کدام یک از این عکس‌ها را صدا می‌زنی؟ گفت: مسلم است می‌گوییم با بالفضل. گفتم می‌شود بگویی عکس این خانم را چرا زدی؟ گفت: حاج آقا برای دلم زدم. گفتم: می‌شود بگویی ایشان در دلت کنار ابوالفضل علیه السلام چه جوری نشسته است؟! این نوعی اهانت احساسی و قلبی است که من محبت غیر خدا را کنار محبت خدا بگذارم. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: **الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنْ حَرَمَ اللَّهِ عَيْرَ اللَّهِ!**<sup>۱</sup>

کسی می‌گفت روی سینه‌ام نوشته‌ام: لعنت بر پدر و مادر کسی که اینجا آشغال بربزید! گفتم یعنی چه؟ گفت: می‌خواستم دائم به خودم بگوییم اینجا حرم خداست، آشغال- دونی نیست که آدم بخواهد هر کس و هر چیزی از راه می‌رسد، را در خود جای دهد. مگر می‌شود انسان هم عاشق خوبی‌ها باشد و هم بدی‌ها را دوست داشته باشد؟ در مراحل بالاتر اگر کسی فرزندش را به خدا ترجیح دهد و نتواند فرزندش را فدای خدا بکند، مرتكب نوعی اهانت قلبی و احساسی شده است. حاج شیخ حسین انصاریان نقل می‌کردنند: پسر یکی از پیر غلامان امام حسین علیه السلام زمان دامادی اش تصمیم می-گیرد، مجلس گناه و ساز و آواز بر پا کند و به طور طبیعی با مخالفت پدر موافق می-شود. پدر او را منع می‌کند، اما پسر بعد از اصرارهای زیاد می‌گوید: اگر نگذاری آنطور که می‌خواهم مجلس دامادی ام را برگزار کنم، خودم را می‌کشم. پدر رضایت می‌دهد. شیطان سیاستش گام به گام است، ساز و دهل برپا شد، باز شیطان رها نمی‌کند<sup>۲</sup> و پسر را تشویق می‌کند که پدرت شب دامادی تو باید برقصد! رفت سراغ بایا، گفت بایا باید بیایی و شب شادی من شادیت را نشان دهی و برقصی. گفت: با این ریش سفید

۱ - جامع الأخبار(الشعیری)، ص: ۱۸۵

۲ - زخرف: ۳۶ وَ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ يُفْتَنُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

پیر غلامی ام من را آورده در مجلس گناه، دیگر نمی خواهم بیشتر از این گناه کنم.  
باز گفت: اگر نیایی بلای سر خودم می آورم، گفت: خیلی خوب تو خودکشی نکن  
می آیم. یک بار دیگر اسلام را فدای بچه‌اش کرد، رفت وسط، دستانش را باز کرد تا  
برقصده، عزراشیل آمد سراغش، قلبش گرفت، اورزانس خبر کردند و دیگر دیر شده  
بود. عمری در خانه امام حسین علیه السلام نوکری کند و مرگش در مجلس گناه، وسط  
گناه و در حال گناه و ذیلانه باشد.

خدا ذلیل می کند هر کس را که با احساساتش به اسلام اهانت می کند. هم امام  
رضاعلیه السلام را دوست دارد و هم بی حیائی را.

۳. اهانت رفتاری یعنی چه؟ خدا فرموده است: انجام واجب اما او ترک واجب می کند،  
خدا فرموده: ترک حرام او فعل حرام انجام می دهد.

اسباب اهانت اهل بیت علیهم السلام را هم من فقط با این روایت می گوییم:

إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَ وَ إِنَّ الْفَبِيْحَ مِنْ كُلِّ  
أَحَدٍ فَبِيْحٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَفْبَحٌ<sup>۱</sup>

## ۲ - أَذَلَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ

خدا ذلیل می کند کسانی را که اسباب اهانت به اهل بیت علیهم السلام را فراهم کنند.  
اگر کسانی در کسوت سخنران یا ذاکر اهل بیت علیهم السلام، خدای ناکرده از الفاظ  
و تعبیری استفاده کنند که نوعی وهن بیت علیهم السلام محسوب شود، شامل این  
روایت می شوند.

۱ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۷، ص: ۲۵۰

### ۳ - لَعْنَ اللَّهُ مَنْ أَغَانَ الظَّالِمِينَ عَلَى ظُلْمِ الْمَخْلُوقِينَ

سومین راه که به ذلت ختم می‌شود، کمک کردن به ظالم در ظلم به دیگران است. خرید کالاها و خدمات دشمن که باعث اعانه ظالم شود و حتی سکوت در برابر ظالم ظالم، همه از مصادیق کمک کردن به ظالم بر ظلم به دیگران است.

### خلاصه درب چهارم جهنم:

عزت و ذلت بر دو گونه است:

الف: عزت و ذلت ظاهری و دنبایی

ب: عزت و ذلت باطنی و آخرتی

سه چیز موجب زندگی ذلت بار می‌شود:

الف: اهانت به اسلام

ب: اهانت به اهل بیت پیامبر ﷺ

ج: همراهی با ظالم در ظلم به مخلوقین

اهانت به سه صورت ممکن است اتفاق بیافتد:

الف: اهانت فکری

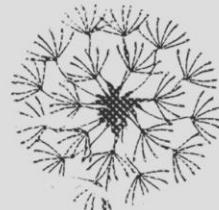
ب: اهانت احساسی

ج: اهانت رفتاری

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب پنجم جهنم



## در ب پنجم جهنم:

وَعَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ ثَالِثُ كَلِمَاتٍ

لَا تَتَّبِعُوا الْهُوَى فَالْهُوَى يُخَالِفُ الْإِيمَانَ

وَلَا تُكْثِرْ مُطْقَكَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ فَسَقْطٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

وَلَا تَكُنْ عَوْنَانًا لِلظَّالِمِينَ.<sup>۱</sup>

## پذیرش فرماندهی ایمان الهی یا هوای نفس

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَافَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اتَّنَاعِ اتَّبَاعُ الْهُوَى وَ طُولُ الْأَمْلِ فَأَمَّا اتَّبَاعُ  
الْهُوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمْلِ فَيُنَسِّي الْآخِرَةَ؛<sup>۲</sup>

تبیعت از هوای نفس و تبیعت از آرزوهای طولانی موجب می‌شود که پا روی حق  
بگذارید و نمی‌گذارد در مسیر حق قدم بردارید؛

أَمَّا طُولُ الْأَمْلِ فَيُنَسِّي الْآخِرَةَ؛<sup>۳</sup>

۱ - بحار الأنوار (اط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲. نهج البلاغة (الصبحي صالح)، ص: ۸۴

۳. همان

آرزوهای بلند انسان را از مرگ غافل می‌کند.  
درون ما سه لشگر با دو فرمانده وجود دارد.

سه لشگر عبارت‌اند از:

۱. لشگر شهوت
۲. لشگر غصب
۳. لشگر وهم و خیال

فرماندهان این نزاع عبارت‌اند از:

۱. نماینده خدا که عقل است
۲. نماینده شیطان که نفس اماره است

وَ مَا أَبْرُئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛<sup>۱</sup>

کسی که قوای شهوت، غصب و وهم و خیالش به افراط یا تغیریت کشیده شود، تحت فرماندهی نفس اماره است.

اگر قوه شهوت به افراط کشیده شود، انسان از هر حیوانی بدتر می‌شود. به تغیریت هم کشیده شود همان است که پیامبر خدا از آن نهی کرده است:

لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ.<sup>۲</sup>

۲. یوسف: ۳

.۱۹۳. تمیمی مربی، نعمان بن محمد؛ دعائیم الاسلام، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۹۳

محرومیت از لذائذ حلال در اسلام ممنوع است.

افراط در قوه غصب انسان را درنده‌تر از هر حیوانی می‌کند، نتیجه تفریط در آن هم مظلوم ظالم پرور خواهد بود.

قوه وهم و خیال افراطش می‌شود خیال‌پردازی و تفریطش، بی‌خيالی و بی‌توجهی به اولویت‌ها. اگر عقل بر این قوای درون و لشگریان درون حاکم شود، اعتدال به وجود می‌آید که در قوه شهوت ازدواج؛ در قوه غصب شجاعت، تعصب دینی و غیرت و در قوه وهم و خیال، برنامه‌ریزی و تدبیر است.

جمع بین این دو - هوای نفس و عقل - امکان‌پذیر نیست؛ لذا در اینجا به عنوان اصل اول می‌فرماید: در زندگی‌ای که بر اساس هوای نفس باشد خبری از ایمان نیست. در اینجا به سه نتیجه‌ای می‌پردازیم که تبعیت از هوای نفس در پی دارد و قرآن هم بدان اشاره می‌کند.

### سه نتیجه قرآنی تبعیت از هوای نفس:

#### (الف) افراط و تفریط

وَ لَا تُطِعْ مَنْ أَغْلَقْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛<sup>۱</sup>

ای رسول ما! از کسانی که قلب‌شان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن؛ همان‌ها که از هوای نفس پیروی می‌کردند و کارهایشان از روی افراط و تفریط است.

#### (ب) غفلت و هلاکت

فَلَا يَصُدِّنَكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى؛<sup>۲</sup>

و هرگز نباید افرادی که به قیامت ایمان ندارند و از هوس‌های خویش پیروی کردند تو را از آن (قیامت) باز دارند که هلاک خواهی شد.

### ج) گمراهی

وَمَنْ أَصْلَلَ مِنْ أَبَعَّ هَوَاءً بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ؛<sup>۲</sup>

آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته بیدا می‌شود؟

رها کردن زبان از مصاديق جدی هوای نفس و خروج از سبک زندگی ايماني:

وَ لَا تُكْثِرْ مَنْطَقَكَ فِيمَا لَا يَعْنِيكَ فَتَسْقُطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛

از زبانت در چیزی که به تو مربوط نیست استفاده نکن تا از رحمت خدا دور نشوی.

## ابتلای تکلیفی راهی برای کسب ظرفیت الهی:

ابتلاها بر دودسته‌اند:

### - خاص

ابتلاهاتی است که به صورت ویژه در مسیر زندگی افرادی ممکن است بر اساس حکمت الهی قرار بگیرد، مانند از دست دادن فرزند، بیماری‌های سخت، مصیبت‌های دشوار، فقر و ... .

### - تکلیفی

۱- طه: ۱۶

۲- قصص: ۵۰

ابتلای تکلیفی انجام همان تکالیفی است که خدا در پنج محور به عهده ما گذاشته است.

### محورهای ابتلای تکلیفی:

#### ۱. انجام واجبات

#### ۲. ترک محرمات

الورع عن محرم الله،<sup>۱</sup> یک ابتلا است. هر می خواهد انسان بتواند با دارایی هایش از گناه فرار کند. یکی از نشانه های مؤمن ورع داشتن در خلوت است.<sup>۲</sup>

#### ۳. خدمت به مخلوقات

این مورد از ابتلایات عظیم‌تر است. عالمی می گفت: دوستی داشتم که وضع مالی اش خوب بود. به من گفت: نصیحتم کن. گفتم: ابتلایات را خودت انتخاب کن والا ابتلایات غیرانتخابی دامن گیرت خواهد شد. متوجه نشد. گفتم: به دیگران کمک کن؛ قرض بده؛ اتفاق کن؛ صدقه بده و خیرات کن.

#### ۴. تحمل مشکلات

وَ لَنَبْلُوَنُكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّرَاثَ وَ  
بَشِّرُ الصَّابِرِينَ.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار ج ۶۴ ص ۲۹۳

۲- روی عن على بن الحسين عليهما السلام قال: علامات المؤمن خمس: الورع في الخلوة و الصدقة في القلبه و الصبر عند المصيبة و الجلم عند النصب و الصدق عند الخوف.

۳- بقرة: ۱۵۵

## ۵. شکر بر مشکلات

اللَّهُمَّ كَمَا حَمَدْتِ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ<sup>۱</sup>

وَلَا تَكُنْ عَوْنَأً لِلظَّالِمِينَ؛ سرسوزنی به ظالمان کمک نکن و لو به قدر آماده کردن دوات قلم آن‌ها<sup>۲</sup>. تأمل در سفارش امام کاظم علیه السلام به صفوان جمال در جریان کرایه دادن شترهایش به حاکم ظالم، زوایای اهمیت کمک نکردن به ظالم را بیشتر نمایان می‌سازد.<sup>۳</sup>.

## خلاصه درب پنجم جهنم:

درون ما سه لشگر با دو فرمانده وجود دارد.  
سه لشگر عبارت‌اند از:

۱. لشگر شهوت
  ۲. لشگر غصب
  ۳. لشگر وهم و خیال
- فرماندهان این نزاع عبارت‌اند از:
۱. نماینده خدا که عقل است
  ۲. نماینده شیطان که نفس اماره است.

۱ - کامل الزيارات، النص، ص: ۱۷۹

۲ - شیخ مفید-الارشاد- ج ۲

۳ - آداب مشاشت (ترجمه جلد ۷۱ و ۷۲ بحار الأنوار)، ج ۲، ص: ۳۳۸

سه نتیجه تبعیت از هوای نفس:

الف) افراط و تفریط

ب) غفلت و هلاکت

ج) گمراهی

ابتلاها بر دوسته‌اند:

۱. تکلیفی

۲. خاص

پنج محور تکالیف:

۱. انجام واجبات

۲. ترک محرمات

۳. خدمت به مخلوقات

۴. تحمل مشکلات

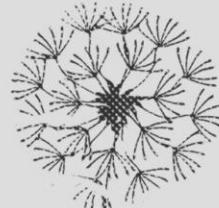
۵. شکر بر مشکلات

سوزه‌های شخ  
سخن

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

## درب ششم جهنم



## درب ششم جهنم:

وَعَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مَكْتُوبٌ

اَنَا حَرَامٌ عَلَى الْمُجْتَهِدِينَ

اَنَا حَرَامٌ عَلَى الْمُتَصَدِّقِينَ

اَنَا حَرَامٌ عَلَى الصَّائِمِينَ<sup>۱</sup>

بنابراین روایت، موقیت سه اصل دارد.

### اصل اول؛ تلاش حداکثری:

اَنَا حَرَامٌ عَلَى الْمُجْتَهِدِينَ<sup>۲</sup> اجتهاد، تلاش است؛ او لا<sup>۳</sup> تلاش حداکثری است؛ دوم، تلاش حداکثری دینی است؛ سوم معلوم می‌شود کسانی که اهل تبلی باشند خود به خود به جهنم می‌روند؛ زیرا توشه‌ای برای سفر به بهشت ندارند. به همین خاطر انسان تبلی مورد لعن خدا و از رحمت او به دور است؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلْمَةً عَلَى النَّاسِ<sup>۴</sup>؛ کسانی که اهل تبلی باشند و بار زندگی‌شان را روی دوش دیگران بیندازند، از خوان رحمت بی‌کران الهی بی‌پرهادند. از این رو می‌فرماید کار کردن و کسب روزی حلال عبادت است.

۱ - بحارالآئوار (ط - بیروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲ - همان

۳ - الکافی (ط - الاسلامیة)، ج ۴، ص: ۱۲

## ویژگی‌هایی کار در روایات:

۱. کار وسیله کسب روزی است<sup>۱</sup>
۲. عبادت است<sup>۲</sup>
۳. تفریح است
۴. خیرات و خدمت است
۵. نشاط است.

امروز یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های مملکت ما بحران کار و اشتغال است. یک سوال مطرح می‌کنیم بحران کار و اشتغال است یا بحران عرضه؟ اگر اهل کار باشیم آن وقت می‌توان گفت: از ما حرکت، از خدا برکت. اگر تلاشی صورت گرفت و تلاش حداکثری شد و در مرحله بالاتر تلاش حداکثری دینی هم شد، مشمول رحمت الهی قرار می‌گیرد.

تلاش حداکثر دینی در آیه ۹۶ سوره اعراف به خوبی تبیین شده است:  
**وَأَلَّوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ أَمْنَوْا وَأَنْقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ**  
اگر مردم به من ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها نازل می‌کنم. اما در ادامه- به تعبیر بندۀ- خدا روضه خودش را خوانده است: وَلَكِنْ كَبَّبُوا<sup>۳</sup> ولی مردم من را تکذیب می‌کنند. مردم انگار فرمول مرا قبول ندارند؛ به همین دلیل، من هم آن‌ها را به نتیجه مسیری که خودانتخاب کرده‌اند، مبتلای می‌کنم:

۱ - قَالَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْخَلَالِ فَيَرْبَضُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. جامع الاخبار (شعیری) ص ۱۷۹

۲ - حضرت محمد صل الله عليه وآله وسلم؛ لِبِيَادِهِ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْنَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْخَلَالِ، مستدرک الوسائل و مستبط المسائل ج ۱۳، ص ۱۲

۳ - اعراف: ۶۶

فَأَخْذُنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.<sup>۱</sup> امروز اگر بخواهیم انقلاب اسلامی ایران را تحلیل کنیم با همین یک آیه می‌توانیم، چون آنچه موجب رشد و بالندگی این انقلاب الهی شده است، همان ایمان و تقوایی بود که در وجود انسان‌های پاکی چون امام خمینی<sup>رحمه‌الله‌علیه</sup> و یاران شهیدش وجود داشت. همین امر مایه نزول رحمت الهی گردید تا بتوانیم در برابر یک دنیا دشمن به پیروزی برسیم. از همین جا می‌توانیم تعریضی بنویسیم به کسانی که امید به امکانات غیرخدایی دارند و به دنبال رفع تحریم دشمنان هستند، ولی به منع نزول رحمت و برکت کم توجه‌اند. بر اساس آیه شریفه<sup>۲</sup> در موفقیت سه رکن لازم است.

### سه رکن لازم در موفقیت:

- انگیزه
- برنامه
- امکانات

خداآوند می‌فرماید: از ارکان موفقیت اگر دو رکش را هم بیاوری، رکن سومش را من مهیا می‌کنم. به هر کس می‌گویی موفق شدی یا نه؟ در صورت عدم موفقیت انگشت اتهام را به سمت امکانات می‌برد. خدا می‌گویید: من متولی امکانات می‌شوم، به شرطی که تو انگیزه‌ات را "آمنوا" و برنامه‌ات را هم "وَ اتَّقُوا" کنی. در این صورت است که خدا امکانات مورد نیاز من و شما را تأمین می‌کند. ولی اگر "آمنوا" ی ما سست باشد "وَ اتَّقُوا" هم وجود نداشته باشد امید به ظالمان پیدا می‌کنیم. در عین

۱ - اعراف: ۶

۲ - اعراف: ۹۶

حالی که قرآن می‌گوید: وَ لَا تُرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا<sup>۱</sup>. به همین مناسبت بارها به مسئولان خدمت‌گزار، حتی به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که به تبییر حضرت آقا وظیفه ما است هم دعا و هم حمایتشان کنیم، تذکر بدھیم - بگوییم از تحریم ۵+۱ نترسید از تحریم خدا بترسید! خدا می‌گوید شما اجتهاد نداشته باشید تحریم‌تان می‌کم که درنتیجه: وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنْعَيْتِ السَّمَاءُ<sup>۲</sup>، این تحریم خدا است.

بالاترین عذاب الهی در دنیا این است که ما از هدایت الهی محروم شویم. من حس می‌کنم غیبت امام زمان علی‌الله‌ تعالیٰ فرج‌الشیرف به‌گونه‌ای تحریم الهی است؛ لذا باید ایمان‌ها و رعایت حدود الهی را در زندگی تقویت کنیم تا از این تحریم سخت نجات یابیم.

محرومیت آن است که انسان از هدایت و نور بی‌بهره باشد. آیه ۱۲۵ سوره انعام می‌فرماید: بالاترین عذاب الهی این است که ما از هدایت الهی محروم شویم؛ در حالی که بعضی فَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيهِ يَسْرُحْ صَدَرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ يُرِدُ أَنْ يُضْلِلَ يَجْعَلْ<sup>۳</sup> از مادیات محروم شویم. پس اگر بخواهیم از تحریم‌های معنوی و مادی خلاص شویم راهش ایمان و تقویت الهی است که در این صورت رحمت از آسمان خواهد بارید و برکت از زمین خواهد جوشید.

۱- هود: ۱۱۳

۲- المزار الكبير (ابن المشهدی)، ص: ۵۹۱

## اصل دوم؛ رابطه با خلق خدا:

آن حرام علی المُسْتَحْدِقِينَ؛<sup>۱</sup> عذاب دنیوی و عذاب اخروی خدا حرام است بر کسانی که اهل گره‌گشایی‌اند. فردی، یکی از علماء را سه بار در سرزمین وحی، به خواب دیده بود، سه سوال از عالم بزرخ پرسیده بودند که در هر سه مورد فرموده بود: راه حلش گره‌گشایی از مردم است.

بالاترین شکر این است که داده‌های الهی را برای گره‌گشایی از خلق خدا مصرف کنیم؛ حال فرقی نمی‌کند که آن داده‌هی علم باشد یا مال یا جایگاه. اگر برای گره‌گشایی خلق خدا به کار رفت، شکرش بهجا آورده می‌شود.

## اصل سوم؛ رابطه با خدا:

آن حرام علی الصَّائِمِينَ. چرا خدا در این حدیث قدسی، بین همه عبادت‌ها روزه را انتخاب کرده است. می‌فرماید: قَالَ تَعَالَى الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْرِيُ بِهِ؛ زیرا خالص‌ترین عبادت و تنها عبادتی که می‌شود بی‌ریا آن را انجام داد روزه است.

### توصیه‌ای به مبلغان:

پیامبر اکرم ﷺ : مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلَّهِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا ازْدَادَ بِهِ فِي نَفْسِهِ ذلِّيًّا وَ فِي النَّاسِ تَوَاضُعًا وَ لِلَّهِ خَوْفًا وَ فِي الدِّينِ اجْتِهادًا وَ ذَلِكَ الَّذِي يَتَسْعَفُ بِالْعِلْمِ فَلَيَتَعَلَّمْ؛<sup>۳</sup>

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۳ - روضة الاعظين و بصيرة المتظين (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۱۱

هر کس علم الهی را طلب می‌کند بابی بر او باز نمی‌شود مگر چهار خصلت را در خود پیورده:

۱ . اَرْدَادِ بِهِ فِي نَفْسِهِ دُلْلٌ؛<sup>۱</sup> ذلت درونی همان ذلتی که فاطمه زهرا در دعاها می‌فرماید:  
آنا اَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ دَلْلَ نَفْسِي فِي نَفْسِي؛<sup>۲</sup> خودش برای خودش خیلی حساب باز نکند.

۲ . وَ فِي النَّاسِ تَوَاضُعًا؛<sup>۳</sup> هر چه علم من بیشتر می‌شود باید تواضعمن در جمع مردم بیشتر شود تا مورد استفاده قرار بگیرم. متکبران هم خود بی‌بهره‌اند هم دیگران از آن‌ها بهره‌ای نمی‌برند.

۳ . وَ لِلَّهِ خَوْفًا<sup>۴</sup> عظمت خدا برایش بیشتر باشد.

۴ . وَ فِي الَّذِينَ اجْتَهَادُوا هر کس که اهل تلاش حداکثری دینی باشد، از آنجا که آن را توفیق الهی می‌داند، حتماً برای خلق خدا مصرف می‌کند.

## خلاصه درب ششم جهنم:

موفقیت سه اصل دارد:

۱- تلاش حداکثری؛

۲- رابطه با خلق خدا؛

۳- رابطه با خدا؛

۱ - روضة الوعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۱۱

۲ - مهیج الدعوات و منهیج العبادات، ص: ۱۴۱

۳ - روضة الوعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۱۱

۴ - روضة الوعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۱۱

۵ - روضة الوعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۱۱

ویژگی‌هایی که برای کار در روایات شمرده‌اند:

۱. کار وسیله کسب روزی است<sup>۱</sup>

۲. عبادت است<sup>۲</sup>

۳. تفریح است

۴. خیرات و خدمت است

۵. نشاط است.

بر اساس آیه شریفه<sup>۳</sup> در موفقیت سه رکن لازم است:

انگیزه

برنامه

امکانات

۱- قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيقَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِيمٍ وَمُسْلِمَةٍ. جامع الاخبار (شعری) ص ۱۳۹

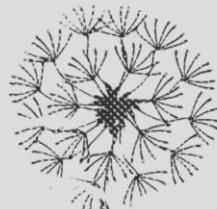
۲- حضرت محمد صل الله عليه وآله وسلم: العيادة عشرة أجزاءٌ تسمى أجزاءً في طلبِ الحال. مستدرک الوسائل و مستبط المسائل ج ۱۳

۳- اعراف: ۹۶

# خاطرات سفر آسمانی

فرمول‌های سبک زندگی براساس حدیث معراج

# درب هفتمنجوم



## درب هفتم جهنم:

وَ عَلَى الْبَابِ السَّابِعِ مَكْتُوبٌ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ  
حَاسِبُوا أَنفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا  
وَ وَبَخُوا أَنفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُوبَخُوا  
اَدْعُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْلَ أَنْ تَرْدُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ ۖ

در این حدیث نورانی چهار نکته وجود دارد:

### ۱ - حساب و کتاب جدی است.

بعضی‌ها فکر می‌کنند، حساب و کتاب در عالم شوخی است.

### ۲ - حساب و کتاب همگانی است.

نمی‌شود کسی استثنا باشد. اینکه گفته می‌شود بعضی‌ها بی حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند به خاطر سرعت و تخفیف در حساب است و الا خداوند در قرآن می‌فرماید:  
وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۖ<sup>۱</sup>

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

### ۳- حساب و کتاب در قیامت ذره‌ای است.

مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.<sup>۲</sup>  
و یا در سوره کهف می‌فرماید: وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حاضِرًا وَ لَا يَظْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا.<sup>۳</sup>

### ۴- حساب و کتاب در همه ابعاد شخصیت انسان است.

حساب و کتاب خدا هم در افکار است، هم در احساس و هم در رفتار انسان‌ها.

#### افکار:

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ.<sup>۴</sup>  
حق ندارم در افکارم راجع به کسی بدگمان باشم.

#### احساس:

راجع به حب و بغضم باید محاسبه داشته باشم:  
الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبًّا لِّلَّهِ وَ بُغْصَهُ لِّلَّهِ وَ أَخْذُهُ لِّلَّهِ وَ تَرْكُهُ لِّلَّهِ.<sup>۵</sup>  
یا در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

۱- مریم: ۷۱

۲- زلزال: ۸-۷

۳- کهف: ۴۹

۴- حجرات: ۱۲

۵- عيون الحكم و الموعظ (لبشی)، ص: ۲۲

إِنَّ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ - وَ إِلَىٰ [مُوَالٍ] لِمَنْ وَالاَكُمْ وَ عَدُوٌ لِمَنْ عَادَكُمْ .

نمونه‌ای از محاسبه احساس

### کنکور محبت:

- ۱ - آیا خدا و اهل بیت علیهم السلام را دوست دارم؟
  - ۲ - آیا خدا و اهل بیت علیهم السلام را از محبوب‌های حرام بیشتر دوست دارم؟
  - ۳ - آیا خدا و اهل بیت علیهم السلام را از محبوب‌های حلال بیشتر دوست دارم؟
- خداآوند متعال در آیه ۲۴ سوره توبه می‌فرماید: اگر محبوب‌های حلال را، از خدا و پیغمبر و جهاد بیشتر دوست بداری، در بزنگاه‌ها گیر خواهی کرد:
- فُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ أَنْبَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالُ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةً تَخْشُونَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِنَ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جَهَادٍ فِي سَبِيلِهِ .
- ۴ - آیا خدا و اهل بیت علیهم السلام را از خودم بیشتر دوست دارم؟
- جوانی گفت: خواب دیدم در صحرای کربلا، امام علیهم السلام حسین گفتند تو دوست داشتی فدای ما بشوی؟ عرض کردم: بله. فرمودند: حال من نماز می‌خوانم تو جلوی ما بایست. ایستادم در حالی که دست و پاهایم می‌لرزید. حضرت اقامه بستند. تیرها شروع کرد به آمدن. وقتی تیر آمد خودم را عقب کشیدم. تیر به چشم مبارک امام علیهم السلام حسین اصابت کرد. از خواب پریدم!

## مراحل حساب و کتاب اعمال:

- ۱ - حساب و کتاب قبل از عمل که مشارطه است.
- ۲ - حساب و کتاب حین عمل که مراقبه است.
- ۳ - حساب و کتاب بعداز عمل که محاسبه نامیده می‌شود. نتیجه محاسبه، مؤاخذه، معاتبه و توبیخ است.

اگر اهل محاسبه شوم، حتماً اهل دعا می‌شوم. زیرا هر کس محاسبه می‌کند در برابر خدا کم می‌آورد. به همین خاطر چون محاسبه اهل بیت علیهم السلام بیشتر بوده دعاها و مناجات‌شان بیشتر و سوزناک‌تر بوده است.

**ادْعُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْلَ أَنْ تُرِدُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَقْنَدُرُونَ عَلَى ذَلِكَ ۖ**

فرصت ما برای پاسخ دادن به دعوت پروردگار کوتاه است.

در دنیا خدا ناز می‌کشد، ما ناز می‌کنیم:

**وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنَّى قَرِيبٌ أَجِبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانَ ۲**

در دعای افتتاح می‌خوانیم: فلم آرَ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدِ لَئِيمٍ ۳

در بزرخ ما ناز می‌کشیم، او ناز می‌کند:  
**حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَخْذَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبُّ الْأَرْجُونَ لَعَلَىٰ أَعْمَلٍ صَالِحٍ فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَاتِلُهُمَا وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يُبَعَّثُونَ ۴**

در قیامت ما ناز می‌کشیم و او رد می‌کند:

۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸، ص: ۱۴۵

۲ - بقره: ۱۶۵

۳ - تهذیب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج ۳، ص: ۸۹

۴ - مومنون: ۹۹ و ۱۰۰

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُذْنَا فَإِنَّا طَالِمُونَ قَالَ اخْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ<sup>۱</sup>.

خدای که نیمه شب منتظر بند گنه کار است و صدایش می زند تا استغفار کند و سر به سجده عاشقی بگذارد، در قیامت می گوید: اخْسُوا<sup>۲</sup>.  
خدای تبارک و تعالی توفیق محاسبه، توبیخ و مؤاخذه و توفیق دعا و تصرع و مناجات و شب زنده داری به همه ما و شما عنایت بفرماید.

### خلاصه درب هفتم جهنم:

۴ نکته در محاسبه باید مدنظر قرار بگیرد:

- حساب و کتاب جدی است
- حساب و کتاب همگانی است،
- حساب و کتاب در قیامت ذره‌ای است.
- حساب و کتاب در همه ابعاد شخصیت انسان است
- محاسبه در سه حیطه قابل انجام است:
  - افکار
  - احساس
  - رفتار
- مراحل حساب و کتاب اعمال:

۱ - مومنون: ۱۰۷ و ۱۰۸

۲ - مومنون: ۱۰۷ و ۱۰۸

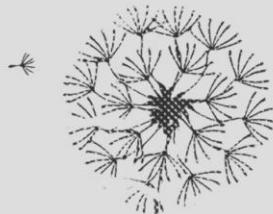
- ۱ - حساب و کتاب قبل از عمل: مشارطه
- ۲ - حساب و کتاب حین عمل: مراقبه
- ۳ - حساب و کتاب بعد عمل: محاسبه؛  
که نتیجه محاسبه، مذاخرده، معاتبه و توبیخ است.

سوزه‌های شخ  
سخن

ضمیمه (۱)



# انقلاب اسلامی



## انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی یکی از مصادیق این کلام نورانی وحی است:

وَ تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدُوانِ<sup>۱</sup>

برای رسیدن به نتیجه در انقلاب اسلامی (وهر کار جمعی) رعایت پنج اصل الزامی است که سه اصل آن از کلمه "تعاونوا" ، یک اصل از کلمه‌ی "بر" و یک اصل از کلمه "تقوا" برداشت می شود. این ۵ اصل عبارتند از:

"تعاونوا" می گوید: «همه بیایند»

که این خود بر دو نوع است :

الف : تعاون و آمدن تمام نیروهای بیرونی

در سال ۴۲ چون همه نیامندن، انقلاب به نتیجه نرسید، ولی در سال ۵۷ همه آمدند رژیم پهلوی ساقط شد و روز ۱۲ فروردین سال ۵۸ پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی با بالاترین رای ممکن در سراسر دنیا - با نود هشت و دو دهم درصد- به اهتزاز در آمد.

هر کس با هر بضاعتی که داشت آمد. "وَ جِئْنَا بِيَضْعَاهُ مُزْجَاهٌ"؛<sup>۲</sup> پیر زنی با یک کاسه و تعدادی دو ریالی کنار باجه تلفن همگانی، می گفت: دیدم وقتی در راهپیمایی ها گاز

۱ - مائدہ : ۲

۲ - یوسف : ۸۸

اشک آور می‌زنند و تیر اندازی می‌کنند مردم می‌دوند، می‌خواهند به خانه هایشان زنگ بزنند و سلامتیشان را خبر بدhenد؛ دنیال دو ریالی می‌گردند، گفتم به اندازه خودم می‌توانم این کار را بکنم ولو نتوانم بدم، اما می‌توانم این مشکل را حل کنم. این می‌شود "جئنا بضاعة مزاجة؟"<sup>۱</sup> آمدن همه، تداعی کننده این جمله امام رحمه الله عليه است که فرمود: اگر هر مسلمانی بباید و یک سطل آب بریزد اسرائیل را آب می‌برد

## ب . تعاون و هماهنگی نیروهای درونی :

وجود ما سه بخش است نیت، زبان و عمل. گاهی به نتیجه نمی‌رسیم چون نیت با زبان و عمل سه تا است و یکی نیست؛ در دعای کامل می‌خوانیم: خدایا می‌شود نیت ما، زبان ما، عمل ما، همه بگوید خدا. "وَ اجْعُلْ لِسَانِي ِبِذِكْرِكَ لَهِجَّاً، وَ قَلْبِي  
بِحُكْمِكَ مُتَّيَّماً، وَ مُنَّ عَلَىٰ بِحُسْنِ إِحْبَاتِكَ".

اتحاد نیروهای درونی عبد صالح درست می‌کند.

عدم همراهی زبان و عمل، نفاق تولید می‌کند.

خرابی نیت و زیبایی زبان، جاهم و منافق می‌سازد.

اگر همه ببایند امت سازی، جریان سازی و جبهه سازی می‌شود و حرکت می‌تواند ادامه پیدا کند.

## "تعاونوا" می‌گوید: «در کنار امت امام لازم داریم.»

امت یک محور لازم دارد به نام امام؛ همه باید پشت سر رهبر و امام ببایند. در دوران سخت انقلاب مردم می‌گفتند: "وای اگر خمینی حکم جهادم دهد ارشش دنیا

نتواند که جوابم دهد" ، واقعاً دشمن از این شعار می ترسید. "کُتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ<sup>۱</sup>  
 لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوُنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" ، اگر در طول تاریخ اسلام ائمه  
 معصومین علیهم السلام موفق به کسب نتیجه یعنی اجرای حکومت اسلامی نشدند به  
 خاطر این بود که یا همه نیامدند یا اگر آمدند پشت سر امام حق نیامدند. "اللَّهُ وَلِيُّ  
 الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ" <sup>۲</sup>.

## با وحدت و همدلی همراه باشد.

اختلاف بین شیعه و سنی، اختلاف بین سلایق سیاسی، اختلاف قومیتی و اختلاف  
 گرافیایی ناقض وحدت و راه نفوذ دشمن فرصت طلب می باشد برای رسیدن به  
 بیداری اسلامی نهایی باید شیعه و سنی همراه هم فریاد بزنند.  
 با وجود این سه اصل تعاون شکل می گیرد. نگاه کنید در عمر سی و شش ساله  
 نظام مقدس جمهوری اسلامی بیشترین حملات دشمن به این سه اصل بوده است،  
 بنحوی که تلاش می کردند:

- الف . یا همه نیایند.
- ب. یا می خواستند ولی و امام را خراب نمایند.
- ج. یا اختلاف افکنی کنند.

هدف گیری در تعاؤنوا باید "بر" باشد.

"بر" به چه معناست؟

۱ - آل عمران : ۱۱۰

۲ - بقره : ۲۵۷

"بر" یعنی خیر رسانی، یعنی خدمت رسانی و پیشرفت و تعالی. بالاترین مصاديق "بر" هم این بود که مردم ظلم را سرنگون کردند. برخی از مصاديق امرزوی "بر" عبارتنداز:

۱. ازدواج آسان
۲. نذر و وقف برای امور خیریه
۳. تولید نسل
۴. پیشرفت علم و تکنولوژی
۵. پیشرفت فرهنگی و معنوی
۶. راهپیمایی ۲۲ بهمن و اربعین
۷. تعظیم و رونق بخشیدن به مسجد
۸. معرفت و عمل به منویات ولی امر
۹. اراده های حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر قرآنی "بر":  
کلمه "بر" معمولا با "لیس" و "لکن" در قرآن آمده است و نیاز است برای مطالعه بیشتر به آیات مرتبط و تفاسیر ذیل آن رجوع شود.

پنج ویژگی اموری که به آنها "بر" اطلاق می گردد:

- الف. من الله
- ب. على الله
- ج. مع الله
- د. لله
- هـ. بالله

نتیجه اش می شود فی سبیل الله و حضور خدا در تمام مراحل.

## تقوی را رعایت نمایند؛

تقوی یعنی چه؟ یعنی رعایت حلال و حرام خدا. ساختار ما باید الهی باشد که اگر الهی شد قرآن اینگونه نوید می دهد: "وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ" <sup>۱</sup>؛

دوازده پهمن امام (رحمه‌الله‌ عليه) وارد ایران شد؛ از هواپیما می خواهد بباید بیرون همه چشم ها منتظر دیدن این وجود نازنین هستند، میلیون ها نفر، مردم اشک می ریزند، می خواهند رهبرشان را ببینند. شهید مطهری رفتند داخل هواپیما امام (رحمه‌الله‌ عليه) را تعارف کنند تشریف بیاورند پایین، امام (رحمه‌الله‌ عليه) حرکت نمی کند، می گویند چرا تشریف نمی آورید؟ می فرمایند: اول آقا باید برود، من جلوتر از آقا قدم بر نمی دارم، آقا کیست؟ بردار بزرگترشان آیت الله پسندیده مورد نظر ایشان هستند. این یعنی رعایت حدود الهی؛ با اینکه جلوتر از برادر بزرگتر حرکت کردن، حرام نیست، پشت سرش حرکت کردن، واجب نیست، یک حدود مستحبی الهی است، این مرد اینگونه حدود الهی را رعایت می کند. امام (رحمه‌الله‌ عليه) حدود الهی را رعایت کرد خدا هم به او بصیرت عطا کرد.

ولی شاید خدا با مخاطب قرار دادن بعضی از مردم می فرماید: من فرمول موفقیت را گفتم اما مردم فرمول روانشناسان، جامعه شناسان، دانشمندان، دکترها و مهندسها را قبول می کنند اما فرمول مرا قبول ندارند. اگر کسی دنیال موفقیت حقیقی است باید به فرمول الهی عمل کند:

۱ - آیه ۹۶ سوره اعراف

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَى أَمْوَا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ<sup>۱</sup> اگر ایمان و تقوا بیاورید من امکانات انجام کارها را در اختیاراتان می گذارم اما بندگان " و لکن کَبَّيْوَا؟<sup>۲</sup>؛ به وعده ها و حرفهای من اعتماد نداشتند و تکذیب کردند، پس گرفتار می شوند: " فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ"<sup>۳</sup>.

## خلاصه ی بحث انقلاب اسلامی:

پنج اصل موقفيت انقلاب اسلامی بر اساس آيه ۹۶ سوره اعراف:

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِلْمِ وَ الْدُّعْوَانِ

اصل اول: از کلمه "تعاوُنوا" فهمیده می شود، باید همه بیایند

اصل دوم: از کلمه "تعاوُنوا" فهمیده می شود، در کنار امت به امام نیاز داریم

اصل سوم: از کلمه "تعاوُنوا" فهمیده می شود، وحدت و همدلی ضروری است

اصل چهارم: هدف گیری در تعاوُنوا باید بر اساس "بر" باشد.

اصل پنجم: ساختار ما باید الهی و بر اساس تقوى و رعایت حلال و حرام خدا باشد.

۱. آيه ۹۶ سوره اعراف

۲. همان

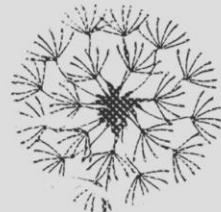
۳. همان

سوزه‌های شخ  
سخن

ضمیمه (۲)



# فتنه در قرآن



## فتنه در قرآن

با مدل تحلیل مفهومی "چیستی، چرایی و چگونگی":

### فتنه چیست؟

فتنه، پوشاندن لباس حق بر پیکر باطل است. در صدر اسلام، کفار و یهود وقتی از جنگ مستقیم طرفی نبستند، در قالب فتنه یا همان نفاق وارد شدند. خدای قلابی درست می‌کنند مانند سامری که خداوند در قرآن بیان می‌کند<sup>۱</sup>. خدا در آیه ۲۷ سوره اعراف می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتَنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يُنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيَرْبِعُهُمَا سَوَآتِهِمَا إِنَّهُ بِرَأْكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيَثُ لَا تَرَاهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

شیطان توانست با فتنه آدم ابوالبشر را فربیب دهد. شوخی نیست.

عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى.<sup>۲</sup>

۱ - طه: ۹۵-۹۶

۲ - طه: ۱۳۱

کسینجر یک سال بعد از انقلاب اسلامی در لبنان سختگانی می کند و می گوید انقلاب اسلامی ایران به دست روحانیت آغاز شد؛ شکستش هم باید به دست روحانیت باشد.

منافقان گفتند در شأن علی علیه السلام آیه نازل شده برای معاویه هم صادر می کیم. آنقدر کار را بر حضرت سخت کردند که فرمود

ارْتَدَ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا ثَلَاثَةٌ.<sup>۱</sup>

فتنه امتحانی است که شیطان برای بندگان خدا درست می کند.

یا بَنَى آدَمَ لَا يَقْتَنِنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ.<sup>۲</sup>

اشارة ای به چگونگی راه اندازی فتنه.

برای فتنه‌ی جمل، یکی را از خانه پیامبر ﷺ انتخاب می کنند و سوار بر شتر می کنند. برای فتنه‌ی های بعد از انقلاب هم دنبال یکی از بیت امام رحیم‌الله علیه بودند، ولی: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ<sup>۳</sup> امامت و ولایت بر اساس لیاقت است. آمدند محضر آیه الله بهجت رسول الله علیه گفتند: جانشینی که برای امام خمینی رحیم‌الله علیه انتخاب کردند، جوان است؛ حضرت آیه الله بهجت (رسول الله علیه فرمودند): یک بار با قصه جوانی سر بشریت و مسلمانان را کلاه گذاشتند کافیست.

شما یک فتنه پیدا نمی کنید که فردش گمنام باشد، حتی باید جزو کسانی باشد که سابقه دارد. طلحه، طلحه الخیر است و زبیر، سيف الاسلام؛ تعبیر عجیبی برای زبیر

۱ - الإخلاص، النص، ص: ۶

۲ - اعراف: ۲۷

۳ - انعام: ۱۲۴

صادر شده: ما زال الزبیر متأهل الیت حتی نشاء ابنه عبد الله بن الزبیر<sup>۱</sup> یعنی  
تعبیری که برای سلمان<sup>۲</sup> است برای زبیر هم است.  
چرا فتنه اتفاق می افتد؟  
باطل به دنبال آن است که حق و پشتونه های آن را به نفع خود مصادره کند.

### حق سه پشتونه دارد:

اولین آنها، عقل است.

الْعُقْلُ مَا عَبَدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ أَكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ<sup>۳</sup>. أَوْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعُقْلُ.  
عقل حق را می پذیرد.

دومین پشتونه حق، فطرت است

فِطْرَةُ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا<sup>۴</sup>

۱ - الأصول ستة عشر (ط - دار الشبيستري)، المتن، ص: ۲۳

۲ - قال في سلمان: «سلمان متأهل الیت» الكافى (ط - دارالحدیث)، ج ۲، ص: ۳۹۶

۳ - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۴

۴ - الإختصاص، النص، ص: ۳۸۰

۵ - روم: ۳۰

عقل، حق طلب و باطل گریز است و فطرت نیز حق طلب است و باطل گریز. فطرت، الهی و طبیعت، حیوانی است. اگر طبیعت را تحریکش کنند فطرت می‌رود در اولویت دوم.

طبیعت انسان منهای فطرت الهی همان حیوانیت و شکم و شهوت است. می‌فرماید:

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ  
يُسْرِكُونَ<sup>۱</sup>

زمانی که به خشکی می‌رسد همه چیز را فراموش و مشغول دنیا می‌شود.

### سومین پشتوانه، سعادت است

دشمن از سعادت حقیقی، سعادت دنیوی و ظاهری درست می‌کند، به صورتی که مردم از سعادت آخرت غافل شوند

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتَرْفِينَ<sup>۲</sup>.

باطل کف روی آب است؛ ما را به جایی نمی‌رساند. آیات زیادی در این زمینه داریم

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا<sup>۳</sup>.

باطل می‌بیند هیچ پشتوانه ای ندارد و همه پشتوانه‌ها از آن حق است، لذا این سه پشتوانه حق را درگیر می‌کند تا بتواند خودش را به جای حق قالب کند.

۱ - عکبوت : ۶۵

۲ - واقعه : ۴۵

۳ - اسراء : ۸۱

باطل کاری می‌کند که عقل با هوای نفس درگیر شود که در این صورت عقل خیلی کارآبی ندارد و از کار می‌افتد. عقل را اگر از هوای نفس دور کنی قطعاً حق گرا است لذا باطل، برای اینکه فتنه را جا بیندازد، عقل را درگیر دنیا می‌کند.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حُبُ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.<sup>۱</sup>

## دو مدل عقل داریم:

### ۱. عقل معاش

### ۲. عقل معاد

با عقل معاش سود و ضرر دنیا تشخیص داده می‌شود. برای اینکه عقل به دنبال حق نرود، باطل او را به حب دنیا و هوای نفس مبتلا می‌کند. بچه های جنگ، حب دنیا نداشتند؛ اگر هم بود خیلی ضعیف بود. بعد از دفاع مقدس به اسم سازندگی و ...حب دنیا را در دل همه قرار دادند.

۱ - مصباح الشریعه، ص: ۱۳۸

## چگونگی فتنه و سه شگرد مهم دشمن در ایجاد فتنه:

### ۱. نیازشناسی باطل

نیاز ما یک مصدق حق دارد و یک مصدق باطل. من و شما سرپا نیازیم؛ نیاز حقیقی ما، جاودانگی است. شیطان به حضرت آدم گفت: درختی که خدا گفته است از آن نخور، شجره خُلد و جاودانگی است.

قالَ يَا آدُمْ هَلْ أَدْلُكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلِي<sup>۱</sup>

اگر از میوه این درخت بخوری جاودانه می شوی. نیاز را درست گفت ولی متعاق قلابی ارائه کرد. این شگرد فتنه است. امروز آمریکا بعنوان شیطان بزرگ می گوید: نیاز مردم افغانستان و عراق مبارزه با تروریسم است، راست می گوید ولی مصدق را دروغ می گوید. آمریکا در مملکت ما می گوید دفاع از آزادی، دفاع از دموکراسی، دفاع از حقوق زن، دفاع از حقوق بشر، دفاع از جوانان، دفاع از زندانیان، همه اینها را می گوید، ولی آنچه که دنبال می کند چیز دیگریست. دو عملکرد متضاد ولی با یک شعار.

### ۲. شبیه‌سازی و الگوسازی متناسب با نیازهای ما

وَ قَاسِمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ<sup>۲</sup>

۱ - طه : ۱۲۰

۲ - اعراف : ۲۱

شاید شیطان از انتخاب یزید پشیمان شد. چون یزید خیلی پلید بود و ظاهر را نگه نمی داشت ولی بخارط انتخاب معاویه به خودش بارک الله گفت، چون معاویه خیلی ظاهر الصلاح بود و دو امام معصوم عليه السلام را زمین گیر کرد. شیطان در ظاهر به شکل یک ناصح و خیرخواه جلو کرد، اما در باطن قصد گمراه کردن آدم را داشت.

### ۳. استفاده از واسطه‌های ارزشی

قسم یک واسطه ارزشی بود برای شیطان، «و فاسمهما»<sup>۱</sup>. امروز واسطه ارزشی می تواند عمامه و لباس روحانیت باشد. امروز واسطه ارزشی بیت امام یا اسم امام (حمدالله-علیه) است. شهید و شهادت واسطه ارزشی است، شما در فتنه فرزند شهید می بینید، جانباز می بینید، همسر شهید می بینید، پدر شهید می بینید.

### چطور باید با فتنه مبارزه کنیم؟

#### ۱. استعاده کنیم به خدا «قالَ مَعَذَ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

باید بگوییم:

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونَ<sup>۳</sup>

۱ - اعراف: ۲۱

۲ - یوسف: ۲۳

۳ - الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص: ۴۰۲

خدا دستمان را نگیرد، در این فتنه ها سالم نمی مانیم. در روایت هست که همه پیامبران این دعا را می خوانندند:

رَبِّ لَا تَكُلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبْدًا<sup>۱</sup>  
باید خدا، خدایمان همیشگی باشد.

وَ مَا أَبْرَئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَآمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبُّهُ<sup>۲</sup>.

## ۲. توسل

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرُّوا<sup>۳</sup> وَ مَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً<sup>۴</sup>  
ضَنْكاً<sup>۵</sup>

امام صادق عليه السلام فرمودند: یعنی هر کس از ولایت امیر المؤمنین علی عليه السلام اعراض کند.<sup>۶</sup>

این آیه را زیاد بخوانیم:

۱ - الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص: ۴۲۴

۲ - يوسف : ۵۳

۳ - آل عمران: ۱۰۳

۴ - طه : ۱۲۴

۵ - عن أبي عبد الله ع في قول الله عز وجل: وَمَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً قَالَ يَعْنِي بِهِ ولائحة أمير المؤمنين ع

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاهُ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقَ<sup>۱</sup>  
عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ<sup>۲</sup>

باید زبان حالمان با امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف این باشد. در طوفان فتنه ها باید کسی دست ما را بگیرد که دستش در دست امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف است.

### ۳. رعایت تقوا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا<sup>۳</sup>

حتما باید تقوا داشته باشیم تا خدا بصیرت و قدرت تشیخص به ما بدهد. باید تضرع داشته باشیم تا خدا قدرت فهم حق و باطل را عنایت کند. نزدیک ترین آدمهایی که فکر نمی کردیم پشت ولایت را خالی کنند حاصل ساكت شدند. ۵ سال از فتنه گذشته هنوز هم ساکنند. اسمشان را گذاشتیم آقای ساكت. دعوای حق و باطل بود، آمده بودند و می خواستند ریشه انقلاب و اسلام را بزنند.

يُرِيدُونَ لِيُطْلِبُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ<sup>۴</sup>.

### خلاصه بحث فتنه در قرآن:

فتنه چیست؟

۱ - یوسف : ۸۸

۲ - انفال : ۲۲

۳ - صفات : ۸

فتنه، پوشاندن لباس حق بر پیکر باطل است.

چرا فتنه اتفاق میافتد؟

چون باطل بدنیال آن است که حق و پشتوانه های آن را به نفع خود مصادره کند.  
حق سه پشتوانه دارد:

اولین آنها، عقل است.

دومین پشتوانه حق، فطرت است (فطرت، الهی و طبیعت، حیوانی است. اگر طبیعت را تحریکش کنند فطرت می رود در اولویت دوم.)

سومین پشتوانه، سعادت است. (دشمن از سعادت حقیقی، سعادت دنیوی درست می کند.)  
سه شگرد دشمن در ایجاد فتنه:

۱. نیاز شناسی باطل. (نیاز ما یک مصدق حق دارد یک مصدق باطل. شیطان با شناخت نیاز حقیقی ما متاع قلابی عرضه می کند)

۲. شبیه سازی و الگو سازی متناسب با نیازهای ما. (شیطان در ظاهر به قصد خیرخواهی و نصیحت می آید ولی در باطن قصد گمراه کردن دارد "این یعنی فتنه")

۳. استفاده از واسطه های ارزشی. (قسم یک واسطه ارزشی بود برای شیطان، و قاسمهمما<sup>۱</sup> و با همین قسم آدم و حوا را اغوا کرد.)  
چطور باید با فتنه مبارزه کنیم؟

۱. قالَ مَعَادَ اللَّهِ؛ استعاذه کنیم به خدا <sup>۲</sup>

۱ - اعراف : ۲۱

۲ - یوسف : ۲۳

۲. توسل

۳. رعایت تقوا

در پایان از خوانندگان گرامی درخواست داریم هر گونه انتقاد و پیشنهاد که در پربار شدن این مجموعه کمک کند را به سامانه پیامکی ۰۷۷۸۰۷۷۶۷ ۳۰۰۰۲۲۷۷۸ ارسال کنید.

و من الله التوفيق.

۱۰ شعبان ۱۴۳۶

موسسه فرهنگی تبلیغی زندگی به رنگ خدا

سوزهه  
لایشخ  
سخن

برای یادداشت:

برای یادداشت:

سوزه‌ها  
لای شخ  
سخن

برای پادداشت: